

چهل منبر اعتکافی

اعتکاف و سه روز مهمان مهربانی‌های خدا

بسم الله الرحمن الرحيم

رهگذر کوچه باغ اعتکافی و فارغ از هیاهوی زندگی، در کنج دنج مسجد محله‌ای، دل سپرده‌ای به خلوتی عاشقانه. خوشحالی که خوانده شده‌ای به ضیافتی چند روزه و محرم حریم بهشت‌آسای حضرت رب الاربابی. چشم می‌دوانی به گوشه‌کنار مسجد. در این وادی اشک و انابه، هر کس، به گونه‌ای، همسفر است با تو... هنوز از سُفره کریم، خوب سیراب نشده‌ای که می‌شنوی ندای هاتف را که می‌گوید: گوارایتان باد شراب این ضیافت! بربندید بار را که گاه وداع است! افسوس می‌خوری و با خود می‌گویی: همیشه همین‌طور است. تا نگاه می‌کنی، وقت رفتن است. دوباره چشم می‌دوانی به گوشه‌کنار مسجد. در این ساعات پایانی، یکی قنوت دعا برداشته، دیگری سر در جیب خلوت، به تفکر نشسته و همین‌طور... سخت می‌آید با انبوهی از خاطرات شیرین و شکربار، دل بکنی از دوستانی که زلال‌ترند از آب و آینه. اینجا ست که ذهن و زبانت پر می‌شود از سؤال. آیا باید تا سال دیگر به انتظار نشست؟ آیا راهی هست برای اینکه چراغ این ارتباط همچنان روشن بماند؟ آیا در فضایی بیرون از مرز جغرافیا، می‌توان به این دوستی‌ها ادامه داد؟

قرآن مجید با صراحت، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را الگو و اسوه همه مسلمانان معرفی می‌کند. (احزاب: ۲۱) الگویی شایسته در همه شئون زندگی؛ از جمله اعمالی که پیامبر گرامی اسلام به آن مبادرت می‌ورزیدند؛ عمل اعتکاف است. ما نیز باید از مقتدای خود پیروی کنیم. اصولاً هر دستوری از دستورهای آسمانی، بخش معینی از نیازهای روحی انسان را برآورده می‌کند. گرچه انجام مکروهات و ترک مستحبات، عقاب ندارد؛ ولی رسیدن به کمال والای انسانی، تنها با انجام واجبات و ترک محرمات حاصل نمی‌شود. همان گونه که بدن انسان برای بقا و سلامت خود، به مواد گوناگون اصلی و فرعی نیاز دارد؛ روح نیز در سایه عمل همه جانبه به مقررات و احکام اسلامی، به کمال مطلوب خواهد رسید. متأسفانه اعتکاف در جامعه ما چهره یک سنت فراموش شده را به خود گرفته بود. اگر یکی از برنامه‌های اسلامی - اعم از واجب یا مستحب - با خطر فراموشی مواجه شود، هر مسلمانی باید به فراخور توان و قدرتش در راه احیای آن بکوشد. راستی هرگاه در یک جامعه اسلامی مردم با عبادتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آن همه بدان اهتمام داشته، بیگانه باشند؛ چه کسی مسئول است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هرکس سنت نیکی را پی‌ریزی کند خداوند پاداش آن سنت و نیز اجر همه کسانی که بدان عمل کنند به او ارزانی می‌دارد بی‌آنکه از ثواب عمل کنندگان چیزی کاسته شود. امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: جهاد مستحب آن است که انسان، سنت نیکی را به پا دارد و در راه برپایی، باروری و احیای آن بکوشد. کار و تلاش در زمینه احیای سنت؛ از برترین اعمال به شمار می‌آید. برای احیای این سنت الهی در هر عصر، مردانی قدم به میدان گذاشتند و در زمان ما نیز همت مردانی در این راستا به ثمر نشست و این سنت فراموش شده بار دیگر همچون گلی شکوفا شد و کم کم عطر دل آویزش به سرتا سر ایران اسلامی رسید. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اعتکاف، در ده روز از روزهای رمضان، معادل دو حج و دو عمره است. همچنین فرموده‌اند: اعتکاف از روی ایمان و اخلاص باعث آمرزش گناهان گذشته می‌شود. هم ایشان گفته‌اند: فرد معتکفی که کلیه گناهان را ترک کند؛ به او همچون کسی که همه کارهای پسندیده را انجام داده، پاداش می‌دهند؛ و در جای دیگر نیز از ایشان نقل است: خداوند متعال در هر روز صد و بیست رحمت بر خانه کعبه نازل می‌فرماید، شصت رحمت از آن طواف کنندگان، چهل رحمت از آن معتکفان و بیست رحمت از آن تماشاگران است.

مسئله اعتکاف ریشه در تاریخ قبل از اسلام داشته به طوری که قرآن کریم در موارد زیادی از این اصطلاح برای دیگر ادیان استفاده کرده است. «اعتکاف»، مصدر باب افتعال از ریشه «ع - ک - ف» به معنای محبوس کردن و روی آوردن به چیزی است. راغب گوید: «اعتکاف به معنای روی آوردن و ملازمت با چیزی، همراه با تعظیم آن است و در اصطلاح فقه، عبارت از توقف در مسجد به قصد عبادت است». واژه اعتکاف در قرآن نیامده، ولی مشتقات ماده «عکف» از ثلاثی مجرد به صورت اسم فاعل ۷ بار و در شکل اسم مفعول و مضارع هر کدام یک بار آمده است. در رابطه با پیشینه این مسئله باید گفت که از برخی آیات قرآن برمی‌آید که این عبادت در ادیان توحیدی پیشین نیز مطرح بوده و پیامبران الهی و موحدان، گاه برای راز و نیاز با خداوند، مدتی از زندگی و جامعه دوری می‌گزیدند و به مسجدالحرام یا معابد دیگر پناه می‌بردند و مدتی خود را برای عبادت با خدا و راز و نیاز با او محبوس می‌کردند. از جمله آیه سوره مبارکه بقره است که خداوند در آن به ابراهیم و فرزندش اسماعیل، فرمان می‌دهد تا مسجدالحرام را برای طواف کنندگان و معتکفان پاکیزه کنند: «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ». از این آیه، افزون بر اینکه استفاده می‌شود که سنت اعتکاف در شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام) بوده، اهمیت فوق‌العاده این عبادت در شریعت آن حضرت و دیگر ادیان توحیدی که نشأت گرفته از شریعت ابراهیم (علیه السلام) است نیز فهمیده می‌شود؛ زیرا خداوند از سویی دو

پیامبر خود را مأمور کرده است تا مقدمات این عبادت را فراهم سازند و از سوی دیگر، خانه خود را که بهترین مکان در روی زمین است، جایگاه این عبادت قرار داده است. شاید بتوان اقامت و عبادت مریم (سلام الله علیها) در مسجدالاقصی را نیز از مصادیق اعتکاف برشمرد؛ زیرا مادر آن حضرت نذر کرد که مریم را وقف عبادت خدا کند «إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا...» (آل عمران: ۳۵) و پس از بلوغ، سرپرست او (زکریا علیه السلام) برای وی جایگاهی در مسجدالاقصی آماده کرد تا به عبادت بپردازد. سپس مریم در مسجد اقامت گزید و به عبادت پرداخت که از نزد خدا با طعام‌های بهشتی پذیرایی می‌شد «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (آل عمران: ۳۷).

از برخی آیات استفاده می‌شود که توقف نزد بت‌ها و عبادت آن‌ها، در آیین‌های بت‌پرستی نیز رواج داشته است. در آیه ۵۲ سوره مبارکه انبیاء حضرت ابراهیم (علیه السلام)، «آزر» و قومش را به سبب عبادت بت‌ها و ملازمت با آن‌ها نکوهش کرده است «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ». در معنای «عاکفون» گفته‌اند که بت‌پرستان در بتکده‌ها ملازم بت‌ها بودند و آن‌ها را عبادت می‌کردند. آیه ۱۳۸ سوره مبارکه اعراف گزارش کرده که بنی‌اسرائیل پس از عبور از دریا با بت‌پرستانی مواجه شدند که سر بر آستان بتان خود داشتند: «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْنَاهُ عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ...»، همچنین در آیه ۹۱ سوره مبارکه طه، داستان بنی‌اسرائیل آمده است که پس از رفتن موسی (علیه السلام) به کوه طور، در اطراف گوساله سامری وقوف کرده و به پرستش پرداختند: «قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى». در اسلام نیز همچون شرایع پیشین، سنت اعتکاف وجود داشته و مسلمانان به این عبادت ترغیب و تشویق شده‌اند، از آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره که در آن به برخی از احکام اعتکاف اشاره شده است «وَلَا تَبَا شَرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» و نیز آیه ۱۲۵ سوره مبارکه بقره مشروعیت این عمل در اسلام استفاده می‌شود.

دوستانه: حال که می‌خواهی سه روز مهمان مهربانی‌های خدا باشی، حال که آفتاب سعادت روی گونه‌هایت افتاده و گرمایی به سردی تنت بخشیده، حالا که «ایام روشنی» تاریکی دلت را نورانی کرده، باید بدانی که چگونه مهمانی باشی برای چنین ضیافتی. از آداب ظاهری و دانستن احکام آن که بگذری، تازه وارد می‌شوی در مرحله دقیق‌تر و سخت‌تر از مرحله پیشین. سه روز بیتوته و روزه و دعا در کنجی - آن هم با شرایط امروزی - شاید کار آسانی باشد؛ اما آنچه شرف بخشیده به این ضیافت و آن را چنین الهی و ملکوتی گردانیده است، تنها رعایت مسائل و احکام آن نیست. چه بسا کسانی سال‌ها گوشه تاریکی را برای راز و نیاز در آغوش گیرند، اما با کوله‌ای خالی از نور و نیایش سفر حقیقی خود را آغاز کنند. اعتکاف گرچه ایوان رفیعی دارد برای پرواز و می‌تواند «تجربه یک پرواز» باشد، اما رخصت پرواز برای آن دلی صادر می‌گردد که از چند مرحله گذشته باشد برای پر زدن.

مرحله اول: این است که با خود بنشین و به کارهایی که سال‌های قبل انجام داده‌ای و یا آن مسائلی را که ترک کرده‌ای فکر کنی؛ و بدانی که چه فرصت‌هایی رو از دست داده‌ای و با هر کدام از این کارهای منفی که همه‌مان هم داشته‌ایم چقدر از هدف خود که رسیدن به معشوق است و آرامش دائمی را در پی دارد، دور شده‌ایم. اصلاً ما برای چه آمده بودیم به این دنیا و چه وظیفه‌ای را قبول کرده بودیم و حالا تماش را یکجا از یاد برده‌ایم. مگر نه این است که خداوند «امانت» خود را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کرد و همه از گرفتنش اِبا کردند. ولی من انسان قبول کردم؟! و حالا از آن «امانت دوست» چگونه مراقبت می‌کنم و چه کارهایی را برای دوست انجام می‌دهم؟! این نسیان و فراموشی که در من به وجود آمده، این روزها باید از بین برود، اگر از راه کمی دور شدم دوباره به مسیر برگردم. باید از خواب غفلت بیدار شوم و پا در مسیر بگذاریم، چرا که همه آسمانیان تو را و من را و همه را می‌خوانند که: کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش، کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟

مرحله دوم: مرحله دوم گذشتن از مانع معاصی و گناهان است، اگرچه در این سه روزه، معتکف از معصیت اجتناب می‌کند، اما باید قصد کند این دوری را تا ملاقات محبوبش ادامه دهد. اعتکاف بهانه‌ای است برا آشتی با دل و شستن زنگارهای آویخته بر آن از زلال اشک‌های پشیمانی، اشک‌هایی که این دل سیاه را که حرم الهی است از غیر او شسته و آن را برای قدوم صاحب اصلی آن پاکیزه می‌کند.

مرحله سوم: و سوم مرحله اینکه خلوتی داشته باشی و تفکری کنی که: اندکی در خود نگر تا کیستی؟ از کجایی؟ در کجایی، چیستی؟!

چشم از ملکوت برگیری و دلت را بسپاری به بادهای مهاجر تا تو را به دور دست‌ترین گوشه‌های جهان ببرند تا آن‌قدر در حریم قدسی او - که لایتناهی است - غرق شوی که دیگر نباشی، دیگر نتوانی جز بهت و سکوت چیزی بگویی و بهت آغاز اندیشیدن و اندیشیدن آغاز معرفت و معرفت معنای اعتکاف... و بدان که همه این‌ها به مقدار محبت به امامان و صاحبان مقام ولایت است که "بکم فتح الله و بکم یختم"؛ به شما خدا گشوده و به شما خدا پایان می‌دهد.

که معتکف دیرم و گه ساکن مسجد؛ یعنی که تو را می‌طلبم خانه به خانه

اصفهان بهار ۱۳۹۷

حسن بابایی

منبر اول: اعتكاف، شكستن است و پیوند خوردن؛ شكستن قفس نفس و پیوند خوردن به آسمان.

آیه: «وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵)؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید. این آیه شریفه اشاره دارد به پیمانی که خداوند متعال از حضرت ابراهیم و فرزند بزرگوارش گرفته است تا خانه خدا را برای طواف کنندگان و کسانی که در آنجا می‌خواهند معتکف شوند پاکیزه کنند.

حدیث: قال الامام الصادق عليه السلام: "العملُ الخالصُ، الذي لا تُريدُ أنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللهُ عَزَّوَجَلَّ"؛ امام صادق علیه السلام فرمود: عمل خالص آن است که نخواهی کسی جز خدای عزوجل، تو را بر انجام آن کار بستاید.

دانشتنی‌های اعتكاف: اعتكاف، در لغت به معنای توقف در جایی است و در اصطلاح احکام، عبارت است از ماندن در مسجد به قصد عبادت خداوند، با شرایطی که خواهد آمد. انسان می‌تواند، در حال اعتكاف، بنشیند، بایستد، بخوابد یا راه برود. از عباداتی که صریحاً در قرآن مجید آمده و از جهاتی شباهت با حج و عمره دارد و ثواب آن هم با حج و عمره شبیه می‌باشد اعتكاف است. سه روز به خانه خدا پناه بردن، از همه چیز و همه کار بریدن و روزه داشتن شب و روز به یاد خدا بودن و عبادت کردن و تلاوت قرآن نمودن و سرانجام در خویش فرو رفتن و اندیشیدن و خود سازی کردن و به اصلاح عیوب خود و رفع کاستی‌ها پرداختن، برنامه سازنده عجیبی است برای آن‌ها که قدر آن را بشناسند و حق آن را ادا کنند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با آنکه سنّ مبارکش در مدینه کم نبود به اعتكاف اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌داد و حتی در بعضی از سال‌ها که بر اثر غزوات اسلامی فرصت اعتكاف نیافت در سال بعد آن را قضا نمود. بحمدالله در سال‌های اخیر سنت اعتكاف که تقریباً فراموش شده بود رونق فراوانی یافته و گسترشی عظیم پیدا کرده و همه قشرها از آن استقبال کرده‌اند که در این میان، اقبال جوانان، به ویژه طلاب و دانشجویان عزیز و اساتید، اعم از برادران و خواهران بسیار چشمگیر است. ما یقین داریم سنت سازنده اعتكاف می‌تواند تحوّل عمیقی در محیط ما خصوصاً در نسل جوان ما ایجاد کند.

اخلاق: همنشینی با خداوند: گرچه در تمام زندگی، انسان همنشین خداست، اما خدا راضی نیست و لذا از انسان‌ها خواسته تا سه روز فقط در خانه‌ی خدا باشند: «سه روز مهمان من باش تا این همنشینی و مهمانی ذاتی شود تا بتوانی وارد جامعه شوی». اعتكاف برای این است که ما به یقین برسیم. مهمان می‌داند که میزبان قادر به فراهم کردن همه چیز است، والا مهمانی نمی‌گرفت. اگر در مقابل خدا به این درجه رسیدیم و خود را مهمان خدا دانستیم، خدا خود را موظف می‌داند که از ما میزبانی کند.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتكفین: برنامه‌های جمعی اعتكاف با خلوت هر کدام از معتكفین منافات پیدا نکند: من همین‌جا به مسئولین مربوط - در این امور اعتكاف‌ها - يك سفارشی بکنم: اگرچه که اجتماع هزاران نفر در جاهای مختلف يك فرصت خوبی است و شنیده‌ایم بعضی از مسئولین مساجد، در این فرصت‌ها برنامه‌های جمعی‌ای می‌گذارند که مثلاً افراد بیشتر استفاده بکنند؛ لکن من می‌خواهم عرض بکنم این برنامه‌های جنبی مراکز اعتكاف، جوری نباشد که با خلوت هر کدام از معتكفین منافات پیدا کند. این اعتكافی که جوان‌ها انجام می‌دهند، در واقع دارند با خدا خلوت می‌کنند. اعتكاف بیشتر يك کار فردی است؛ ایجاد يك ارتباط با خداست. جوری نشود که برنامه‌های جمعی این مراکز اعتكاف، حال خلوت و حال ارتباط فردی و قلبی با خدا را در افراد ضعیف بکند یا بگیرد. مجال بدهند؛ وقت بگذارند؛ بگذارند این جوان‌ها قرآن بخوانند، نهج‌البلاغه بخوانند، صحیفه‌ی سجادیه بخوانند.^۱

احکام شرعی: آیا اعتكاف در مسجدی غیر از مسجد جامع باطل است و آیا ممکن است هر محله‌ای مسجد جامعی غیر از مسجد جامع شهر یا روستا داشته باشد؟ مسجد جامع به چه مسجدی گفته می‌شود؟ آیا ممکن است که در شهر چند مسجد جامع باشد؟

^۱ الکافی، ج ۲، ص ۱۶

^۲ سخنان مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی (علیه‌السلام) ۱۳۸۷/۴/۲۶

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اعتکاف در هر مسجدی حتی غیر از مسجدهای چهارگانه تا هنگامی که بر آن مکان اسم مسجد صدق کند، جایز است، مشروط بر اینکه به قصد رجا باشد یعنی به امید اینکه مطلوب خداوند واقع شود و مختص به مسجد جامع نیست و ممکن است که یک شهر یا روستا چند مسجد جامع داشته باشد.

گلستان پندها: سخنی از سید بن طاووس: بدان که اوج و کمال اعتکاف، آن است که انسان عقل و دل و دیگر اعضای بدنش را تنها بر اعمال صالح وقف کند و آن‌ها را بر درگاه خداوند و اراده مقدس او حبس نماید. معتکف باید فکر و جان و اعضای خود را با افسارهای مراقبت، به خوبی مهار و از چیزهایی که روزه دار باید از آن بپرهیزد، کاملاً خودداری کند. بلکه، دقت و مراقبت معتکف، باید به مراتب بیشتر از روزه‌دار باشد؛ زیرا او هم روزه‌دار است و هم معتکف و هر معتکفی خود را ملزم نموده است که با تمام وجود به خداوند متعال روی آورد و رویگردانی و غفلت از حق را یکسره کنار نهد؛ بنابراین هرگاه معتکف، نور عقل و جانش به غیر خدا مشغول شود یا عضوی از اعضای بدنش را در کاری که طاعت پروردگار نیست به کار گیرد؛ به همان میزانی که غفلت نموده یا کوتاهی کرده از حقیقت و کمال اعتکاف خود کاسته است. هم او می‌گوید: معتکف، نباید محل اعتکاف را ترک کند؛ مگر آنکه ضرورتی پیش آید. بر فرض که چنین شد و از مسجد بیرون رفت، باید در طول رفت و آمد؛ اعضا و جوارحش را به خوبی حفظ کند و به پیمان و اخلاصی که با خداوند بسته پایبند باشد. در این صورت خداوند، نیز به شرط و عهد خویش وفا خواهد کرد که «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُون».

آیت الله مظاهری: بسم الله الرحمن الرحيم: خداوند سبحان را از صمیم جان و دل سپاسگزاریم که به برکت خون‌های مطهر شهیدان امت و مجاهدت امام راحل عظیم الشان قدس سره شریف، دل‌های پاک و نورانی جوانان با ایمان و خداجوی را در این ماه پر فضیلت و در این ایام با عظمت به سوی خود هدایت فرموده است و سنت حسنه اعتکاف به همت شما مؤمنان در راه تکامل هر ساله بهتر و با شکوه‌تر از گذشته، برگزار می‌گردد. این فرصت کوتاه ولی گران‌بها را قدر بشناسید و از این توفیق الهی به بهترین وجه بهره‌برداری و در این بارقه ربانی، دل و جان خود را به عطر پاک رحمت حضرت حق سبحانه و تعالی مصفی و معطر کنید. "الا ان فی آیام دَهرِکُم نَفَحَاتٌ اَلَا فَتَعَزُّوْا لَهَا" این روزهای محدود، در درون خود چنان عظمتی را به همراه دارد که اگر قدر آن به درستی شناخته شود، می‌تواند زمینه شایسته پیمودن منازل سلوک الی الله باشد. اخلاص را، اخلاص را، اخلاص را فراموش نکنید و جز خداوند رحمان و رحیم و رضایت او به هیچ امری التفات ننمایید و آنچه در این مجال باید به آن توجه کنیم، دعا برای مهمات امور و از هر امری مهم‌تر، فرج مولايمان و مولای تمام هستی، حضرت ولی الله العظم ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء است. امروز فرج و نصرت امت اسلامی و بلکه فرج و نصرت تمام مظلومان و ستم‌دیدگان عالم و بلکه فرج و رهایی بشریت در گرو ظهور منجی الهی و مهدی موعود (عجا الله تعالی فرجه الشریف) است. امروز شیعیان مظلوم و ماتم زده لبنان که در میدان مبارزه با صهیونیسم و نظام سلطه جهانی در صف اول جهاد و مجاهدت قرار دارند و زنان و کودکان و آوارگانی که هر روز و هر ساعت در زیر حملات وحشیانه و دردمن‌شانه اسرائیل این غده سرطانی جهان، مانند برگ خزان، پیر می‌شوند و دل‌های همه مسلمانان و همه انسان‌های حق‌طلب و نوع دوست را داغدار خود می‌کنند، بی‌صبرانه در انتظار فرج موعود ادیان و امام اهل ایمان و وعده حتمی قرآن هستند. امروز هسته مقاومت اسلامی و حزب الله عزیز و با شرافت لبنان و رهبر مؤمن و مجاهد آنان حضرت آقای سید حسن نصرالله، (فرج الله عنهم) در جهاد و مبارزه بی‌امان خود با استکبار جهانی و نظام صهیونیستی، پناه و فریادری جز "کَهِفْ حَصِیْن و غِیَاثِ مَضْطَرِّ مُسْتَكِیْن و مَالِجَاءِ الْهَارِبِیْن" ندارند و آن امام مهربان چشم عنایتش را به آن مجاهدان عطا خواهد کرد و ان شاء الله به برکت دعای مستجاب حضرت بقیه الله ارواحنا فدا، پیروزی و فتح و نصر به آن مبارزان دادور خواهد بود. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته. حسین مظاهری: ۱۷/ ۵ / ۱۳۸۵، ۱۳ رجب المجرب ۱۴۲۷

منبر دوم: بر خال لبت طواف کردم ای دوست*** بر جرم خود اعتراف کردم ای دوست*** مردم همه در مسجد شهرند و من*** در چشم تو اعتکاف کردم ای دوست

آیه: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (بقره: ۱۸۷)؛ با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "قَلِيلُ الْاِمَالِ تَخْلُصُ لَكَ الْاَعْمَالُ"؛ امام علی علیه السلام فرمود: آرزوهایت را کم کن، اعمالت خالص می‌شوند.

دانستنی‌های اعتکاف: اقسام اعتکاف: اعتکاف بر دو قسم است، مستحب و واجب، که در اصل، يك عمل مستحبی است، ولی ممکن است به سببی واجب شود که از جمله اسباب وجوب اعتکاف، این امور است: نذر، عهد یا قسم، مثلاً انسان نذر کند یا با خدای خود عهد کند یا قسم بخورد که اگر در فلان کار موفق شد، یا از فلان بیماری شفا پیدا کرد چند روز در مسجد معتکف شود. شرط ضمن عقد، مثلاً هنگام قرارداد اجاره منزل، صاحب خانه شرط می‌کند که مستأجر هر سال پنج روز در مسجد معتکف شود و مستأجر نیز این شرط را می‌پذیرد. اجاره، مثلاً شخصی اجیر می‌شود که با دریافت مزد - یا بدون دریافت مزد - از طرف میت در مسجد معتکف شود مانند نماز استیجاری.

اخلاق: انقطاع: "الهی هَبْ لِي كَمَالَ الْاِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ" در این سه روز از جامعه و هر چه در آن است می‌بریم تا خودمان باشیم و خدا و کسانی که آمده‌اند برای خدا. احکام اعتکاف به گونه‌ای است که انسان نمی‌تواند کسی را جز خدا بخواهد. قرار نیست دل فرد برای کسی یا چیزی غیر از خدا تنگ شود، اگر غیر از این شد اعتکاف قبول است، اما با درجه پایین‌تر. در این مهمانی، غذا هم برکت و حرمت دارد چون از طرف میزبان است، اگر از خارج از اعتکاف برای انسان غذا بیاورند، آن غذا ارزش اعتکاف را کم می‌کند.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتکفین: به خصوص من در این ایام اعتکاف، صحیفه سجاده را تو صیه می‌کنم. این صحیفه سجاده واقعاً کتاب معجزنشانی است. خوشبختانه حالا ترجمه هم شده و ترجمه‌هایی هست. سال گذشته ترجمه خوبی از صحیفه سجاده را به من دادند و آن را دیدم؛ ترجمه بسیار خوبی است. از این معارف موجود در دعا‌های حضرت علی بن حسین (سلام الله علیه) در صحیفه سجاده، استفاده کنند؛ بخوانند؛ تأمل کنند. این‌ها فقط دعا نیست؛ درس است؛ این کلمات امام سجاده - و همه ادعیه‌ای که از ائمه (علیهم‌السلام) مأثور است و به دست ما رسیده است - پر است از معارف.

احکام شرعی: اگر کسی بخواهد در خارج از شهر خود اعتکاف کند، برای مثال در مکه مکرمه و از ساکنین مکه نباشد و قصد ده روز هم نکند، آیا نذر کافی است و صیغه‌ی آن چیست؟ اگر نذر، صحیح است، آیا می‌تواند در خلال ماه رمضان نذر کند؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): نذر روزه در سفر مانعی ندارد و با این نذر، روزه و اعتکاف صحیح است ولی احتیاط آن است که نذر، قبل از شروع مسافرت باشد و صیغه‌ی آن عبارت است از «لله علی ان اصوم فی سفری الی کذا».

گلستان پندها: سخن اهل دل: ۱- دستورات الهی برای پروراندن درخت وجود و شجره طیبه و طوبای نفس انسانی است تا او را از عالم پایین به عالم بالا سیر صعودی داده و به مقام شامخ قرب الهی برساند. از جمله این دستورات مسئله اعتکاف است که متن آن را سکوت و صوم و بیداری و خلوت و ذکر و راز و نیاز مداوم، تشکیل می‌دهد. ۲- اعتکاف در حقیقت، در خانه ولایت و وقوف پیدا کردن و در خانه دل و نهانخانه با حق سخن گفتن و از غیر لب فرو بستن و به خدا پیوستن است. ۳- اعتکاف، پشت پا زدن به تعلقات نفس است. معتکف می‌کوشد تا از فرش زمین نفس، به عرش آسمان دل پرواز کند و در آشیانه دوست منزل گزیند. ۴- اعتکاف، عاشقان را به طواف حرم امن الهی یعنی دل می‌برد "القلب حرم الله" و نفس را با اسم حافظ حق نگیهان دل قرار می‌دهد "وَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ". ۵- اعتکاف انسان در پیشگاه حق را زمان خاص و وقت خاص نیست؛ زیرا که عارف را حضور دائم باید که حضور دایمیش، اعتکاف اوست و انقطاع الی الله به طور مداوم، زبان حال و قال اوست؛ این اعتکاف چند روز در مسجد جامع هر شهری، ظل و آیت و علامتی از برای آن اعتکاف حقیقی انسان است؛ تا کدامین صاحب دلی بدین بارگاه قدس الهی بار یابد. ۶- معتکفان دائمی

را که زبان هو هو دارند، از آن عالم خبری است و آن را که خبر شد، خبری باز نیامد. چه اینکه حقایق ملکوتی خوش نشین‌اند و تا قلب را آرام و دل را خالی از غیر نبینند فرو نمی‌آیند و از عالم بالا تنزل نمی‌کنند. ۷- معتکف شدن در مسجدی برای چند روزی برای همگان میسر است؛ ولی معتکف در خانه حق شدن و دل را به صاحب‌دل دادن و استقامت در طی مسیر داشتن کاری است بس دشوار. ۸- اعتکاف به دفتر دل رسیدن و طلسم را گشودن و از اسرار غیب آگاه شدن و به قیام قیامت جان رسیدن است. اعتکاف به حساب خود رسیدن است قبل از آنکه به حسابش برسند "حَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا". ۹- اعتکاف صاحب‌دل، رحل اقامت افکندن و وصف دل را تا قیامت جان شنیدن است و در دل شب نیز از نوای سینه و نای گلو، های و هوی برآوردن است. ۱۰- اعتکاف، روزه گرفتن، سکوت کردن و از غیر و نامحرم دور شدن و از معاشرت پرهیز کردن و از حرف و کلام غیر تبری جستن و با هم‌نوعان خویش که همدل‌اند، انس داشتن و از لذایذ مادی، دوری گزیدن و از زندان نفس آزاد شدن و با غسل و نیت، جان را تطهیر کردن و با عمل ام داوود، دستور العمل از کاملان گرفتن است. خود را یافتن و دل بدان کامل واصل سپردن و در نهایت، قرآنی شدن است؛ که «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ جز پاکان نباید آن را مس کنند. ۱۱- برای نیل به هدف بزرگ تزکیه و تهذیب نفس و سر و سلوک، آدمی را اعتکاف باید؛ اعتکاف در محیطی خلوت و ملکوتی، به دور از هیاهوی زندگی؛ اعتکاف در حقیقت راز و نیاز با خالق و فارغ از خویش‌نشدن و توجهی خاص به مبدأ آفرینش و مرکز قدرت و عزت و سعادت یافتن. ۱۲- در عصر سلطه مادیت بر سرا سر جوامع انسانی، دنیاطلبی معیار برتری و عزت گردیده و از دین و معنویت که ریشه در اصل و فطرت بشر دارد جز شبحی کم رنگ، چیزی بر جا نمانده. چه زیبا و شیرین است که اهل معنی در خلوتی روحانی، در خانه خدای خود به اعتکاف نشسته و خود را به دریای بیکران رحمت دو ست سپرده و از او برای گذر از این مرحله سخت یاری جویند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی): در دنیای پر غوغای مادی که جاذبه‌ها به سوی مادیت است بر قلب و روح انسان زنگار می‌نشیند زنگاری از غفلت و دوری از خدا که اگر با نیایش و عبادت برطرف نگردد ممکن است روحانیت و معنویت را از وجود انسان برچیند و اینکه در روایات اسلامی نماز تشبیه به نهر آب پاکیزه‌ای شده که انسان در هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شستشو می‌دهد اشاره به همین نکته است، در میان عبادات "اعتکاف" ویژگی خاصی دارد و از جهاتی شبیه به حج و احرام است که انسان را به جهانی مملو از روحانیت و معنویت سوق می‌دهد. در محیط یک مسجد جامع سه روز ماندن، روزه گرفتن، و به عبادت پرداختن و در خودسازی کوشیدن و به غیر خدا نیندیشیدن، تحوّل عظیمی در روح انسان پدید می‌آورد که صفا و نورانیت آن بی‌نظیر است. بحمدالله در سال‌های اخیر اعتکاف از سوی قشر جوان و مخصوصاً دانشجویان عزیز مورد استقبال واقع شده و لذت و آثار این عبادت روحانی را دریافته‌اند و ما این استقبال عظیم را به آن‌ها تبریک می‌گوییم. امیدواریم جوانان عزیز ما، مخصوصاً دانشجویان در این امر که وسیله مؤثری برای قرب پروردگار است نیز نسبت به دیگران پیشگام باشند و از نتایج معنوی آن کاملاً بهره‌مند شوند. این جانب به سهم خود نسبت به همه دست اندرکاران که مقدمات انجام این عبادت مهم الهی را فراهم کرده‌اند متشکر و سپاسگزارم و ان شاء الله ذخیره یوم المعاد آن‌ها خواهد بود. سزاوار است معتکفین عزیز نخستین دعایشان در پیشگاه پروردگار، پیروزی رزمندگان اسلام در کشور لبنان و فلسطین و دعا برای قطع شر اشرار از این منطقه و از کل جهان باشد، از همه شما عزیزان ملتمس دعا هستم و برای قبولی طاعتتان دعا می‌کنم. ناصر مکارم شیرازی

منبر سوم: رجب بهانه‌ای است برای دوستی با خدا، لحظه‌های سرشار از این دوستی باد. دیباچه‌ی عشق و عاشقی باز شود***دل‌ها همه آماده‌ی پرواز شود***با بوی معطر ماه رجب***شور و شغف خدایی آغاز شود.

آیه: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسرا: ۷۹)؛ و پاسی از شب را از خواب برخیز و قرآن و نماز بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توسل است. امید است که پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برانگیزد.

این سیر تکاملی در برنامه خلوت پس از تهجد شبانه، با خلوت اعتکاف که دست کم سه روز ادامه می‌یابد، کامل می‌شود که پیامبر نیز بر همین اساس، دهه‌هایی را از برخی ماه‌ها، مانند ماه رمضان در مسجد اعتکاف می‌کردند.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "مَنْ لَمْ يَكُنْ اَوْ صَلَّى خِصَالِهِ اَدَبُهُ كَانَ اَهْوَنَ اَحْوَالِهِ عَظَمَةُ"؛ امام علی علیه السلام فرمود: هر که بهترین خصلتش ادبش نباشد، کمترین وضع و حالت او گرفتاری و هلاکت است.

دانستنی‌های اعتکاف: زمان اعتکاف: در طول سال در هر زمانی که انسان بتواند، حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد صحیح است ولی بهترین زمان برای اعتکاف ماه مبارک رمضان و در ماه رمضان، دهه آخر آن است. آیا اعتکاف نذری را می‌توان در ماه رمضان انجام داد؟ آیت الله بهجت: مانعی ندارد. آیت الله مکارم: مانعی ندارد، مگر اینکه نیت او غیر ماه رمضان باشد. آیت الله صافی: اگر نذر مطلق یا مقید به ماه رمضان باشد اشکال ندارد.

افضل اوقات اعتکاف چه زمانی است؟ آیا ایام البیض ماه رجب فضیلت خاصی برای اعتکاف دارد؟ (ایام البیض سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم). آیت الله مکارم: بهترین اوقات اعتکاف، ماه مبارک رمضان و از همه بهتر دهه آخر آن است. آیت الله بهجت: افضل اوقات ماه رمضان است، خصوصاً در دهه آخر آن و ایام البیض رجب نیز تأکید شده است.

اخلاق: عبادت: هر کاری می‌تواند عبادت باشد، مثل درس خواندن، کار کردن و آشپزی؛ اما خود عبادت هم مهم است. از برترین عبادت‌ها جهاد در راه خداست. اگر فردی شب تا صبح بجنگد عمل بسیار عظیمی را انجام داده، ولی به پای نماز شب نمی‌رسد. اعتکاف، بستر مناسب اندیشه و تفکر و خردورزی است. اعتکاف، تلاشی است برای اینکه انسان‌های فرو رفته در غرقاب روزمرگی‌ها از فضای پر التهاب روزانه به سوی «خویش» و «خدای خویش» باز گردند. اعتکاف زمینه توبه و بازگشت است. بازگشت به قرآن و معنویت، بازگشت به دعا و استمداد از عالم غیب، بازگشت از «خودمداری» به «خداگرایی». آن‌ها که مسئولیت‌های ح‌ساس‌تر و بزرگ‌تری دارند، بیش از دیگران به اعتکاف و خودسازی نیاز دارند. بی‌جهت نیست که شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پس از هجرت، همه ساله دهه اول یا دوم و گاه هر دو دهه و در سال‌های آخر زندگی به طور منظم دهه سوم ماه مبارک رمضان را به اعتکاف می‌پرداخت و به همه دست‌اندرکاران و کارگزاران و رجال سیاسی، اجتماعی درس معنویت‌گرایی و ذکر و نیایش و روزه و تلاوت قرآن می‌دهد.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتکفین: پس ماه رجب است، ماه عبادت است، ماه توسل به پروردگار است، ماه تضرع است؛ و در این راه، ماه تشبیه به امیرالمؤمنین است. با خدا ارتباطمان را قوی کنیم تا در میدان‌های زندگی بتوانیم با اراده محکم، با قدم استوار و با ذهن روشن، وارد هر میدانی بشویم.^۲

احکام شرعی: اگر معتکف مبتلا به مرضی شود که مجبور به افطار روزه است چه باید بکند و حکم اعتکاف او چیست؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اعتکاف بدون روزه صحیح نیست لذا با افطار روزه اعتکاف باطل می‌شود.

^۱ غررالحکم، ج ۸۹۰

^۲ سخنان مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی (علیه‌السلام)؛ ۱۳۸۷/۴/۲۶

گلستان پندها: اعتكاف، نشانه‌ی جهت‌گیری صحیح ماست: در ایام اعتكاف در ماه مبارك رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشك و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند تا برای سال آینده آماده شوند. عزیزان من! این برای يك جامعه، علامت خوبی است. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» علامت يك حكومت الهی، علامت يك حرکت صحیح و دارای جهت‌گیری صحیح است. این را جدی بگیرید و تقویت کنید.^۱

عقده دل وانما ماه رجب می‌رسد***هله كن عاكفا ماه طرب می‌رسد *** حلقه عشاق را كعبه دل آمده *** كعبه عشاق را عاشق رب می‌رسد*** حیدر كرار بین، صاحب شمشیر دین***روح زمان و زمین، شاه عرب می‌رسد *** معتكفا هو بگو، زین همه نیکو بگو *** حیدر كرار روز، زاهد شب می‌رسد *** چهره ز غم برکنید، لب به سخن وا كنید *** از دل این قبله گه، مرد ادب می‌رسد *** رو سوی بطحا نما، چشم دلت را گشا*** منبر و محراب را، مرد خُطب می‌رسد*** احمد درویش گفتار

پله‌های نوروز خان به بام آسمان راه دا شت: وقایع نگاری يك سفر سه روزه به شلوغ‌ترین خلوتكده دنیا: آنچه در این چند صفحه می‌خوانید، حكایت روز به روز يك سفر کوتاه و نزدیک، ولی ویژه و به یادماندنی است؛ سفر به جایی كه جوان‌هایی مثل من و شما در همین روزهای معروف به اعتكاف، به آنجا می‌روند و برای سه روز هم كه شده، همه چیز را تعطیل می‌كنند؛ تلفن‌های همراه را خاموش می‌كنند؛ ترافیک و اعصاب خوردی‌اش را فراموش می‌كنند و از ایمیل و اینترنت و گوگل و...، دل می‌كنند؛ تا به خلوتكده شلوغ مسجدها سفر كنند و سه روز؛ رها از همه حرف و حدیث‌ها، شایعه‌ها و تكذیب‌ها، دغدغه‌ها و غم‌ها باشند؛ سه روز اختصاصی برای جایی حوالی دل آدم‌ها. این روایت شیرین و خواندنی، با نگاهی روزنامه نگارانه و خاطره وار به درون سفر سه روزه اعتكاف، نوشته شده است و يك راز را با خود دارد. روح الله رجایی

يكشنبه غروب: ساكم را بسته‌ام؛ زیادی بزرگ شده، با چه؟ می‌گویم: «سفر»، خودش را لوس می‌كند و می‌گوید: «زود برگرد؛ دلم برات تنگ می‌شه». دست می‌برم میان مخمل موهایش و صورتش را نوازش می‌كنم و می‌گویم: «منم دلم برات تنگ می‌شه». مثل بچه‌ها شده‌ام. بغض می‌كنم... انگار كه دارم می‌روم سفر قندهار. راننده آژانس زنگ در را می‌زند. از قبل گفته‌ام كه می‌خواهم بروم مسجد جامع بازار. هنوز هم نمی‌دانم چرا اینجا را انتخاب کرده‌ام؛ شاید چون مرتضی گفته. بله! چون مرتضی پیشنهاد کرده. «بازار را بلدم؛ اما مسجد جامع را نمی‌دانم كجاست». به راننده می‌گویم: حوالی سبزه میدان پیاده می‌شوم. خدا را شكر كه ساكم را سبك كردم. هوا تاریك شده، اما یکی دو تا از مغازه‌ها هنوز بازند. تا می‌خواهم نشانی مسجد جامع را بیرسم، پیرمردی می‌گوید: «مستقیم برو جلو، پله‌های نوروز خان را برو پایین؛ چهارراه دوم؛ دست چپ». انگار پیرمرد می‌دانشست می‌خواهم كجا بروم. بوی خاك و آب از موزاییك‌های حیاط مسجد بلند می‌شود و من لذت می‌برم. همین‌طور چند دقیقه‌ای در حیاط می‌ایستم. «عبدالزهر» با آن صدای دورگه‌اش بلند می‌گوید: «خوش آمدی، بفرما!». هنوز وارد شبستان نشده‌ام كه عبدالزهر همه اطلاعات را می‌گذارد كف دستم؛ «خیلی سال است كه اینجا اعتكاف برگزار می‌شود؛ اول فقط چند روحانی از قم می‌آمدند و اینجا معتكف می‌شدند؛ بعدها كم كم جمعیت زیاد شد». گوشم با عبدالزهر است و چشمم تمام شبستان را می‌كاود؛ تا جای خوبی برای نشستن پیدا كنم. عبدالزهر ساكم را زمین می‌گذارد و كنارم می‌نشیند. با خودم فكر می‌كنم اگر او بخواهد برای هر معتكف همین قدر تو ضیح دهد، واقعاً چه كار سختی دارد. عبدالزهر همان طور كه كمك می‌كند تا پتو را پهن كنم، می‌گوید: «در گذشته بیشتر، روحانی‌ها و طلبه‌ها معتكف می‌شدند؛ اما الآن از همه قشری می‌آیند؛ اما دیگر مسجد جامع، مثل گذشته شلوغ نمی‌شود؛ چون الآن خیلی از مساجد اعتكاف برگزار می‌كنند». حالا دیگر جای خالی نیست؛ شده مثل اردوگاه؛ نه مثل پناهگاه. مفاتیح را باز می‌كنم. طبق دستور، باید شب اول دو ركعت نماز بخوانم. نماز كمی طولانی است؛ اما خسته‌ام نمی‌كند. چراغ‌های مسجد یکی یکی خاموش می‌شوند. چند نفری چراغ قوه روشن می‌كنند. نیم ساعت بعد، صدای زمزمه‌ها بلندتر می‌شود.

اعتكاف در حقیقت، در خانه ولایت وقوف پیدا كردن و در خانه دل و نهانخانه غیب با حقیقت سخن گفتن است و از غیر لب فرو بستن و مراقبت و مقام عنایت را حفظ كردن و به مقام شهود و شهید رسیدن است كه همانا همان رو كردن به حق مطلق و پشت نمودن از خلق است كه در تكبیره الاحرام اعتكاف، احرام بستن و با تلبیه گفتن از غیر بریدن است.

^۱ سخنان مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در دیدار با طلاب و مردم قم به مناسبت ۱۹ دی ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

منبر چهارم: اعتکاف فرصت است، فرصتی زودگذر، همچون رمضانی در کنار کعبه بودن، فیضی عظیم اما قدردانان قليل.

آیه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ مؤمنین کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است. آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "كَفَاكَ اَدْبًا لِنَفْسِكَ اِجْتِنَابُ مَا تُكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ"^۱؛ امام علی علیه السلام فرمود: برای تربیت کردن خود، همین بس که از آنچه در دیگران نمی‌پسندی، دوری کنی.

دانشتني‌های اعتکاف: شرایط اعتکاف: در صحت اعتکاف، اموری شرط است که برخی از آن‌ها مربوط به شخص معتکف و برخی مربوط به خود اعتکاف است که عبارتند از: عقل (از دیوانه صحیح نیست)، ایمان (از غیر مؤمن صحیح نیست)، قصد قربت (هر گونه ربا و خودنمایی، اعتکاف را باطل می‌کند). روزه داری در ایام اعتکاف، اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است.

اخلاق: حزن و اشک: این دو کار اعتکاف را بسیار رقیق می‌کند. یکی از عبادات اعتکاف، سکوت است، چون موجب تمرکز شده و در نهایت انسان را به توحید رهنمون می‌کند و فرد محزون می‌شود یعنی به رقت قلبی می‌رسد (منظور حزن قلبی است نه حزن در صورت). اعتکاف، توقفی ناآگاهانه در مسجد نیست. صرف درنگ و مکث و «حبس خویشتن» در مسجد، بدون عشق به عبادت و قصد قربت نیست. اعتکاف، لمیدن، خوابیدن و چرت زدن و احياناً وقت‌گذرانی بیکاران و گردهمایی تفریحی- سیاحتی در مساجد بزرگ شهر نیست. در اعتکاف کسانی که کار دارند و زیاد هم کار دارند و غرق دنیای اقتصاد و سیاست و هنر و مطبوعات و غیره هستند، باید از تولید و توزیع و طرح و برنامه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی و کار و زندگی فاصله بگیرند و به هماهنگی کار و تلاش و فعالیت‌ها، با رضای خدا و وظیفه مکتبی بپایندیشند. تنظیم فکر و اندیشه و عمل با معیارهای الهی را تمرین کنند. کار برای امت و تأمین حوائج نیازمندان، تشییع پیکر شهیدان و مؤمنان، عیادت بیماران و هر کاری که در آن، خود مطرح نیست و انگیزه الهی دارد، با اعتکاف سازگار است و حتی در برخی احادیث قضای حوائج مؤمنان از اعتکاف برتر شناخته شده است.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتکفین: در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند تا برای سال آینده آماده شوند. عزیزان من! این برای یک جامعه، علامت خوبی است. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت‌گیری صحیح است. این را جدی بگیرید و تقویت کنید.^۲

احکام شرعی: آیا عدالت امام جماعت مسجد جامع در صحت اعتکاف شرط است؟ چرا؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): عدالت امام جماعت مسجد در صحت اعتکاف شرط نیست.

گلستان پندها: ایام روشنی: بی‌انصاف نباش، آری! می‌دانم میهمان خوبی بوده‌ای برای میزبانان؛ اما سه روز کافی نیست. این که سه روز در حاشیه نورانیت «ایام روشنی» بنشین و نورانی شوی کافی نیست. باید محکم شوی، باید هرچه می‌شود، سلاح برداری و سپر. پایت را که بگذاری بیرون، می‌بینی که محاصره شده‌ای. باید تا می‌توانی آذوقه و آب برداری. بیرون، قحطی بیداد می‌کند! تشنگی جان خیلی‌ها را به لب‌شان رسانده، باور کن، چشم و دل سیر، کم پیدا می‌شود. باید چراغ برداری. اصلاً باید خودت چراغ شوی؛ آن وقت، دیگر هم جلوی خودت را می‌بینی و هم دیگران را به مقصد می‌رسانی. باور کن، تاریکی بیداد می‌کند. چشم، چشم را نمی‌بیند. دل، دل را نمی‌بیند. خیلی‌ها شب‌کور شده‌اند و شب‌زده؛ اما بعضی‌ها هنوز سوسو می‌زنند. تو پرنور باش و وسیع. خلاصه که بی‌انصاف نباش! بیا و همیشه مهمان باش. خودت که بهتر می‌دانی اینجا کاروانسراست. اگر نبود که نوبت به تو نمی‌رسید. همه

^۱ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۷۳

^۲ سخنان مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در دیدار با طلاب و مردم قم به مناسبت ۱۹ دی ماه؛ ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

این‌ها را برای تو گفتم، آری! تو که در وجود منی. انسان این اشرف موجودات، در پی دستیابی به کمال، به دنبال انتخاب است و اعتکاف انتخابی نیکوست، انتخاب همنشینی با قدسیان و فرشته خویان. معتکف، با پیوندی محکم و ناگسستنی با مبدأ هستی، در پی قربت با محبوب، با چشیدن طعم شیرین و صل، چشمه سار جان را از زلال حضور لبریز می‌سازد و با خطاب ارجعی الی رَبِّکَ به منزلگاه دوست می‌شتابد و با او خلوتی معنوی را می‌آزماید. اعتکاف سنت اسلام است، سنت اسلام ناب محمدی. عاشقان واله و شیدا، در سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، پرده‌نشین وادی سلامت گشته و در کوثر بخشایش، جان و تن شسته و صورت و سیرت از پلیدی و رذیلت می‌زدایند. مؤمنان در این ایام، مرغ جان را در حریم امن دوست به پرواز آورده و با دلی لبریز از ذکر و دعا، به ضیافت رب الارباب بار یافته و سر بر آن آستان بی‌نیاز می‌سایند و ... تا یار که را خواهد و توفیق که را باشد. هرگز نمی‌توان ارزش همه زمان‌ها را برابر دانست، چنان که نمی‌توان همه مکان‌ها را برابر شمرد. برخی زمان‌ها و مکان‌ها ارزشی والا دارند.

دوشنبه، سحر: با صدای دو رگه عبدالزهره از خواب بیدار می‌شوم؛ «متأسفانه سحری نداریم؛ فقط کمی نان تهیه کرده‌ایم». کهنه کارها می‌دانند چه باید کرد. چند دقیقه بعد، سفره‌ای بزرگ با چند ورق روزنامه و چند چغیه درست شده، وسط مسجد پهن می‌شود. تُن‌های ماهی را باز می‌کنند و می‌ریزند داخل یک ظرف بزرگ بعد هم بین همه تقسیم می‌کنند. کسی گرسنه نمی‌ماند. نماز می‌خوانیم و بعد هم مختصری دعا. حاج آقا می‌رود بالای منبر. خیلی خودمانی حرف می‌زند. من خوابم می‌آید و خیلی به حرف‌هایش گوش نمی‌کنم؛ فقط متوجه می‌شوم که می‌گوید: « شماها در حال عبادتید؛ حتی اگر بخواهید، باز هم عبادت است». با خودم می‌گویم چه خوب، می‌روم تا عبادت کنم!

معتکف شدن در مسجدی برای چند روز برای همگان میسر است ولی معتکف در خانه حق شدن و دل به صاحب دلی کامل دادن و به حضر راه رسیدن و استقامت در طی مسیر داشتن و برای خواجه که خود صفت بنده پروری دارد تعیین تکلیف نکردن، کاری است دشوار و خلاصه آنکه اعتکاف، روزه گرفتن، سکوت داشتن و از غیر و نامحرم دور شدن و از معاشرت با غیر پرهیز کردن و از حرف زدن و کلام غیر ذکر کردن و دستورات خاص آن ایام تبری جستن و با هموعان خویش که همدل‌اند انس داشتن و از لذایذ مادی دوری کردن و از زندان نفس فرعونی مسلک، آزاد شدن و با غسل و نیت، آن جان را تطهیر کردن و با عمل ام داود دستورالعمل از کاملی مکمل گرفتن است، خود را دریافتن و دل بدان کامل واصل سپردن و با اسمای حسنا حق، در دعای ام داود در روز پانزدهم، بعد از زوال محشور شدن و قرآن را که «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» است در دل جای دادن و در نهایت، انسانی قرآنی شدن است که «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» گردیدن است.

منبر پنجم: اعتکاف، گستره محراب عشق است در کوی دوست؛ عشقبازی روح است دور از نفس سرکش، در سبزترین مکان، در نورانی‌ترین زمان.

آیه: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ» (انبیاء: ۱۶)؛ ما آسمان و زمین و آنچه بین آن دو است را عبث خلق نکردیم.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا تَعَلَّمَ أَتَقَنَّ عِلْمَهُ وَفَهِمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ"؛ امام علی علیه السلام فرمود: هرکه در آنچه آموخته است بسیار اندیشه کند، دانش خود را استوار گرداند و آنچه را نمی‌فهمیده است، بفهمد.

دانستنی‌های اعتکاف: شرایط اعتکاف: از سه روز کمتر نباشد (زمان). در مسجد جامع باشد (مکان). ادامه ماندن در مسجد و خارج نشدن از آن. نیت اعتکاف: اعتکاف، همانند سایر عبادات، باید با نیت و قصد قربت باشد و هر گونه ریا و خودنمایی و قصد غیر الهی آن را باطل می‌کند. در نیت اعتکاف، قصد وجه شرط نیست، یعنی لازم نیست قصد کند که اعتکاف واجب است یا مستحب. کسی که بخواهد در نیت اعتکاف، قصد وجه کند، در اعتکاف واجب نیت وجوب و در اعتکاف مستحب، نیت استحباب می‌کند و واجب بودن اعتکاف در روز سوم ضرری ندارد، هر چند بهتر است که از روز سوم نیت وجوب کند. از آغاز تا پایان اعتکاف، باید با نیت و قصد قربت باشد؛ بنابراین اگر به همین قصد، اعتکاف را شروع کند صحیح است، همچنین اگر به قصد اینکه فردا معتکف شود به مسجد برود و از اول وقت (طلوع فجر) در آنجا باشد صحیح است.

زمان نیت اعتکاف چه وقتی می‌باشد؟ و آیا اول شب می‌شود نیت کرد؟ آیت الله تبریزی: زمان نیت اعتکاف، وقت شروع اعتکاف است که طلوع فجر می‌باشد و با استمرار نیت اول شب هم مانعی ندارد. آیا در اعتکاف نیازی به قصد نمودن عبادات دیگر هم هست؟ آیت الله صافی: احتیاط مستحب است. آیت الله مکارم: قصد عبادت دیگری در آن شرط نیست. آیت الله بهجت: ظاهراً معتبر است در اعتکاف منضم شدن قصد عبادت دیگری که خارج از اوست. آیا تجدید نیت در روز سوم اعتکاف مستحب لازم است؟ آیت الله صافی: بهتر است که تجدید نیت وجوب نماید. آیت الله بهجت: تجدید نیت در روز سوم لازم نیست، گر چه احوط است. آیت الله مکارم: تجدید نیت لازم نیست.

اخلاق: توبه به معنای بازگشت: با این نیت وارد اعتکاف شوید که پس از سه روز با وضعیتی بهتر از مسجد خارج شوید. بهتر شدن باید هم در ظاهر نمایان باشد و هم در باطن. بدون نیت و برنامه‌ریزی وارد اعتکاف نشوید. از قبل بدانید که دنبال چه چیزی هستید. "من تاب و لم یغیر رفقاءه لیس بتاب، من تاب و لم یغیر لباسه لیس بتاب، من تاب و لم یغیر طعامه لیس بتاب"؛ یعنی بعد از توبه، دوستان بد قبلی باید عوض شوند و نوع لباس پوشیدن و خوابیدن و نحوه غذا خوردن شخص باید تغییر کند. توبه فقط استغفرالله گفتن نیست. سه روز عبادت پیوسته در اعتکاف این امکان را به انسان می‌دهد تا به این درجه برسد. يك عبادت سه روزه و کامل. اعتکاف، دوره کوتاه‌مدت خودسازی است، که حداقل سه روز طول می‌کشد و انسان را از حاکمیت غریزه‌ها، عادت‌ها و اشتغالات معمول زندگی آزاد می‌سازد. اعتکاف، محو خودخواهی در امواج بلند خداگرایی و خدمت به امت اسلامی است. اعتکاف، برون رفتن از خانه خویش و مصمم شدن بر حضور در خانه حضرت حق است. عبادتی مستحبی و تقرب جویانه و داوطلبانه است که روزه روز سوم آن رنگ وجوب می‌گیرد.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتکفین: همین دانشگاه تهران ما، همین مسجد دانشگاه، شاهد عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت و اعتکاف و روزه‌داری برجسته‌ترین جوانان این مملکت است. بهترین جوانان هر کشور، جوانانی هستند که صاحب فکر و با اندیشه باشند. قاعداً و غالباً در میان دانشجویان، این‌طور کسانی به صورت وافر پیدا می‌شوند؛ البته در بین غیر دانشجویان هم این‌طور جوانان خوب هستند، ولی در زمان قدیم -زمان ما که جوان بودیم- در میان دانشجویان، در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاه‌های

دیگر و در همه‌ی ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی‌کردند. در قم که مرکز دین و عبادت بود، شاید چند صد نفر طلبه اعتکاف می‌کردند. معمول نبود؛ مردم دور بودند.^۱

گلستان پندها: زمان اعتکاف است. خالق مهربان قرب خلاق می‌طلبد. در فکر پرورش روح و روان انسان است و مقررات دینی را تشریع می‌کند. تنوع عبادات به دلیل نیازهای گوناگون انسانی است، هر عبادتی جوابگوی نیازی از او است. نماز، زنگار غفلت از روان می‌زداید و صیقل روح و روان است. در روزه، پالایشگاه خلوص و نردبان صعود است. روزه‌دار پرواز در آسمان عبادت و عبودیت را می‌آزماید و آیین قلبش را نورستان خدایی می‌کند. حج، شرکت در آزمون الهی و قطع تعلقات و دلبستگی دنیوی است. عبادات مالی؛ چون خمس و زکات و صدقات، دمیدن روح ایثار و گذشت در وجود آدمی است؛ اما اعتکاف، آمیزه‌ای از چند عبادت با فضیلت است. روزه که خود عبادتی ارزشمند است شرط اعتکاف است. حضور در مسجد و خواندن نماز هم شرط آن است. عاکف سه روز در مسجد جامع مقیم می‌گردد و جز برای ضروریات، کوی دو ست را ترک نمی‌گوید. خود را از حلال بازمی‌دارد تا با تمرین بندگی، جهاد با نفس را بیازماید. اعتکاف عهد موّدت و میثاق مجدد با پروردگار است. در فضیلت اعتکاف این بس که معادل طواف کعبه و همتای رکوع و سجود است. خدای مّنان می‌فرماید: «... وَ عَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ»؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان از هرگونه آلودگی تطهیر کنند. اساساً ارزش آدمی را عملش می‌رساند. معتکف انسانی بزرگ و شریف است به اندازه شرافت و فضل عملش، مقدس اردبیلی یگانه زمان در علم و عمل در شرافت و فضیلت اعتکاف گوید: مبدا کسی گمان کند که اعتکاف مقدمه عبادتی دیگر است. کسی که با طهارت و در حال روزه در مسجد مقیم می‌شود و تعهد قربت در اعتکاف می‌نماید، این عمل عبادت است. اعتکاف عبادتی مستقل است به مثابه حج و عمره و روزه و نماز و هر عبادت مستقل دیگر.

دوشنبه، ظهر: عبادتم خیلی طول کشید. حسابی خوابیده بودم. با صدای اذان ظهر که از بلندگو پخش می‌شود بیدار می‌شوم. می‌روم وضو بگیرم؛ وارد صحن مسجد که می‌شوم، کمی جا می‌خورم؛ از بس که خلوت است. تا به حال سه چهار باری گذرم به اینجا افتاده بود و همیشه اینجا را شلوغ دیده بودم؛ اما این بار حسابی خلوت است. یاد مرتضی می‌افتم که می‌گفت: «نباید بی‌دلیل از شبستان خارج شوی؛ اعتکاف باطل می‌شود». انگار که ترسیده باشم؛ سریع وضو می‌گیرم و برمی‌گردم و نماز را به جماعت می‌خوانیم. حاج آقا دوباره می‌رود بالای منبر. از دنیا حرف می‌زند؛ از دنیای رنگی و آدم‌های رنگارنگ. مشخصات آدم‌های اهل دنیا را که می‌دهد، اصلاً احساس غربت نمی‌کنم و می‌بینم خودم هم یکی از همان آدم‌هایی هستم که حاج آقا می‌گوید. حاج آقا مثل مرتضی حرف می‌زند و می‌گوید: «ما فرار کرده‌ایم. ما به اینجا پناه آورده‌ایم، فراموشتان نشود که میهمان خدا هستیم». بعد هم حدیثی از حضرت رسول را شاهد می‌گیرد که فرمود: «میهمان را کرامت کنید؛ حتی اگر کافر باشد». بعد می‌گوید: «اما ما هرچه باشیم، کافر نیستیم».

اعتکاف و حکمت آن: عبادت ذات اقدس الله، شئونی دارد. گاهی به صورت فکر و ذکر و شکر است؛ گاهی به صورت حرکت و زمانی به صورت سکون. تا معبود (عز وجل) چه دستور دهد و رسول معبود (صلی الله علیه و آله و سلم) چه پیامی آورده باشد. آنجا که فکر و ذکر و شکر عبادت است، آیات و روایات در خصوص آن فراوان وجود دارد و نیازی به شرح آن نیست؛ و آنجا که حرکت، عبادت باشد، نظیر طواف که گشتن به دور کعبه، خود عبادت است و مانند سعی بین صفا و مروه که آن حرکت مخصوص و هروله‌ای که در آن است، خود عبادت محسوب می‌شود و به قصد قربت انجام می‌گیرد؛ و آنجا که توقّف عبادت است، مانند وقوف در عرفات و مشعر و منا؛ البته آنجا "وقوف" به معنای "سکون" نیست؛ ولی حرکت هم واجب نیست. صرف ماندن در عرفات و مشعر و منا با آن آداب و سنن خاص، واجب است. پس معبود گاه دستور حرکت و هروله می‌دهد، نظیر سعی بین صفا و مروه؛ گاهی دستور گردش به دور خانه‌ی خود را لازم می‌داند، نظیر طواف در حج و عمره؛ گاهی هم وقوف و عکوف و اقبال همراه با تعظیم و بزرگداشت را در خانه‌ی خود، واجب یا مستحب می‌شمارد، نظیر اعتکاف. عکوف یعنی اقبال و روی آوردن به چیزی همراه با تعظیم و بزرگداشت آن. اعتکاف در مسجد، خود نوعی عبادت است که حرکت در آن شرط نیست؛ سکون هم در آن معتبر نیست؛ مانند وقوف در عرفات، مشعر و منا.^۲

^۱ سخنان مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۷۶/۱۰/۱۲

^۲ کتاب حکمت عبادات، تالیف حضرت آیت الله جوادی آملی، ص ۱۸۱-۱۹۰

منبر ششم: اعتکاف، لبیک لب‌هایی است که عاشقانه به زمزمه نیایش، روح پریشان خود را شستشو می‌دهند.

آیه: «وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَزَمَ رَبِّي» (یوسف: ۵۳)؛ نفس خویش را مبرا نمی‌دانم، نفسی که به بدی دستور می‌دهد مگر خدا رحم کند.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "مَنْ أُسْهِرَ عَيْنَ فِكْرَتِهِ بَلَغَ كُنْهَ هِمَّتِهِ"؛ امام علی علیه السلام فرمود: هرکه دیده اندیشه خود را شب‌ها بیدار نگه دارد به کنه خواست خویش دست یابد.

دانشتنی‌های اعتکاف: نیابت در اعتکاف: انسان می‌تواند اعتکاف را برای خود یا برای دیگری بجای آورد. به این قسم، اعتکاف نیابتی گفته می‌شود. اعتکاف به نیابت میت بی‌اشکال است ولی به نیابت از انسان زنده، بنا بر احتیاط به قصد رجاء، اشکال ندارد. پس به طور خلاصه می‌توان اعتکاف را این‌گونه تقسیم کرد: اعتکاف: ۱- برای خود ۲- برای دیگران: الف- به نیابت از میت ب- به نیابت از زنده

گرچه روزه به نیابت از انسان زنده صحیح نیست ولی روزه گرفتن در اعتکاف مانند نماز برای طواف است که به تبع عمل دیگر لازم می‌شود و همچنان که طواف و نماز آن به نیابت زنده‌ها صحیح است اعتکاف و روزه آن نیز صحیح است. اعتکاف به نیابت از دو یا چند نفر، صحیح نیست، ولی می‌تواند اعتکاف را به نیت خود بجا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند، خواه یک نفر باشد یا چند نفر، زنده یا مرده.

اخلاق: خلوت: الف) دوری از شیطان: خود فضای اعتکاف و مسجد اولین خلوت است که دوری از شیطان را به وجود می‌آورد. شیطان در بیرون از مسجد غل و زنجیر می‌شود. اگر کسی در مسجد گناه کند، به خاطر نفسش است نه شیطان. ب) با خوبان بودن: نفس جمع و عبادات جمعی روی انسان تأثیر می‌گذارد. اگر در جمع یک نفر بتواند با خدا یا امام زمان ارتباط خاصی برقرار کند، فیض این ارتباط به همه می‌رسد. ج) خلوت با خدا: وقتی انسان در اعتکاف با خدا حرف می‌زند، حس می‌کند که خدا رسماً به حرف‌هایش گوش می‌کند.

خداوند خطاب به بنده‌اش می‌گوید گرچه من یکی هستم، اما این‌گونه به نظر می‌رسد که تو هزار خدا داری؛ ولی من به گونه‌ای با تو برخورد می‌کنم که گویا فقط یک بنده دارم و آن هم تو هستی. اعتکاف، گریز از لذت‌گرایی و هر گونه التذاذ جنسی و مهار حس خود محوری و برتری‌جویی و بازگشت از قبله دنیاگرایان به سمت و سوی قلب و قبله هستی است. خود سازی، محاسبه نفس، توبه و نیایش، نماز و تلاوت قرآن و استمداد از آستان قدس ربوبی از دیگر برکات اعتکاف است.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتکفین: رجب، ماه صفا دادن به دل و طراوت بخشیدن به جان است؛ ماه توسل، خشوع، ذکر، توبه، خودسازی و پرداختن به زنگارهای دل و زدودن سیاهی‌ها و تلخی‌ها از جان است. دعای ماه رجب، اعتکاف ماه رجب، نماز ماه رجب، همه وسیله‌ای است برای اینکه ما بتوانیم دل و جان خود را صفا و طراوتی ببخشیم؛ سیاهی‌ها، تاریکی‌ها و گرفتاری‌ها را از خود دور کنیم و خودمان را روشن سازیم. این فرصت بزرگی است برای ما؛ به‌خصوص برای کسانی که توفیق پیدا می‌کنند در این ایام اعتکاف کنند.^۲

احکام شرعی: مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): کارهای حرام در هنگام اعتکاف چیست؟ محرمات اعتکاف همان چیزهایی است که در تحریرالوسیله امام خمینی آمده است.

گلستان پندها: خدایا! مرا به عزت خویش عزیز گردان. این منم که در صبحی بی‌خورشید متولد شده‌ام؛ سرشارم گردان از نور. حس می‌کنم از نو متولد شده‌ام؛ تنها و رهایم مگذار در این بارش سهمگین روزها و شب‌های تکراری. تمام تنم درد می‌کند، پیله‌هایم را دریده‌ام تا پروانگی‌ام را بال بگیرم در آسمان. از همه بریده‌ام؛ گوشه‌ای و سکوتی و تسبیحی. سجاده‌ام را رو به خداوندی‌ات

^۱ غررالحکم، ج ۸۷۸۴

^۲ سخنان مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۸۴/۵/۲۸

گشوده‌ام. صدای نیایش، دردم را درمان است و روحم را راحت و رهایی. سه روز از تمام هیاهوی حوالی گریخته‌ام. سه روز دستانم را به سفر بارگاہت فرستادم؛ مباد دست‌هایم بی اجابت! سه روز در خانه امن الهی نشستم و دهان نگشودم جز به ذکر و سر نچرخاندم جز به گریبانِ فکر. بر بهارهای آویخته کبریاییات چشم دوختم و چشم از خاک فرو بستم. خدایا! آنچنان در خود فرو شکسته‌ام که بیم آوار شدن دارم؛ به تکیه‌گاهِ خداوندی‌ات سخت محتاجم. سه روز در هوای معنویت نفس کشیده‌ام؛ نخواه تا مشامم از بوی حسرت پُر شود. آماده‌ام که بازگردم به هیاهوی اطراف؛ اما این بار با هزار خورشید فروزان در تنم. حمیده رضایی

دوشنبه، غروب: دوباره با صدای اذان بیدار می‌شوم. همه به نماز می‌ایستند. انگار نه انگار که یک روز طولانی را روزه بوده‌اند. من ولی طاقت ندارم و آهسته از خرماهایی که به توصیه مرتضی همراه آورده‌ام، چند تا می‌خورم و بعد از نماز، همه با هم افطار می‌کنیم؛ ساده و صمیمی. حاج آقا دوباره منبر می‌رود. امروز تولد حضرت علی علیه‌السلام است و در این باره هم حرف می‌زند و دست آخر می‌گوید: «هر حاجتی که بخواهید، برآورده می‌شود». از دیشب با خودم کلنجار می‌روم که از خدا چه بخواهم. میان این همه آرزو یکی از را انتخاب کردن، کار آسانی نیست. امشب هم باید دو نماز دو رکعتی بخوانیم. نمازها طولانی‌اند؛ اما از خواندنشان خسته نمی‌شوم.

اعتکاف و قضای حاجت مؤمن: گرچه خروج از مسجد برای معتکف روا نیست؛ ولی برای شرکت در نماز جمعه و یا انجام کارهای ضروری می‌توان از مسجد خارج شد. چنانکه حل مشکلات نظام اسلامی و رفع نیاز نیازمندان در جامعه‌ی اسلامی چنان مهم است که برای حلّ گره و مشکل یک مسلمان به معتکف اجازه داده شده همچنان که در حال اعتکاف است، از مسجد بیرون آید، مشکل نظام و مردم را حل کند و دوباره به جای خود برگردد که آن هم ادامه‌ی همین عبادت به حساب می‌آید نه بیگانه و جدای از آن؛ چون ارزش اعتکاف به عبادت بودن آن است. همان‌طور که وقوف در منا و مشعر و عرفه، عبادت است. در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است که تلاش برای قضای حاجت برادر مسلمان پاداش یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام را دارد. خداوند متعال معتکفان آستان قدس و ساحت جلال و جبروت خود را ناامید بر نمی‌گرداند؛ و اگر معتکف به دعا هم مشغول باشد که این جهت نیز مقرب او به خداوند متعال است، این عنا صر محوری پنجگانه (نماز، روزه، دعا، حضور در مسجد، اعتکاف) را دارد و بهترین حال را برای دعا پیدا می‌کند. شایسته است که معتکف در چنین حالی اولاً ظهور ولیّ ذات اقدس اله، بقیّة الله (ارواحنا فداه) را مسئلت دارد، آنگاه بقا و دوام نظام، صیانت و عظمت مقام معظم رهبری.

منبر هفتم: الهی، روزم را چون شبم روحانی گردان و شبم را چون روز نورانی.

آیه: «وَاللّٰهُ يَدْعُوْا اِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ» (یونس: ۲۵)؛ خداوند شما را به سوی سرزمین سلامتی دعوت می‌کند و هر آن کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "و الله ما اری عبداً یَتَّقِی تَقْوٰی تَنْفَعُهُ حَتّٰی یَخْزَنَ لِسَآئِهِ"؛ امام علی علیه السلام فرمود: به خدا هیچ بنده‌ای را نمی‌شناسم که تقوایش سودمند باشد مگر اینکه زبانش را نگه دارد.

دانشتنی‌های اعتکاف: عدول از نیت اعتکاف: عدول از اعتکافی به اعتکافی دیگر جایز نیست و فرقی نیست که هر دو واجب باشد، مثلاً از اعتکاف استیجاری (که برای دیگری با دریافت مزد انجام می‌دهد) به نذری، یا هر دو مستحب، مثلاً از اعتکاف برای خود به اعتکاف نیابتی تبرعی (داوطلبانه و بدون دریافت مزد) یا یکی واجب و دیگری مستحب، مثلاً از ابتدا به نیت اعتکاف نذری در مسجد مانده و در روز دوم نیت را از نذر به استحباب برگرداند. عدول از نیابت شخصی به نیابت از شخص دیگر جایز نیست، مثلاً دو روز به نیابت «علی» معتکف بوده و روز سوم به نیابت از «حسن» اعتکاف کند. اگر قصد داشته که اعتکاف را برای خودش انجام دهد، پس از شروع نمی‌تواند نیت را برگرداند و به نیابت از دیگری به اتمام برساند، همچنان که عکس این نیز جایز نیست.

اخلاق: آیا مسئله، بودن یا نبودن انسان است؟ امام حسین علیه السلام می‌فرماید: "أَلَمَوْثُ أَوَّلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ"؛ نیستی و مرگ بهتر از زندگانی ننگین است. بار دیگر، خورشید از پس استراحتی نه چندان طولانی، سر از افق بیرون می‌آورد و مرا می‌خواند که: برخیز، وقت بیداری است. از بهر چه این تکرار بی‌انتهای خواب و بیداری؟ این رفتن و آمدن ماه و خورشید؟ من از اعماق زمان آمده‌ام، از ژرفای بی‌انتهای بودن، آیا واقعاً مسئله بودن یا نبودن است، بودنی که از نیستی آمده و باز به نیستی می‌گراید؟ بودنم به چه قیمتی است؟ آیا تاوان بودنم را باید دیگران بپردازند؟

من خسته‌ام از هستی خویش، از بودنی که برایم مبهم است، بودنی که نمی‌دانم چرا؟ بودنی که نمی‌دانم از کجا و به کجا؟ بودنی که نمی‌دانم بودنش خوب است یا نبودنش؟ در گذر زمان، در آن دور ست‌ها ضحاک را بنگر، برای بودن خویش، چه انسان‌هایی را که به نابودنی نمی‌کشد! اسکندر را ببین که در کنار ویرانگری‌هایش، بودنش را جشن می‌گیرد. نمرودیان را نظاره کن که ابراهیم را در آتش می‌افکنند! جرم ابراهیم چیست؟ جرم او جرم انبیای گذشته است، جرمی که موسی این کودک خردسال را از دامان مادر، به نیل می‌کشد. گناهی که به خار آن از برای عیسی، صلیب می‌آرایند و سر یحیی را برای نابکاران می‌فرستند و سر حسین را بر نیزه می‌کنند. جرم‌شان بی‌گناهی و تن ندادن به هر نوع بودن است! از این سو بنگر، به دنیای به اصطلاح مدرن، دنیایی که از سانیت (اومانیزم)، محور اوست؛ اما سرخی و سیاهی در آن جرم است! ببین و بشنو که انسان را به چه می‌خوانند! به خوشی، به بی‌خیالی و بی‌عاری، به آزادی بی‌انتهای، به بی‌ارزشی ارزش‌ها و در یک کلام، به فراموشی خویشتن، به فراموشی بودن و ... تا چه زمانی، نیستی فرا رسد! اما نه، گوش کن، شخصی مرا صدا می‌زند. می‌خواندم، از درون صدایم می‌کند و این صدا چقدر آشنا و زیبا ست. «وَاللّٰهُ يَدْعُوْا اِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ» (یونس: ۲۵)؛ خداوند شما را به سوی سرزمین سلامتی دعوت می‌کند و هر آن کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِیْ اَحْسَنِ تَقْوِيْمٍ» (تین: ۴)؛ ای انسان، تو برای بودن بس زیبا خلق شدی. گوش کن، به پرسش‌هایم، پاسخ می‌دهد: «اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶)؛ و «لَنَبْلُوَهُمْ اِيْهُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷)؛ شما را امتحان می‌کنم تا آشکار شود که چه کسی نیکوکارتر است.

آری دریافتم، بودنم از اوست و رفتنم به سوی اوست. بودنم امتحانی است برای خوب زیستن. به شکسپیر بگوئید: مسئله را عوض کن و بیا از این بودن یا نبودن دست بردار و به جای آن بگو: چگونه بودن یا چگونه نبودن، چگونه رفتن یا چگونه نرفتن، مسئله این است؛ یعنی همان سخن امام حسین (علیه السلام) "اِنِّیْ لَا اَرٰی الْمَوْتَ اِلَّا اِلَ سَّعَادَةً وَ الْحَیَاةَ مَعَ الظَّالِمِیْنَ اِلَّا بَرَمًا"؛ من مرگ را جز سعادت و حیات با ستمگران را جز نکبت و ننگ نمی‌بینم.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتکفین: خوشا به حالتان معتکفین عزیز. پدیده اعتکاف یکی از رویش‌های انقلابی است. ما اول انقلاب این چیزها را نداشتیم. اعتکاف همیشه بود. زمان جوانی ما وقتی ایام ماه رجب فرا می‌رسید، در مسجد امام قم -آن‌هم فقط قم؛ در مشهد من اصلاً اعتکاف ندیده بودم-، شاید پنجاه نفر، صد نفر فقط طلبه اعتکاف می‌کردند. این پدیده عمومی؛ اینکه ده‌ها هزار نفر در مراسم اعتکاف شرکت کنند، آن هم اغلب جوان، جزء رویش‌های انقلاب است. من یک وقت عرض کردم که انقلاب ما ریزش دارد، اما رویش هم دارد؛ رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه دارند. پس خوشا به حالتان معتکفین عزیز.^۱

احکام شرعی: اگر معتکف مثلاً یک ساعت از ابتدای روز، بعد از طلوع فجر، تأخیر کند، آیا این روز به عنوان روز اول اعتکاف حساب می‌شود، چه تأخیر عمدی باشد یا اضطراری؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اعتکاف باید از ابتدای روز اول شروع کند لذا روزی که ناقص مانده جزو اعتکاف محسوب نمی‌شود، هرچند که تأخیر از روی اضطرار باشد.

گلستان پندها: غفلت آفت هستی: مرا می‌خوانی و می‌دانم که باید جواب داد و به سوی تو آمد: «یا ایها الذین آمنوا» (نساء: ۱۳۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید ایمان بیاورید؛ اما گویا نمی‌شود یا نمی‌گذارند و یا شاید بر دست و پای من زنجیر بسته‌اند. می‌خواهم ببایم اما درها را به رویم بسته می‌بینم؛ می‌خواهم درها را بشکنم، زنجیرها را بگسلم و با شتاب تمام و با همه قدرت به سوی تو ببایم اما نمی‌گذارند؛ مگر تو کمک کنی. «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَزَمَ رَبِّي» (یوسف: ۵۳)؛ نفس خویش را مبرا نمی‌دانم، نفسی که به بدی دستور می‌دهد مگر خدا رحم کند. مرا از درونم با صدای «لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ» (رعد: ۱۴) به سوی حق می‌خوانی. ندهای دیگری نیز می‌شنوم «وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ» (رعد: ۱۴)؛ کسانی که به غیر حق دعوت می‌کنند. آن‌ها هم مرا به سوی خود می‌خوانند، اگرچه صدای تو رساتر است؛ اما آن صداها هم دلربایند؛ اما به کجا می‌خوانند، یکی به سوی شهوات، یکی به سوی جاه و مقام، یکی به سوی کبر و خودخواهی، یکی ... نه، نه، این‌ها مرا به سوی خیال می‌خوانند؛ به سوی سراب می‌خوانند «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً» (نور: ۳۹)؛ آنان که کافر شده‌اند، اعمال آنان مانند سراب است که تشنه گمان می‌کند که آب است. مرا به دوستی با هیچ و پوچ می‌کشاند. خدایا مرا دریاب. «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرَفَةَ عَيْنٍ»؛ خدایا مرا یک لحظه به خویشتن وا مگذار. اگر لحظه‌ای مرا به نفسم واگذاری نابود خواهم شد. راستی این چه حالتی است که انسان هر از چندی همه چیز را فراموش می‌کند. «نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ» (اعراف: ۱۶۵) آمدنش را، رفتنش را، خدایش را. راستی چه شد که سامری در کنار موسی بود و گوساله پرست شد. ابن ملجم در کنار علی (علیه السلام) بود ولی شقی‌ترین انسان‌ها شد. پاسخ سؤال در فرازی از دعای کمیل آمده: «مِنْ شَوْءٍ فَعَلِيٍّ وَ إِسَاءَتِي وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي»؛ از زشتی عملم و مداومت بر کوتاهی و جهل و شهوت‌رانی و غفلتم. آخر این خود فراموشی، این حرکت در مدار غفلت در کدامین روز به پایان می‌رسد؟

سه شنبه، سحر: این بار صدای دورگه عبدالزهر با صدای اذان، یکی می‌شود و من از خواب بیدار می‌شوم. خیلی زود می‌فهمم که خواب مانده‌ام. طلبه‌های همسایه، چند باری صدایم کرده بودند؛ اما بیدار نشده بودم. حرصم می‌گیرد. نماز صبح را می‌خوانم و دوباره می‌خوابم.

دعا و مناجات در حال اعتکاف: اعتکاف در ایام البیض (روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ماه رجب) از فضیلت خاصی برخوردار است. ماه رجب ماه ولایت و ماه اولیای خداوند است. اعتکاف در این ایام، مصادف با زمانی است که دعا در آن مستجاب است. طبیعی است که اعتکاف در چنین زمانی، فیض خاص خود را دارد. دعا در همه حال عبادت است، به ویژه آنکه با اعتکاف همراه باشد. روزه‌داری که بر اساس آیه شریفه «وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (بقره: ۱۸۷) از لذایذ جنسی حلال و مانند آن پرهیز کند یقیناً از حرام نیز چشم‌پوشی می‌کند. کسی که به فکر آن نیست تا غرایز خود را از هر راهی هر چند حلال ارضا کند، قهراً صفای ضمیر و طهارت روحی، بهره‌ی او می‌شود. این انسان با صافی ضمیر و طهارت روح، توان آن را دارد که با ذات اقدس الله مناجات کند؛ چون هم نماز دارد، هم روزه دارد و هم در مسجد و در خانه‌ی کسی است که میهمانان خود را ناامید برنمی‌گرداند. پس دعای بنده‌ی روزه‌دار نمازگزار و

^۱ سخنان مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۸۴/۵/۲۸

معتكف يقيناً مستجاب است. خداوند متعال به همگان نزديك است؛ اما به روزه‌داران، داعيان، نمازگزاران و ميهمانان خود كه ضيوف الرحمان هستند، نزديك‌تر است.

منبر هشتم: اعتکاف، غوطه‌ور شدن در دریای روشن امید است؛ فرصت سبزی است برای آموختن طریقت دلدادگی و رسم و راه عاشقی.

آیه: «وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنَيْهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳)؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: پسر! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "... إِنَّ لِلْإِسْتِغْفَارِ دَرَجَةً الْعَلِيِّينَ لَا تُسْتِغْفَرُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ وَ هُوَ إِسْمٌ وَاقِعٌ عَلَى سِتَّةٍ مَعَانٍ أُولَاهَا التَّوَهُُّدُ عَلَى مَا مَضَى وَ الثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ إِلَيْهِ أَبَدًا وَ الثَّالِثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ صِيغَتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا وَ الْخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى الْأَشْجَةِ فَتُذَيِّبَهُ بِالْأَخْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ وَ السَّادِسُ أَنْ تُذِيقَ الْجِسْمَ أَلَمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ!"; امام علی علیه السلام فرمود: ... استغفار و طلب آمرزش از درجات علیین است و دارای شش شرط می‌باشد: اول اینکه شخص توبه کننده از (گناهان) گذشته خود پشیمان باشد. دوم اینکه عزم و تصمیم جدی بر عدم بازگشت به سمت گناه داشته باشد. سوم اینکه حقوق مردم را به آن‌ها بازگرداند. چهارم اینکه تمام واجباتی را که ترک کرده و حقوقی که از خدا بر گردن اوست به جا آورد. پنجم اینکه گوشت‌هایی را که از حرام بر بدنش روییده با گریه و انابه آب کند تا گوشت جدید بروید و ششم اینکه سختی طاعت و عبادت خدا را بر جسمش بچشاند، همان طور که شیرینی معصیت را چشانده است و بعد از تحقق آن شرایط، استغفار کند.

دانشتنی‌های اعتکاف: روزه اعتکاف: انسان، در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد؛ بنابراین، کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد، مانند مسافر، مریض و زن حائض یا نفساء و کسی که عمداً روزه نگیرد، اعتکافش صحیح نیست. مسافر و مریض اگر معتکف شوند صحیح نیست ولی زن حائض یا نفساء نه تنها اعتکافش صحیح نیست بلکه به جهت توقف در مسجد گناهکار است. اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست. لازم نیست که روزه، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه هر روزه‌ای باشد صحیح است، مثلاً در ایام اعتکاف، روزه قضا یا نذری یا استیجاری بجا آورد. اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود و در همان ایام روزه نذری یا استیجاری بر عهده او باشد، می‌تواند در همان اعتکاف، روزه نذری یا اجاره‌ای خود را بجا آورد. ولی اگر نذر اعتکاف بدین گونه بوده است که روزه برای اعتکاف یا به خاطر اعتکاف باشد، کفایت از روزه نذری یا اجاره‌ای نمی‌کند. انسان می‌تواند نذر کند، در سفر روزه بگیرد و به نظر برخی مراجع معظم تقلید، حتی هنگام سفر هم می‌تواند نذر کند که روزه بگیرد و در این صورت اعتکافش صحیح است. به يك استفتاء توجه کنید: آیا در مسافرت می‌شود روزه در سفر را نذر کند؟ آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، بهجت: می‌تواند. آیت الله مکارم: اشکال دارد ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند. آیت الله فاضل: خیر. آیا هر گونه روزه و لواستیجاری و... برای اعتکاف کافی است؟ آیت الله فاضل: خیر، بلکه روزه اعتکاف باید به نیت کسی باشد، که اعتکاف به نیت او انجام می‌گیرد، لذا کفایت روزه استیجاری و غیره برای کسی که در نیت خود اعتکاف نموده محل تأمل و اشکال است. آیت الله مکارم: کفایت روزه استیجاری برای اعتکاف مشکل است. آیت الله بهجت: کافی است.

اخلاق: اعتکاف؛ راهی برای انس با خدا: انسان موجودی است سالک و پویا به سوی معبود حقیقی خویش و از هر راهی که برود و هر مسیری را که در زندگی انتخاب کند، سرانجام به لقای معبود خویش می‌رسد: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَيَّ رَبِّكَ كَذْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق: ۶)؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد. با توجه به این آیه اگر انسان راه ایمان، خودسازی و تهذیب نفس را بیوید جمال و مهر خداوند را ملاقات می‌کند، اما اگر راه کفر و آلودگی را در پیش گیرد، جلال و قهر او را می‌بیند؛ بنابراین اگر مقصد و غایت سلوکش لقای محبت و مهر خدا باشد، باید راه تهذیب نفس و عبادت حقیقی را در پیش گیرد و از هوای نفس بگریزد و در طریقت انس با معبود، گاهی به گوشه‌ای خلوت پناه ببرد و دور از همه عنوان‌ها و تعلقات مادی، لختی بر حال زار خویش بگیرد و با سوز دل و اشک چشم، کدورت و زنگار را از چهره جان خود بزداید و در زاد و توشه آخرت اندیشه کند. ادیان الهی با توجه به همین نیاز روحی، با آنکه انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی فرامی‌خوانند، فرصت‌هایی را نیز برای خلوت نمودن او با خداوند فراهم نموده‌اند، یکی از این فرصت‌ها «اعتکاف» است. اعتکاف

فرصت بسیار مناسبی است تا انسانی که در پیچ و خم‌های زندگی مادی غرق شده، خود را بازیابد و به قصد بهره بردن از ارزش‌های معنوی از علایق مادی دست بکشد و خود را در اختیار پروردگار بگذارد و تقاضا کند که او را در راه راست ثابت نگه دارد تا بتواند به دریای بیکران انس و مهر خداوند که یکسره مغفرت و رحمت است، متصل شود. در اعتکاف می‌توان خانه دل را از اغیار تهی کرد و نور محبت خدا را در آن جلوه‌گر ساخت؛ می‌توان خود را وقف عبادت کرد و لذت میهمان شدن بر سفره احسان و لطف الهی چشید؛ می‌توان زمام دل و جان را به دست خدا سپرد و همه اعضا و جوارح را در حصار اراده حق به بند کشید؛ می‌توان به خویشتن پرداخت و معایب و کاستی‌های خود را شناخت و در جست و جوی معالجه بود؛ می‌توان نامه عمل را مرور کرد و به فکر تدارک و جبران فرصت‌های از دست رفته بود؛ می‌توان به مرگ اندیشید و خود را برای حضور در پیشگاه خدای «ارحم الراحمین» آماده کرد.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتکفین: توصیه من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه‌ی این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفستان مقدم بدانید؛ تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز می‌تواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که اینجا نشسته‌ایم و با غبطه نگاه می‌کنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند. با عمل خودتان به ما هم یاد بدهید.^۱

احکام شرعی: آیا اعلام عمومی اعتکاف در محافل با اخلاص منافات دارد؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اعلام اعتکاف اگر برای تشویق مردم باشد، مانعی ندارد.

گلستان پندها: روزهای وصل و عشق: شولایی از نور بر شانه‌ات می‌اندازی و دست در دست عاشقان طریق، در حلقه مشتاقان به سمعی ازلی دست می‌گشایی. پایکوبی می‌کنی در فضایی که از هر زاویه‌اش، عطر خاص‌ترین دقایق هستی جاری است. دست افشانی می‌کنی در لحظاتی که هیچ کس را بدان راه نیست. شعله روشن کرده‌ای با دستان نیازی که به درگاه خداوند دراز کرده‌ای. دستان قنوت، چونان پروانه‌ای سبک‌بال در فضای قرب بال گشوده‌اند؛ آزاد و رها. با فکر رسیدن به معبود در ذهن، تو را همراه خویش بالا می‌برند. دستان نیازت طلب می‌کند نازی را که خداوند بر عاشقان خویش عنایت کرده است؛ و تو همراه دیگر عاشقان حلقه شوق، چشم بر الطاف الهی دوخته، بر لب جاری می‌کنی ذکر سبزی را که جز تقاضای قرب الی الله نیست. تو خدا را می‌خوانی تا خداوند نیز تو را بخواند و در آغوش لطفش جای دهد تو را «ادعونی استجب لکم» و تو می‌خوانی خدای خویش را؛ و تو صدا می‌زنی خالق زمین و زمان را؛ و تو طلب می‌کنی لطف بی‌کران پدید آورنده آفرینش را؛ و تو بازگو می‌کنی نیاز ازلی خود را به خداوند، به معبود؛ به او که لایق ستایش است و سزاوار تمجید، به او که کریم است و رحیم، به او که بزرگوار است و ستار. تو با دیگر عاشقان حلقه شوق در روزهایی سبز، در روزهایی که معتکف حرم عشق یار شده‌اید، خدای را می‌جوئید. این روزها را غنیمت می‌دانید و به اعتکاف می‌نشینید روزهای سپاسگزاری از خالق خویش را. تو به جمعی می‌روی که در عین کثرت، اوج وحدت است. سه روز با خودت خلوت می‌کنی تا در خدا غرق بشوی و در تفکری عمیق به سربری؛ تفکر در ذات الهی. این روزهای بلندمرتبه را قدر می‌دانی؛ روزهایی که به عطر دل‌انگیز روزه‌داری تو و همراهانت آغشته است و با مهر سبز تبسم، روزه‌ایتان رنگ و بویی خاص می‌گیرد، روزهایی که نمازهایت آنقدر به خدا نزدیک می‌شوند که صدای لبیک را به گوش خویش به وضوح می‌شنوی، روزهایی که تو را خوانده‌اند به خلوتی برای تفکر در معنای حقیقی شوق، وصل و عشق... امیر اکبرزاده

سه شنبه، حوالی ظهر: بیدار که می‌شوم، احساس می‌کنم چقدر گرسنه‌ام؛ اما ساعت هنوز ده صبح است. می‌روم وضو بگیرم. این بار حیاط مسجد را مثل همان چهار سال قبل می‌بینم. باربری، یک بسته بزرگ را لبه حوض گذاشته و سرش را تا نیمه در آب فرو برده تا کمی خنک شود. عبدالزهره گوشه حیاط به سؤال‌های دختر جوانی جواب می‌دهد. دختر لابد درباره آدم‌هایی که امروز در مسجد دیده، پرسیده که عبدالزهره این طور جواب می‌داد: «این‌ها معتکف شده‌اند؛ از دنیا و آدم‌های رنگارنگ فرار کرده‌اند و به اینجا پناه آورده‌اند، اینجا پناهگاه است...». عجیب است! عبدالزهره مثل مرتضی حرف می‌زند. مرتضی مثل حاج آقا و حاج آقا عین عبدالزهره! وضو می‌گیرم و برمی‌گردم داخل مسجد و دراز می‌کشم؛ تا بخوابم؛ اما خوابم نمی‌آید. یکی از طلبه‌ها کتابی دارد که روی جلدش

^۱ سخنان مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۸۴/۵/۲۸

عكس يك پيرمرد است، براي فرار از سؤالها، كتاب را از طلبه امانت مي گيرم. ماجراي زندگي شيخ رجبعلي خياط است. كتاب را كه مي خوانم، دلم آرام مي گيرد. انگار كه مرتضي اينجا بود و به همه سؤال هايي كه جواب داده است.

منبر نهم: با تو تا همیشه عین و شین و قاف می‌کنم*** کعبه‌ای دوباره شو من هم طواف می‌کنم*** مثل شمع عشق می‌سوزم برای زندگی*** بی بهانه با خودم هی، اعتکاف می‌کنم.

آیه: «وَكَلَّهَا زَكْرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (آل عمران: ۳۷)؛ کفالت او (مریم) را زکریا بر عهده گرفت و هر زمان که به محل عبادت او می‌رفت برای او غذایی مهیا می‌دید.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "تَمَرَةُ التَّوْبَةِ إِشْتِدَارُكَ فَوَارِطِ النَّفْسِ"؛ امام علی علیه السلام فرمود: نتیجه توبه جبران کوتاهی و ضعف‌های نفس می‌باشد.

دانستنی‌های اعتکاف: اجازه اعتکاف: این افراد بدون اجازه، نمی‌توانند معتکف شوند: زن بدون اجازه شوهرش، در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد، بنا بر احتیاط واجب اجازه او لازم است. فرزند بدون اجازه والدین، در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنان باشد و اگر موجب اذیت و آزار آنان باشد و اگر موجب اذیت و آزار آنها هم نباشد احتیاط مستحب است اجازه بگیرد. کسی که در استخدام دیگری است، مانند برخی از کارگران و کارمندان، در صورتی که قرارداد اجازه به گونه‌ای است که منفعت اعتکاف را نیز در برمی‌گیرد، یعنی اعتکاف با عمل به اجازه منافات دارد. در اعتکاف، بلوغ شرط نیست؛ بنابراین اگر کودک ممیز معتکف شود، صحیح است.

اخلاق: ابلیس و خیال برتری: به راستی ابلیس در خود چه دید که به آدم ابوالبشر سجده نکرد! مگر این نار سُموم چه داشت که رو به خدا کرد و گفت: «قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدْ لَيْسَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۳۳)؛ من بر بشری که از گل خشکیده درست شده سجده نمی‌کنم. آیا غیر از این است که توهم برتری بر آدم داشت. «إِسْتَكْبَرُ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (ص: ۷۴) کبر ورزید و از کافران شد. جا دارد از انسان پرسیده شود، چرا با کسی که از روی غرور به آدم سجده نکرد و او را لایق و هم شأن خود ندید، طرح دوستی ریخته‌ای؛ چرا مطیع و غلام حلقه به گوش او شده‌ای؟ «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا» (اسراء: ۵۳) به راستی که شیطان برای انسان دشمنی آشکار است. پس تو هم با او دشمنی کن نه دوستی؛ «فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر: ۶) ببین چنگیز با او از در دوستی درآمد و همچون او شد. سراسر وجودش کبر و غرور شد. همه دنیا را می‌خواست، بی کم و کاست. به چه قیمتی؟ به هر قیمتی که باشد و هر کس سد راهش شد، از بین برد و نابود کرد. شهرها را به آتش کشید، آبادی‌ها را ویران کرد، زنان و کودکان را به اسارت گرفت تا خودخواهی سیری ناپذیرش را سیراب کند. آری از بنده شیطان غیر از این هم انتظاری نیست.

توصیه‌های امام خامنه‌ای به معتکفین: هیچ وقت در این کشور در طول سال‌های گذشته، از دوران جوانی و نوجوانی ما به یاد نداریم که در ماه رمضان، در مساجد کشور یا در مسجد گوهرشاد مشهد، مردم بیایند اعتکاف بکنند. در ایام البیض سه روز متعارف ماه رجب یا ماه شعبان، ما تعداد معدودی در قم دیده بودیم که اعتکاف می‌کردند؛ آن هم غالباً طلبه‌ها. در غیر آن معمول نبود. امروز در ایام اعتکاف، دانشگاه‌ها و مساجد و سرتاسر کشور و مساجد جامع، مملو از معتکفین است؛ علاوه بر آن، در دهه‌ی آخر ماه رمضان، جمعیت عظیمی مشغول اعتکاف بودند. چه کسانی؟ پیرمردها؟ پیرزن‌ها؟ نه، همین جوان‌ها، جوان‌ترین‌ها. این دیگر در دنیا نظیر ندارد. این نسل جوان امروز ماست. امروز گرایش به دین و ارزش‌های انقلابی، وجه غالب جامعه است.^۲

احکام شرعی: آیا اعتکاف در غیر از مساجد چهارگانه جایز است؟ نیت آن چگونه است؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اعتکاف در غیر از مساجد چهارگانه به قصد رجای مطلوبیت (به امید که مطلوب خداوند واقع شود) مانعی ندارد.

گلستان پندها: ارزش اعتکاف: هرگز نمی‌توان ارزش همه زمان‌ها را برابر دانست، چنان که نمی‌توان همه مکان‌ها را برابر شمرد. برخی زمان‌ها و مکان‌ها ارزشی والا دارند. ماه رجب ارزشمند است، ماه سلوک و زدودن زنگارهای شیطانی از آئینه دل است؛ ماه ولایت و برافروختن چراغ معرفت در شبستان وجود است؛ ماه رجب گاه اعتکاف است. در این ماه که هنگامه تحول است، عاکفان کوی

^۱ تصنیف غررالاحکم، ص ۱۹۵، ح ۳۸۴۰

^۲ سخنان مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در دیدار با مردم گرمسار؛ ۱۳۸۵/۸/۲۱

دوست، با حضور در صحن و سرای دوست، پله‌های سلوک را پیموده و پله پله به خدا نزدیک‌تر می‌شوند. معتکف روزه‌اش، نمازش، حضورش در مسجد و دیگر اعمالش مایه تقرب است. در خانه دوست، سفره‌ایی از مغفرت و بخشایش گسترده شده و عاکف با صیقل روح و روان، زنگار گناه از دل می‌زداید و مہیای ضیافت بزرگ در ماه و سال می‌گردد. ماهی که عاشق از سفره پرفیض الهی، لقمه‌های راز برمی‌چینند و عطر قرآن از ژرفای دل بار یافتگان، مشام جان را می‌نوازد. اعتکاف پرورش جسم و جان است، انسان آمیزه‌ای است از این دو و نیازمند پرورش در ابعاد وجودی خود؛ انسان به دنبال سعادت و کمال است، روح انسان نیازمند نیایش است، مناجاتی شیرین و زیبا، هم‌کلامی موجودی ضعیف با منشأ قدرت‌ها. از آغاز خلقت تا صحنه رستاخیز، راز و نیاز زیباترین هنر آدمی است؛ غفلت بد است در برخی موارد بدتر؛ جریان زمان در گذر است و با از دست دادن، آهی ماند و افسوسی که به هیچ نیرزد. انسان دشمنی دارد در اوج حيله‌گری، با چنین دشمنی، هشپاری باید و سرعت در خیرات؛ و ایام بیض در پیش است زمان عرشی شدن فرشیان؛ اعتکاف با همه فضیلتش، زن و مرد را به خود می‌خواند، انسان را می‌خواند تا در دنیای های و هوئی و دود و دم، معراج انسانیت را به تماشا بنشینیم. فرصت طلایی عمر در پیش است و ایام در گذر؛ پس همتی باید تا با حضوری سبز از همسفران کوی دوست بگردیم. سید حسین ذاکر زاده

سه‌شنبه، عصر: وقتی بیدار می‌شوم، همه خوابند. باز هم متوجه می‌شوم که نماز جماعت برگزار شد و من خواب بودم. می‌روم تا وضو بگیرم. صحن حیاط هنوز پر از آدم‌هایی است که با شتاب می‌آیند و می‌روند. مسجد، راه میانبری بین دو بازار است و سرویس بهداشتی بیرون از مسجد است. حاج آقا می‌گفت برای استفاده از سرویس بهداشتی، عیبی ندارد که مسجد را ترک کنید. همان ابتدای راه، بساط فلافل پیرمردی به راه است. بوی فلافل را که می‌شنوم، سرم گیج می‌رود. کاش روزه نبودم! صدای باربری که می‌خواهد با گاری رد شود، از خیال فلافل دورم می‌کند. وضو می‌گیرم و نماز می‌خوانم و دوباره دراز می‌کشم و باز هم همان سؤال‌ها سراغم می‌آیند؛ و اینکه باید از خدا چه بخواهم و میان این همه آرزو مردد مانده‌ام. تا اذان مغرب، همین طور دراز کشیده، فکر می‌کنم و آرزوها را یکی یکی کنار می‌گذارم. حالا ده تایی بیشتر باقی مانده است. باید سریع‌تر انتخاب کنم.

اعتکاف: پشت پا زدن به تعلقات نفس به آنچه که مانع صعود اوست می‌باشد و در خلوت‌خانه‌ی عشق با خلیل، جشن گرفتن است که حتی فرشتگان الهی از آن رشک می‌ورزند و غبطه می‌خورند. اعتکاف عاشقان را به طواف حرم امن الله - یعنی دل - می‌برد؛ "القلب حرم الله" و نفس را با مظهریت اسم شریف حافظ حق، نگهبان دل قرار می‌دهد. "و لاتسکن فی حرم الله غیر الله".

منبر دهم: اعتکاف یعنی به دریا پاکی*** به دنیا صمیمیت با خالق و دلدادگی*** به خلوتگاه دلنواز با معشوق لایتنهای*** به عالمه زیبایی با همه سادگی.

آیه: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (انفطار: ۶)؛ ای انسان چه چیزی تو را نسبت به پروردگارت مغرور گردانید.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "مَنْ قَلَّ حَيَاءُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ فَقَدْ دَخَلَ النَّارَ"؛ امام علی علیه السلام فرمود: کسی که شرم و حیاء او کم شود، وَرَع و پارسایی او کم خواهد شد و هر کس پارسائی او کم شود قلب او می‌میرد و کسی که قلبش بمیرد، داخل آتش جهنم می‌گردد.

دانستنی‌های اعتکاف: مدت اعتکاف: مدت اعتکاف حداقل سه روز است و در کمتر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدی ندارد. ولی اگر پنج روز معتکف شود، روز ششم را نیز واجب است بماند، بلکه بنا بر احتیاط واجب، هرگاه دو روز اضافه کرد، روز سومش هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتکف شد، روز نهم هم واجب است. این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است؛ بنابراین اگر بعد از طلوع فجر و لو با چند دقیقه تأخیر به مسجد برسد آن روز جزء اعتکاف به حساب نمی‌آید و چنانچه قبل از مغرب روز سوم، اعتکاف را قطع کند، افزون بر آنکه کار حرامی کرده، اعتکاف نیز باطل است. سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است؛ بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود، یا نذر کند که سه روز بدون شب‌ها در مسجد معتکف شود. اگر انسان نذر کند که دو روز معتکف شود نه بیشتر از آن، این‌گونه نذر باطل است ولی اگر مقید نکرده که بیشتر نبا شد نذر صحیح است و واجب است که روز سوم را نیز بماند.

منظور از روز در اعتکاف چیست؟ آیات عظام تبریزی، بهجت، مکارم: منظور از روز طلوع فجر است تا غروب آفتاب چنانچه در احکام نماز ذکر شده است.

اگر کسی نذر کند، سه روز منفصل اعتکاف کند آیا نذرش منعقد می‌شود؟ نذر اعتکاف کمتر از سه روز چه؟ آیت الله بهجت: منعقد نمی‌شود. آیت الله صافی: الف: منعقد نمی‌شود ب: اگر مقید به کمتر از سه روز باشد منعقد نمی‌شود.

آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد به طوری که آن زیاده، قسمتی از يك روز یا قسمتی از يك شب باشد. آیت الله تبریزی: مانعی ندارد.

کسی که پنج روز در اعتکاف بوده: آیا روز ششم بر او واجب است؟ آیت الله تبریزی: واجب است.

اخلاق: انسان، اسیر غرور و زیاده طلبی: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (انفطار: ۶)؛ ای انسان چه چیزی تو را نسبت به پروردگارت مغرور گردانید؟ با خود بیندیشیم: به راستی اگر جای چنگیز بودیم و آن قدرت و امکانات را داشتیم غیر از آن رفتار می‌کردیم؟ آیا همه را بنده و فرمانبردار خود به حساب نمی‌آوردیم؟ آیا هر قدمی، هر سخنی، هر نگاهی، هر قهری و هر آشتی‌ای که از ما سر می‌زد، رد پایی از غرور و منیت در آن یافت نمی‌شد؟ پس کی باید این جهنم وجود ما پرگشته و اشباع شود؟ "اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَتَّبِعُ"؛ خدایا به تو پناه می‌برم از نفس سیری ناپذیر.

احکام شرعی: اگر از معتکف سؤال شود که آیا جزء معتکفین است، بهتر است پنهان کند یا آشکار کند؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): آشکار کردن مانعی ندارد، مگر اینکه برای ریا باشد.

گلستان پندها: اعتکاف در لغت به معنای توقف در جایی است؛ اما تعریف اصطلاحی اعتکاف: امام خمینی (ره) در تعریف اعتکاف می‌فرماید: "وَهُوَ اللَّبْتُ فِي الْمَسْجِدِ بِقَصْدِ التَّعَبُّدِ بِهِ وَلَا يَتَّبِعُ فِيهِ صَمٌّ قَصْدِ عِبَادَةٍ أُخْرَى خَارِجَةً عَنْهُ وَإِنْ كَانَ هُوَ الْأَحْوُطُ؛ اعتکاف، ماندن در مسجد به نیت عبادت است و قصد عبادت دیگر، در آن معتبر نیست. اگرچه احتیاط مستحب نیت عبادتی دیگر، در کنار

اصل ماندن می‌باشد. اسلام، فکر جدایی از زندگی دنیا و گوشه‌نشینی و کناره‌گیری از مردم و به تعبیر دیگر رهبانیت را باطل و ناپسند اعلام کرد، اما اعتکاف را به عنوان فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش قرار داد تا کسانی که از هیاهو و جنجال‌های زندگی مادی خسته می‌شوند، بتوانند چند صبحی با خدای خود خلوت کنند و جان و روح خود را با خالق هستی ارتباط دهند. اعتکاف شرایطی را فراهم می‌کند تا انسان‌ها با تو شه معنوی و اعتقادی را سخ و ایمان و امیدی بی‌شتر، به زندگی خود ادامه داده، خود را برای صحنه‌های خطر و جهاد در راه خدا آماده سازند، همیشه با یاد خدا تلاش کنند، خود را در محضر پروردگار ببینند، از نافرمانی او بپرهیزند و به سوی سعادت دنیا و آخرت گام بردارند. کسی به درستی نمی‌داند که این عبادت، از چه زمانی آغاز و کیفیت اجزا و شرایط آن در بدو شکل‌گیری چه چیزهایی بوده است. با توجه به آیه ۱۲۵ سوره بقره، می‌توان نتیجه گرفت که اعتکاف عملی بوده که در شریعت ابراهیم از مناسک و عبادات الهی محسوب می‌شده؛ و پیروان ایشان به این عمل مبادرت می‌ورزیدند و لذا ابراهیم و اسماعیل (علیه السلام) از طرف خداوند موظف شده بودند تا محیط لازم را برای برپایی این مراسم مهیا سازند. واگذاری این مسئولیت خطیر به آن‌ها، گواه بزرگی بر اهمیت عباداتی چون حج، اعتکاف و نماز در پیشگاه خداوند است. حضرت موسی (علیه السلام) با آنکه مسئولیت سنگین رهبری و هدایت امت را به دوش داشت، برای مدت زمانی آنان را ترک و برای خلوت با محبوب خویش به خلوتگاه کوه طور شتافت. او در پاسخ به پرسش خداوند که فرمود: چرا قوم خود را رها کردی و با عجله به سوی ما شتافتی؟ عرض کرد: پروردگارا! به سوی تو آمدم تا از من راضی شوی (طه: ۸۳ و ۸۴). بیت المقدس از مکان‌هایی بود که همواره عده زیادی از انسان‌ها، برای اعتکاف در آن گرد می‌آمدند و به راز و نیاز با پروردگار خویش مشغول می‌شدند. بزرگ این گروه، حضرت زکریا (علیه السلام) بود و از جمله کسانی که در امر اعتکاف سرپرستی می‌نمود حضرت مریم (علیها السلام) است. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَقَفَّيْهَا زَكْرِيَا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (آل عمران: ۳۷)؛ کفالت او (مریم) را زکریا بر عهده گرفت و هر زمان که به محل عبادت او می‌رفت برای او غذایی مهیا می‌دید. از قرآن مجید (مریم: ۱۶ و ۱۷) استفاده می‌شود که حضرت مریم (علیها السلام) آنگاه که به افتخار ملاقات با فرشته الهی نائل آمد از مردم بریده بود و در خلوت به سر می‌برد. علامه طباطبایی می‌فرماید: گویا مقصود از دوری مریم از مردم، بریدن از آنان و روی آوردن به اعتکاف برای عبادت بوده است. طبق روایات اهل سنت، در دوران جاهلیت هم عملی به عنوان اعتکاف در میان مردم رایج بوده است و مردم توسط این عمل به خدای خود تقرب می‌جستند. اجداد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از پیروان دین حنیف به شمار می‌روند. اعتکاف در غارها و بیابان‌ها و کوه‌ها، به عده‌ای از این حنفاء نسبت داده شده است. آنان در جاهای خلوتی که از مردم دور بود به اعتکاف پرداخته و خود را در آن محبوس می‌کردند و جز برای نیازهای شدید و ضروری، از آن خارج نمی‌شدند و در آن اماکن به عبادت و تأمل و تفکر در هستی پرداخته و در جستجوی راستی و حقیقت بودند. آن‌ها در آن اماکن خاموش و آرام مثل غار حراء، به عبادت مشغول می‌شدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز مانند خود بر دین حنیف یعنی دین حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود و عبادات متداول آن دین و از جمله اعتکاف را برپا می‌داشت. قبل از بعثت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز غار حراء محل عبادت و راز و نیاز بود، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به اعتکاف در آن مکان مشغول می‌شدند و در اندیشه سرنوشت بشریت فرو می‌رفتند.

منبر یازدهم: اعتکاف، عاشقان را به طواف حريم الهی می‌برد.

آیه: «قَوْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (زمر: ۲۲)؛ وای بر کسانی که قلب‌هایشان را قساوت گرفته است.

حدیث: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: "اربعة لا يصيهُنَّ الا مؤمنٌ: الصمت و هو اَوَّلُ العبادة"؛ رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم - فرمود: چهار چیز است که دست نمی‌یابد به آن‌ها مگر انسان مؤمن که یکی از آن‌ها سکوت است که سرآغاز عبادات می‌باشد.

دانشتنی‌های اعتکاف: مکان اعتکاف: اعتکاف تنها در مسجد صحیح است؛ بنابراین اگر کسی در خانه خود یا در تکیه، یا حسینیه یا در حرم معتکف شود صحیح نیست و از مساجد نیز تنها در این مساجد، اعتکاف صحیح است. مسجدالحرام، مسجدالنبی صلى الله عليه وآله، مسجد جامع کوفه، مسجد بصره و به قصد رجاء (یعنی به نیت مطلوب بودن و به امید پاداش و ثواب) می‌توان در مسجد جامع هر شهر معتکف شد. در این مسئله فرقی بین مردان و زنان نیست؛ بنابراین اگر دختران و بانوان بخواهند معتکف شوند، باید در یکی از همین مساجد باشد.

آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه دانشگاه‌ها رجاءاً اشکال دارد یا نه؟ در صورت صحت، آیا احکام اعتکاف، از قبیل ترك محرمات جاری می‌شود یا خیر؟ آیت الله خامنه‌ای: رجاءاً اشکالی ندارد. آیت الله بهجت: ظاهراً جایز نیست و احکام اعتکاف را ندارد. آیت الله فاضل: اعتکاف در مسجد جامع رجاءاً صحیح است و در غیر از مساجد جامع جایز نیست. آیت الله سیستانی: مشروع نیست و احکام آن را ندارد. آیت الله مکارم: اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت کنند. آیت الله تبریزی: اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد و اعتکاف در غیر مساجد جامع صحیح نیست.

اخلاق: مظاهر تمدن، خیالی دیگر: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۱۹۰) به راستی که در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز، برای صاحبان عقل نشان‌هایی است. باید دانست که پیشرفت‌های غربی از نوع مادی است و در نهایت دنیا را به صورت یک جنگنده، به صورت یک وحشی بار می‌آورد. روزگاری به راحتی می‌توانستیم آسمان را ببینیم. قادر بودیم جنگل، کوه، رود و همه طبیعت را به نظاره بنشینیم؛ اما حالا چی؟ کم کم برج‌ها بلند می‌شوند؛ آنقدر مرتفع که تا سرت را کاملاً بالا نگیری، انتهای آن را نخواهی دید. مگر این ساختمان‌های بلند می‌گذارند که آسمان آبی را ببینی. تازه اگر این‌ها هم بگذارند این دود و گرد و غبار مگر می‌گذارند! دیگر از نسیم سحری هم خبری نیست، آن یادآور رحمت حق، آن خبررسان به سر منزل دو ست؛ مگر این دیوارها و خانه‌های درهم پیچیده، اجازه ورود نسیم را خواهند داد؟ آیا جز بوی تندتی که از اگزوز ماشین‌ها خارج می‌شود می‌توان چیز دیگری را هم حس کرد؟! ای نسیم سحری قهر مکن با من زار که من از دوری تو سخت به جان آمده‌ام و دنیا به راستی تغییر کرده، همه چیز رنگ باخته یا در شرف رنگ باختن است. عجب، این تمدن امروزی و به اصطلاح فن آوری، بلای جان طبیعت و شریعت شده. گویا داریم مسخ می‌شویم و خودمان هم خبر نداریم. خیالات درون آدمی هنوز زنده و فریبنده بود که پیشرفت علمی هم از راه رسید و با خود خیالات جدیدی آورد، مثل تیغ تیز در دست زنگی مست و از هر طرف، یک فلسفه خیالی جدید با سر و صدایی پر طمطراق سر برآورد و این من سرکش که دنبال روزنی برای ورود به عالم خیال بود با سرعت دنبال آن‌ها را گرفت و رفت تا جایی که دنیای امروز، دنیای وحشیگری‌های جدید شد؛ دنیایی که دیگر عاطفه در آنجایی ندارد؛ دنیایی که بنیان خانواده در آن فرو ریخته و «...قَوْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (زمر: ۲۲)؛ وای بر کسانی که قلب‌هایشان را قساوت گرفته است. از سوز دل باید پرسید که ای انسان‌ها به کجا می‌روید: «فَإِنَّ تَذْهَبُونَ» (تکویر: ۲۶).

مقابله با تهاجم فرهنگ بیگانه: در فرهنگ اسلامی روی آوردن به اعتکاف، علاوه بر بهره‌برداری از فیض معنوی آن، جهاد مقدس نیز هست؛ زیرا این مراسم عبادی - معنوی، نقش بسیار مهمی در رویارویی با نفوذ فرهنگ بیگانه ایفا می‌کند. جوانی که در مراسم اعتکاف، طعم شیرین ایمان و انس با خداوند را می‌چشد، لذت‌های مادی و شهوانی در دیدگانش، حقیر و بی‌ارزش می‌شود و به آسانی در گرداب فساد و باورهای ضد دینی گرفتار نمی‌شود. از سوی دیگر، چنین مراسمی خود پیامی عملی و درسی عبرت‌آمیز برای

مردم است. حضور جمعی از مؤمنان در مسجد برای عبادت، در حقیقت نوعی دعوت به خداپرستی و دین‌مداری است و آثار سازنده‌ای بر جامعه خواهد داشت، از همین رو، در رویارویی با تهاجم فرهنگی دشمن نباید نقش مؤثر سنت‌هایی که در باور عمومی مردم ریشه‌های عمیق دارند، نادیده گرفته شود. بی‌تردید مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، هیئت‌های مذهبی، زیارت و اعتکاف، نقش مهمی در تربیت جامعه و گسترش فرهنگ دینی ایفا کرده و می‌کنند. این مقوله‌ها با آثار مثبت جانبی که دارند، اهرم‌های توانمندی در مقابله با فرهنگ بیگانه‌اند. در دوران ما تهاجم دشمن ابعادی گسترده یافته، ولی این حرکت استعماری، دست کم ریشه‌های چند صد ساله دارد و همین پدیده‌های سنتی هم چون اعتکاف، مردم ما را در طول سال‌های متمادی در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مصونیت بخشیده است؛ اما اهمیت آن و نقش به سزایی که در تصفیة و تزکیه انسان دارد برای بسیاری از مسلمانان ناشناخته مانده است. از این رو جا دارد مبلغان اسلامی بیش از پیش بر نقش مهم آن تأکید ورزند تا این سنت دیرینه محمدی آن گونه که شایسته است، جایگاه خود را در جامعه اسلامی حفظ کند. در عصر ما که زندگی ماشینی و پیچیدگی‌های آن، دیده‌گان انسان را به خود خیره کرده، روابط اجتماعی گسترده شده و خلاصه دامنه سرگرمی انسان به جلوه‌ها و مظاهر مادی توسعه یافته است، تأکید بر نقش سازنده اعتکاف، ضرورتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا اعتکاف انس با معشوق است که زمینه را برای گسستن فرد از سرگرمی‌های پوچ فراهم می‌آورد؛ انسان را با خداوند پیوند می‌دهد و از آفت خدا فراموشی و از خود بیگانگی نکه می‌دارد.

احکام شرعی: اگر قضای اعتکاف به علت بطلان واجب باشد و ده روز پایانی ماه رمضان تمام شود آیا جایز است که برای درک فضیلت، قضای اعتکاف را در ماه رمضان آینده به جای آورد یا اینکه باید فوراً قضا کند؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): قضا در هر ماهی که خواست اشکال ندارد مگر اینکه نذر کرده باشد که در ماه خاصی اعتکاف کند.

گلستان پندها: ذرات منتشر نور: گم می‌شوم در ازدحام شهر. خسته‌ام. نشانی خانه‌ام را به خاطر نمی‌آورم، تشنه‌ام؛ تشنه یک دقیقه آرامش، خسته لحظه‌ای حتی چشمانم به دنبال سرپناهی می‌گردد؛ سرپناهی که از این هیاهو دورم کند خلوتی که در آن به خود بیندیشم به نشانی خانه‌ام. نور سبزی از گلدسته‌های مسجد جامع شهر به چشمم می‌خورد، بی‌اختیار به سوبیش کشیده می‌شوم زمزمه "اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْد" به گوشتم می‌خورد. نوای "لَكَ الْمَجْدُ وَ لَكَ الْعِزُّ"، از خود بی‌خودم می‌کند. چشم که باز می‌کنم، من هستم و خیل عاشقان الهی، من هستم و صف به صف تسبیح و نماز و استغاثه. اکنون سه روز است با توام؛ هم صحبت تو و هم خانه تو. سه روز است میهمان توام و تو همچنان مهربان‌ترین میزبان دنیایی. کم‌کم نشانی خانه‌ام را به یاد می‌آورم: من اهل ایمان بودم؛ همسایه خورشید عشق، در دو قدمی من جوانه می‌زد یقین، پشت خانه‌ام اردو زده بود، باید بروم. باران رضایی

سه شنبه، غروب: با اینکه حسابی گرسنه‌ام، اما قبل از افطار، نماز را به جماعت می‌خوانم. احساس خوبی سراغم می‌آید. افطار، دوباره ساده و البته کم است؛ اما سیر می‌شوم. امشب شب شهادت حضرت زینب علیها السلام است. حاج آقا باز هم خودمانی حرف می‌زند و جماعت باز هم گریه می‌کنند و این بار من هم گریه می‌کنم. انگار سال‌ها بود که اشک‌هایم گیر کرده بودند پشت پلک‌ها و حالا که راه را باز دیده‌اند، امان نمی‌دهند. امشب آرزوها را کمتر کرده‌ام. مرتضی می‌گفت: «تا غروب روز سوم، تصمیم بگیر و هرچه خواستی روز سوم، وقت دعا، از خدا بخواه».

اعتکاف در ماه رجب به در خانه‌ی جود و سخا رفتن و از علی‌اعلی که سرآفرینش است چیزی طلب کردن است که تمام حقایق نظام هستی را در شب معراج که همان لیل‌ی عروج انسان به سعادت قصوای الهی است برای حضرت خاتم به شکل علی علیه السلام تجلی داده‌اند.

منبر دوازدهم: اعتکاف، دفتر دل را گشودن و از اسرار غیبی آن آگاه شدن است.

آیه: «وَلَيْكَ كَالِإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹)؛ همانند چهارپایان بلکه پست‌تر هستند و آنان غافلان‌اند.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "لا سبیل أنجی من الصدق"؛ امام علی علیه السلام فرمود: هیچ راهی نجات دهنده‌تر از صداقت و راست‌گویی نیست.

دانستنی‌های اعتکاف: تعریف مسجد جامع چیست؟ آیت الله گلپایگانی: مسجد جامع مسجدی است که اغلب اوقات بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد. آیت الله خامنه‌ای: مسجدی که برای اجتماع زیادی از اهالی آنجا ساخته شده و اختصاص به گروه خاصی یا اهالی محله‌ای نداشته باشد.

مسجد جامعی در شهری ساخته شده، بعد از آن، مسجد بسیاری بزرگ‌تری ساخته شده و آن نیز مسجد جامع معروف گشته، کدامیک از این دو مسجد، شرعاً مسجد جامع می‌باشد و ملاک در تعیین مسجد جامع چیست، با توجه به اینکه گاهی در این مسجد نماز جمعه خوانده می‌شود و گاهی در آن و حکم اعتکاف در این دو مسجد چیست؟ آیت الله خویی: در صدق جامع بودن مسجد شرط نیست که تنها یک مسجد باشد، پس تعدد مسجد جامع در یک شهر ضرری نمی‌زند و اعتکاف در هر دو صحیح است، اگر جامع نامیده شود و اقامه نماز جمعه دخی در موضوع ندارد. جامع بودن مسجد را از این راه‌ها می‌توان فهمید: خود انسان یقین کند. به طوری بین مردم مشهور باشد که جامع بودن آن معلوم شود. دو نفر عادل بگویند؛ و چنانچه دو نفر در جامع بودن مسجدی اختلاف داشته باشند، با حکم حاکم نیز معلوم می‌شود. اگر انسان در جایی به اعتقاد اینکه مسجد جامع است معتکف شود، بعداً معلوم شود مسجد نیست (مثلاً تکیه یا حسینیّه است) یا مسجد جامع نیست، اعتکاف باطل است.

اخلاق: آزادی در سایه عبودیت: غفلت آفتی است که اگر به جان درخت تنومند روح بیفتد در اندک زمانی، او را خشک و نابود می‌سازد. در آن صورت، اثری از این موجود برتر نخواهی یافت و تبدیل می‌شود به: «وَلَيْكَ كَالِإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹)؛ همانند چهارپایان بلکه پست‌تر هستند و آنان غافلان‌اند. چشم و گوش و عقل آدمی، همه وسیله رسیدن به حقیقتی است که بشر از برای آن آفریده شده، (اسراء: ۳۶) پس باید آن‌ها را به کار بست و در جهت عقربه قطب نمای هستی، به قلب هستی رفت و سرانجام قطره را به دریا رساند. مولانا: در غیب پر، این سو میر، ای طایر چالاک من؛ هم سوی پنهان خانه رو، ای فکر و ادراک من؛ ای دل سوی دلدار شو، ای یار، سوی یار شو؛ ای پاسبان، بیدار شو، خفته نشاید، پاسبان.

اعمال شب نیمه ماه رجب: ۱- شش رکعت نماز یا سین تبارک در ایام البیض ۲- دوازده رکعت نماز در هر رکعت سوره حمد و یک سوره دیگر یک بار خوانده شود و پس از سلام نماز سوره‌های: حمد، فلق، ناس، اخلاص و آیه الکرسی (هر کدام ۴ مرتبه) خوانده شود و آنگاه ۴ مرتبه گفته شود: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" سپس بگوید: "الله الله ربی، لا اشرک به شیئاً و ما شاء الله، لا قوه الا بالله العلی العظیم" ۳- سی رکعت نماز در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و سوره اخلاص ده مرتبه خوانده شود. فضیلت این نماز: پیامبر اکرم درباره فضیلت این نماز فرمودند: کسی که این نماز را بخواند، نمازش را به پایان نمی‌برد مگر این که ثواب هفتاد شهید به او داده شود و خداوند دوری از آتش دوزخ و دوری از نفاق را به او عطا می‌کند و عذاب قبر از او برداشته می‌شود.^۱

اعتکاف و رفع حاجت مؤمن: مضر بن قاموس گفت که: به امام هفتم گفتم به من خبر رسیده که از پدرت حسین علیه السلام که یکی از برای حاجتی نزد او آمد و به او گفتند آن حضرت معتکف است: و او به نزد امام حسن (علیه السلام) رفت و این را به او گفت و آن حضرت فرمود: ندانست که راه رفتن برای انجام حاجت مؤمن تا برآوردنش بهتر است از اعتکاف دو ماه پیایی در مسجد الحرام با روزه آن سپس امام هفتم (علیه السلام) فرمود: و از اعتکاف در همه روزگار.^۲

احکام شرعی: آیا روز سوم اعتکاف نیتی غیر از نیت دو روز اول دارد؟ چه در اعتکاف واجب و چه در اعتکاف مستحبی؟

^۱ غر الحکم، ص ۲۱۹، ح ۴۳۳۲

^۲ اقبال الاعمال

^۳ آداب معاشرت-ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار، ج ۱، ص: ۱۵۱

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): روز سوم کامل کردن اعتکاف است و نیت خاصی ندارد.

گلستان پندها: انسان ۱ سیر خویشتن: «یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما أخرج أبویکم من الجنة» (اعراف: ۲۷)؛ ای فرزندان آدم شیطان فریبتان ندهد همچنان که پدر و مادران را از بهشت خارج کرد. مشکل از آنجا شروع شد که در میان خیال و حقیقت گم شدیم. آب و سراب را یکی دیدیم. همان‌طور که آدم و حوا (علیهما السلام) خیال جاودانگی را به واقعیت اشتباه گفتند و فریب ابلیس را خوردند؛ گرفتار شدند و کسی نبود به آن‌ها بگوید که چرا حقیقت و در کنار خدا بودن را، به سراب جاودانگی فروختید. آری تا وهم و خیال از ذهن دور نشود، واقعیت را نخواهیم یافت. تا خیال هست اسارت هم هست، زنجیر هم هست. «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۱۰) و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته نومید و محروم گشته است!

چهارشنبه، ظهر: اذان می‌گویند و ما نماز می‌خوانیم. حاج آقا می‌رود بالای منبر و درباره اعمالی که باید انجام دهیم، حرف می‌زند. باید کلی قرآن بخوانیم. مرتضی می‌گفت: «ظهر که شروع کنی، وقت غروب تمام می‌شود». همین‌طور قرآن می‌خوانیم و زمان می‌گذرد. وقت دعا می‌رسد و من می‌ترسم نکنند درست آرزو نکنم.

بارزترین مصداق بندگی: در فضیلت اعتکاف همین بس که معادل طواف خانه‌ی خدا قرار گرفته و عدل و قسیم و همتای رکوع و سجود به شمار آمده است. دو تن از پیامبران بزرگ الهی مأمور شدند تا کعبه و حریم آن را از لوث وجود "وثئیت" و "ثنویت" تطهیر کنند تا عبادت‌کنندگان در مطاف و در کنار قبله و حرم ذات اقدس الله به طواف و اعتکاف و رکوع و سجود بپردازند. ذات اقدس الله در این زمینه می‌فرماید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَّا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیً وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»؛ و به یاد آورید زمانی که خانه‌ی کعبه را محل بازگشت و جایگاه امنیت مردم قرار دادیم و از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود برگزینید؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه‌ی مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان، از هر گونه آلودگی تطهیر کنید. از اینکه اعتکاف در کنار طواف و عدل رکوع و سجود قرار گرفته، معلوم می‌شود که از بارزترین مصادیق بندگی در پیشگاه ذات اقدس الله است.

گنج خلوت محمدحسین قدیری: وقتی که آب دل، از گل و لای گناه کدر می‌شود و گوش‌های جان، از عفونت معصیت سنگین، زمانی که چشم دل، در دود و دم نافرمانی خدا کم سو می‌شود و عشق، تنگی نفس می‌گیرد و گلوی روح می‌سوزد، هنگامی که دل در غروب حقایق، سخت می‌گیرد و می‌گرید و تن عقل، از گزند میکروب هوس در امان نیست و در عصری که گلبول‌های موعظه، زیر چکمه‌های غفلت و تهاجم فرهنگی له می‌شوند و گنج خلوت از کنج دل‌ها، تاراج برده می‌شود، طلوع خورشید معرفت در سرزمین اعتکاف، شاید بتواند خانه دل و روح را در مقابل بیماری‌ها ضدعفونی کند و با داروی شفا بخش ثقلین (قرآن و عترت)، ما را از درد پوچی نجات دهد. چرا که اعتکاف، سفر چند روزه به سرزمین صفا و صداقت و غوطه ور شدن در زلال معنی است. اعتکاف، بازدید از معراج قرب الهی با بُراق تیز پرواز خلوص است. گرچه اعتکاف، در کتب اعمال، در قفسه مستحبات جای دارد، اما در «فرهنگ انتظار»، تصفیه ناخالص‌های روحی، با آب توبه و آه فراق در پالایشگاه مسجد شرط وصال است. معتکف با ورود به لاله زار مسجد جامع، پاپوش تمثیات و تعلق را از پای آرزوهایش درمی‌آورد و جلوه‌های ربانی را در کوه طور تفکر به تماشا می‌نشیند؛ «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى» او در بزم خلوت نشینان، از جام‌های دعا و نماز، سرشار از شور و شعور می‌شود. اعتکاف، در آینه لغت، توقف چند روزه در ایستگاه مسجد جامع است؛ با زبان روزه و در قاموس اهل دل، حبس کرکس آمال و هوس و سبک بار و بال نمودن مرغ دل است برای سیر به آفاق و انفس. تا زمانی که کبوتر نفس، گیر دام تعلق‌های مادی باشد، پرواز در آسمان کمال برایش مقدور نیست؛ و علی‌السلام التهاب درون و شوق وصال معبودش را در کمیل شریف چنین می‌سراید: ای مهربان خدای! مرغ دل در پنجه‌های تیز و قوی هوس حبس گشته، وگرنه بال‌های ما تشنه پرواز در آسمان قرب تواند. واصلان حق، این طیبیان روح، نسخه‌های خود را در شفا خانه اعتکاف، تقدیم انسانیت نموده‌اند؛ چرا که با اکسیر اعتکاف، مس دل به طلای حرم الهی تبدیل می‌شود و بهشت آرامش به دل‌های آسمانی ارزانی می‌شود.

هیچ کنجی بی‌دد و بی‌دام نیست **** جز به خلوتگاه حق آرام نیست

منبر سیزدهم: اعتکاف، فصلی برای گریستن و موسمی برای بارش رحمت و زدودن آلودگی‌های گناه است.

آیه: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ» (اعراف: ۲۷)؛ ای فرزندان آدم شیطان فریبتان ندهد هم چنان که پدر و مادران را از بهشت خارج کرد.

حدیث: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: "عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يَعْزَّكُمْ اللَّهُ"؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بر شما باد به گذشت، زیرا که گذشت جز بر عزت بنده نمی‌افزاید. پس از یکدیگر گذشت کنید تا خداوند شما را عزت بخشد.

دانش‌های اعتکاف: خروج از مسجد: در موارد ذیل معتکف می‌تواند از مسجد خارج شود: برای گواهی دادن در دادگاه. برای تشییع جنازه، در صورتی که میت یک نحو وابستگی به معتکف داشته باشد به طوری که شرکت در تشییع جنازه او از ضرورت‌های عرفی او به حساب آید؛ و برای انجام سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی ولی مصلحتی در آن نهفته باشد.

و در این موارد، بر معتکف واجب است از مسجد خارج شود: برای انجام غسل جنابت. برای پرداخت طلب دیگران، در صورتی که نتواند در مسجد آن را بپردازد. برای انجام کار واجب دیگری که لازم باشد از مسجد خارج شود.

کسی که خارج شدن از مسجد بر او واجب شده باشد ولی تخلف کند و خارج نشود، هر چند گناه کرده است ولی اعتکاف باطل نیست، مگر کسی که با حال جنابت در مسجد توقف کند. اگر به جهت ضرورت از مسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند: بیش از مقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند. در صورت امکان زیر سایه ننشیند. بلکه مطلقاً ننشیند، مگر در حال ضرورت؛ بنا بر احتیاط واجب نزدیک‌ترین راه را انتخاب کند. اگر به جهت ضرورت از مسجد خارج شود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف بر هم بخورد، اعتکاف باطل است. اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل نیست.

اگر کسی از روی فراموشی محل اعتکاف را ترك کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟ آیت الله تبریزی: ظاهر این است که اعتکافش باطل می‌شود.

اخلاق: انس و تدبر در صحیفه سجاده: برخی بزرگان برای ایام اعتکاف، انس و تدبر در صحیفه سجاده را توصیه می‌کنند؛ ویژگی این کتاب چیست؟ صحیفه سجاده، زبور آل محمد است و توصیف ویژگی‌های آن به زبان ممکن نیست و این کتاب، در حکم کتاب‌های آسمانی است. وجود مبارك امام سجاد علیه السلام جوشش عرش خدا و لوح محفوظ بود، آن عرفان امامت و آن عبودیت ولایت خاص حضرت سجاد علیه السلام، اقتضای بروز این حقایق و معارف را داشت. این صحیفه، مشحون از اسرار خلقت است. هر عارفی و هر کسی که علاقه دارد خودش را کامل کند، باید به صحیفه سجاده پناه ببرد. دعا‌های صحیفه سجاده، یکی بهتر از دیگری است. این کتاب در واقع، تبلیغ امام سجاد علیه السلام بود. شرایط برای تدریس و منبر رفتن فراهم نبود؛ اما آن حضرت بر اساس رسالت خود، از طریق نیایش‌ها، این هدایت را انجام داد. از این رو، هم مسائل مبارزاتی و ستم‌سوزی و افشاگری دارد و هم خودسازی و پالایش روح در آن موج می‌زند. هرکس خودش را در این دریا بیندازد، این موج‌ها او را به ساحل می‌رسانند. یکی از ویژگی‌هایی که در صحیفه سجاده است، توجه دادن به رهبری آسمانی است. هیچ دعایی نیست؛ مگر اینکه با صلوات شروع می‌شود. در صحیفه سجاده، مردم علاوه بر متن و طرح، باید به الگو و رهبری هم توجه کنند و این در حرکت الهی، اجتماعی و سیاسی ما، بسیار سرنوشت‌ساز است. حرکت بر اساس اصول دینی، بدون رهبر ممکن نیست؛ بنابراین، بیشتر دعاها با صلوات بر محمد و آل محمد شروع می‌شوند.

قرض به مؤمن، دعای بر مؤمن، کمک به مؤمن، ستم‌دیده: امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنی نباشد که او مؤمن را به خانه خود برد و سیر به آن خوراک دهد جز اینکه بهتر باشد از آزادی يك بنده و مؤمنی نباشد که برای رضای خدا به مؤمنی وامی‌دهد جز اینکه خدا مزد صدقه به او دهد و مؤمنی نباشد که در انجام حاجت برادر مؤمنش راه رود جز اینکه خدا به هر گامی حسنه‌ای برایش

نویسد و سیئه از او بریزد و درجه‌ای بالا برد و باز هم ده حسنه برایش فزاید و در ده حاجت او را واسطه پذیرد، مؤمنی نباشد که در پشت سر برای برادرش دعا کند جز اینکه خدا به او فرشته‌ای گمارد که می‌گوید مانند آن برای خودت باشد و مؤمنی نباشد که گره کار برادر مؤمنش را گشاید جز اینکه خدا یک گرفتاری آخرت را بر او گشاید و مؤمنی نباشد که به مؤمن ستمدیده کمک دهد برای رفع ستم او جز اینکه بهتر باشد از روزه داشتن یک ماه با اعتکاف در مسجدالحرام و مؤمنی نباشد که یاری کند برادر مؤمنش را (با قدرت بر نصرت او) جز اینکه خدا او را در دنیا و آخرت یاری کند.^۱

احکام شرعی: آیا اعتکاف بچه‌ی ممیز صحیح است؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اعتکاف او نیز صحیح است.

گلستان پندها: ارزش معنوی اعتکاف: انقطاع از مادیات و امور دنیوی و ملازمت مسجد و دوام ذکر و عبادت خدا، به تنهایی و بدون اعتکاف نیز دارای ارزشی والا و اهمیتی فراوان است که در این زمینه آیات، روایات و احادیث زیادی را با چنین مضمونی می‌توان یافت، اما اهمیت اعتکاف به طور مشخص در قرآن و احادیث مورد تأکید قرار گرفته است. در بنیاد اولین خانه توحید (کعبه) به دست دو پیامبر الهی، حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام سخن از عهد و پیمانی به میان می‌آید که از جانب خداوند، جهت تطهیر «بیت الله» برای طواف کنندگان، معتکفین و نمازگزاران از آنان گرفته شده است. مطالعه در تعالیم ادیان الهی نشان می‌دهد که همواره شیوه‌هایی از درون گرایی و دوری از جمع در ادیان آسمانی وجود داشته است.

چهار شنبه، عصر: عبدالزهره پیدا نیست؛ اما صدایش می‌آید. صدا از آبدارخانه کوچک ابتدای شبستان است. دید شب خیلی‌ها نخواهیده بودند. می‌گفتند شب آخر است و باید شب زنده داری کرد. غذای امروز، کمی مفصل‌تر است؛ کباب کوبیده بازار با نان لواش. لیموترش هم آورده‌اند. نماز که می‌خوانم، هر کاری می‌کنم، خوابم نمی‌گیرد. از صدای زمزمه و گریه دانشجویی که نزدیک من نشسته، گریه‌ام می‌گیرد و احساس می‌کنم نسبت به روز اول، حالا راحت‌تر می‌توانم گریه کنم.

دو نکته مهم در اعتکاف: آنچه بر اهمیت و فضیلت اعتکاف می‌افزاید دو نکته است که یکی مهم و دیگری مهم‌تر است؛ نکته‌ی مهم آن است که اعتکاف همچون نماز نیست تا بتوان آن را در هر مکانی بجا آورد. در مورد نماز، بر پایه‌ی حدیث "جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا" می‌توان آن را در هر مکانی انجام داد؛ حال آنکه اعتکاف، چنین نیست. اعتکاف باید در مسجد و خانه‌ی خدا باشد. آن هم نه هر مسجدی، بلکه مسجد اعظم، یا به تعبیری دیگر مسجد جامع و یا مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) یا مسجدی که معصوم (علیه السلام) در آن نماز جمعه و یا جماعت اقامه کرده باشد؛ یا امامی عادل هر چند غیر معصوم در آن نماز جمعه یا جماعت برپا کرده باشد. پس اعتکاف باید در مسجدی باشد که مصلاهی توده‌ی مسلمانان است؛ یعنی مسجد جامع یا اعظم و مسجدی که در شهر، جزء بزرگ‌ترین مسجدها است و جماعت‌های رسمی در آن اقامه می‌شود؛ بنابراین، مسجد بودن خود مزیت است و اقامه‌ی نماز جمعه یا جماعت در آن، مزیتی دیگر. انعقاد اعتکاف در مسجد متروک و مهجور صحیح نیست. عده‌ای که اعتکاف را به خصوص مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) یا مساجد چهارگانه اختصاص داده‌اند، باید سخن آنان را بر افضلیت حمل کرد و نه تعیین. نکته‌ی مهم‌تر آن است که "روزه" که خود از ارکان مهم دین و از مبانی مهم و اصیل اسلام است که: "بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ" عبادتی که بدین پایه از اهمیت است، شرط اعتکاف قرار گرفته است، ارزش اعتکاف به حدی است که یکی از برجسته‌ترین ارکان دین، شرط آن قرار می‌گیرد! همانگونه که نماز بدون طهارت تحقق نمی‌یابد؛ که: "لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ" اعتکاف هم بدون روزه صحیح نیست؛ که: "لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ"؛ و این از سخنان بلند ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) است.

^۱ آداب معاشرت-ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار، ج ۱، ص: ۲۰۲

آیه: «و یَخْرُونَ لِلذَّقَانِ یَبْكُونَ وَ یَزِيدُهُمْ خُشُوعاً» (حشر: ۱۹)؛ و به زمین افتاده و حال گریه و خشیت آنان افزوده می‌شود.

حدیث: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: "قَالَ اللَّهُ مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَتَحَبَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أُحِبَّبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَ رِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا إِذَا دَعَانِي أُجِبْتُهُ وَ إِذَا سَأَلَنِي أُعْطِيتُهُ"؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند می‌فرماید: هیچ بنده‌ای با چیزی بهتر از انجام واجبات به من اظهار دوستی و محبت نکرده است و همانا بنده با انجام نوافل اظهار محبت و دوستی به من می‌نماید تا آنجا که محبوب من واقع می‌شود، پس زمانی که من او را دوست بدارم گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، زبان او می‌شوم که با آن سخن می‌گوید، دست او می‌شوم که با آن می‌گیرد و پای او می‌شوم که با آن راه می‌رود، اگر مرا بخواند اجابتش می‌کنم و اگر چیزی از من بخواهد به او خواهم داد.

دانشتنی‌های اعتکاف: محرمات اعتکاف: آنچه بر معتکف حرام است به طور اجمال بدین شرح است: استفاده از عطریات و گیاهان خوشبو، خرید و فروش، مجادله، استفاده شهوانی از جنس مخالف، استمناء (یعنی انسان با خود کاری کند که از او منی بیرون آید)، بوئیدن عطریات و گیاهان خوشبو برای کسی که از آن لذت می‌برد در حال اعتکاف حرام است، پس برای کسی که حس بویایی ندارد اشکال ندارد. در حال اعتکاف، خرید و فروش و بنا بر احتیاط واجب، هر نوع داد و ستدی، مانند اجاره و مضاربه حرام است. هر چند داد و ستد در حال اعتکاف حرام است، ولی باطل کننده اعتکاف نیست. اشتغال به امور دنیوی، مانند خیاطی، نساجی، نقاشی، مطالعه و امثال آن اشکال ندارد. در حال اعتکاف مجادله در امور دنیوی و دینی در صورتی که به قصد غلبه بر طرف مقابل و اظهار فضیلت و برتری باشد حرام است، اما اگر به قصد اظهار حق و بازداشتن طرف از طریق باطل باشد نه تنها حرام نیست، بلکه از افضل طاعات و عبادات است. هر گونه استفاده شهوانی از جنس مخالف، نظیر لمس، بوسه و آمیزش حرام است و فرقی در این مسئله بین زن و مرد نمی‌باشد. در حال اعتکاف نگاه از روی شهوت به همسر خود اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب ترك آن است.

اخلاق: اعتکاف برای کسانی که در مراحل پایین‌تر هستند، چه ویژگی و دستاوردی خواهد داشت؟ مسئله اصلی این است که انسان ضعف خودش را با این اعتکاف، متوجه بشود. وقتی از اعتکاف با نورانیت بیرون آمد، بگوید: "لا حولَ و لا قُوَّةَ الا بالله العلیّ العظیم" و بگوید: من کسی نبودم؛ اما تو این توفیق را دادی. پس من هم دینم را و هر چه را که به من داده‌ای، به ودیعه می‌گذارم. این، همان تضرع، ابتهال و بیچارگی به معنی واقعی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از اعماق دل این را نشان می‌داد و با همه وجودش التجا می‌کرد که خدایا! يك لحظه مرا تنها نگذار و رهايم نکن؛ "لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ"؛ اگر لحظه‌ای خدا آدم را رها کند، حتی اگر خودش را به عرش هم رسانده باشد، از آنجا سقوط می‌کند. بهترین راهش این است که آدم همراهی خدا را داشته باشد و از خدا بخواهد که با او همراه باشد و راهش را قرآن این گونه بیان کرده است: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا»، «إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ...» این معیت خدا، مال اهل تقوا و اهل احسان و اهل صدق و صداقت است. اگر انسان می‌خواهد در این راه نگاهش دارند، باید در خط صداقت و احسان و تقوا باشد.

احترام به سادات: حسن بن محمد قمی گفت از مشایخ و پیران قم روایت کرده‌ام که حسین بن حسن بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام در قم زندگی می‌کرد و آشکارا به شرب خمر می‌پرداخت يك روز برای احتیاجی که داشت به در خانه احمد بن اسحاق اشعری رفت که وکیل اوقاف در قم بود ولی احمد بن اسحاق به او اجازه ورود نداد به ناچار با اندوه و ناراحتی به خانه خود برگشت. احمد بن اسحاق آن سال عازم حج شد همین که رسید به سامرا اجازه ورود خواست تا خدمت امام حسن عسکری علیه السلام برسد اما امام علیه السلام به او اجازه ورود نداد و گریه‌ها کرد و بسیار زاری و تضرع نمود تا بالاخره اجازه یافت. وقتی وارد شد عرض کرد یا ابن رسول الله چرا به من اجازه نفرمودید خدمتتان برسم من که از شیعیان و ارادتمندان شما هستم. فرمود چون پرسرعموی مرا از در خانه‌ات راندی. احمد گریه‌اش گرفت و قسم یاد کرد که اجازه ندادن من به واسطه آن بود که شاید او از شراب‌خواری توبه کند فرمود راست می‌گویی ولی چاره‌ای نیست باید آن‌ها را گرامی بداری و احترام کنی در هر حال مبدا ایشان را تحقیر نکنی و اهانت ننمایی چون انتساب به ما خانواده دارند که در این صورت زیانکار خواهید بود. وقتی احمد به قم برگشت

بزرگان به دیدن او آمدند، حسین نیز از کسانی بود که به دیدن احمد شتافت اما همین که احمد او را دید از جای جست و به استقبالش شتافت و اکرانش نمود و در صدر مجلس او را نشانید. حسین دیدن این همه احترام برایش بی سابقه بود و بعید شمرد. پرسید چه شده که این قدر به من احترام می کنی؟ احمد جریان خود را با امام عسکری علیه السلام توضیح داد. همین که حسین شنید از کار زشت خود پشیمان شد و توبه کرد. به خانه برگشت تمام شرابهایی که داشت به زمین ریخت و اسباب و وسایل شراب را شکست و از پرهیزکاران و صالحین و اشخاص با ورع گردید. پیوسته ملازم مسجد بود و اعتکاف می کرد و شب زنده دار بود تا مرگ گریانش را گرفت و نزدیک قبر حضرت معصومه دفن شد.^۱

احکام شرعی: آیا اجاره و دیگر معاملات غیر از خرید و فروش در هنگام اعتکاف جایز است؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی): بنا بر احتیاط واجب مانند خرید و فروش در هنگام اعتکاف سایر معاملات نیز جایز نیست.

گلستان پندها: تفکر، پا سخ به عطش درون: باید از فرصت ها استفاده کرد و کبوتر عقل را به پرواز درآورد تا در آسمان اندیشه، به حقیقت هستی اشراف یابد و ببیند آنچه را که از پایین توان تما شای آن نیست. به راستی آب زندگانی از کجا سرچشمه می گیرد و این رود حیات در کدامین نقطه به دریای هستی می پیوندد؟ بلندترین قله آفرینش کجاست و پست ترین گودال هستی در کدامین سو واقع شده است؟ راه های رسیدن به آن قله سرفراز از کدامین مسیر می گذرد؟ از چه راهی باید دوری گزید تا به دره هولناک ضلالت و گمراهی نیفتاد؟ «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۱۸۵) آیا در حقیقت آسمان ها و زمین اندیشه نمی کنند. تفکر و تدبیر، انسان را به سوی دوست رهنمون می سازد. آیات و روایات، تأکید زیادی بر مسئله تفکر دارد. از آن همه، تعدادی را برای نمونه ذکر می کنیم:

"أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِكْرُ؛ بهترین عبادات تفکر است. "مَنْ تَفَكَّرَ ابْصَرَ؛ هر که اندیشید بینا شد. "الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ؛ تفکر آینه ای صاف است. "الْفِكْرُ ثَوْرٌ نَوْرٌ وَ الْغَفْلَةُ ظُلْمَةٌ؛ تفکر نور را در پی دارد و غفلت تاریکی را. "التَّفَكُّرُ حَيَاةٌ قَلْبُ الْبَصِيرِ؛ فکر و اندیشه حیات قلب انسان بصیر است. "فِكْرَةٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَنَةٍ؛ تفکر در یک لحظه بهتر از سالی عبادت است. آری خلوت، گذرنامه ای برای دخول به شهر تفکر است، شهری که همه محله های آن زیباست. تا نیندیشی توان دستیابی به حقیقت هستی را نخواهی داشت.

به تن نما، برادرم، خلعت اعتکاف را	رسان به کام خویشتن لذت اعتکاف را
سه پنج روز زندگی، به راه و رسم بندگی	به پا نما، برادرم، همت اعتکاف را
اگر که مفت می خرنند؛ در این زمانه عمر را	بیا بخور برای خود، عزت اعتکاف را
اگر ضعیف گشته ایی به زیر بار زندگی	رسان به جان خویشتن، قدرت اعتکاف را
ز دود و داد در گذر، به حال خود نما نظر	گزین در این میان نه تو خلوت اعتکاف را
تشریف است بی گمان، اجازه ای است در میان	اگر دهند دست من قسمت اعتکاف را

احمد درویش گفتار

اعتکاف، عبادتی مستقل: مرحوم مقدس اردبیلی که توانست هم در علم، محقق و هم در عمل، منزّه و مقدّس باشد، بیان شیوایی درباره ی اعتکاف دارد. او می فرماید: مبدا کسی گمان کند که اعتکاف، مقدمه است برای عبادتی دیگر. کسی که با طهارت وارد مسجد می شود و روزه می گیرد و قصد می کند که قربۀ الی الله اعتکاف کند این خود، عبادت است؛ نه اینکه اعتکاف شرط و مقدمه برای عبادتی دیگر باشد. اعتکاف عبادت مستقل است. همانگونه که هر یک از حج، عمره، روزه و نماز عبادت هایی مستقل هستند.

^۱ زندگانی حضرت جواد و عسکریین علیهم السلام، ص: ۲۸۳

منبر پانزدهم: همیشه دستگاه‌های قضایی با کسی که خودش را معرفی می‌کند جور دیگری تا می‌کنند... با آنی که اهل «حاسبوا قبل أن تحاسبوا» است باید بهتر راه بیایی، چون ایرادش را پذیرفته و خودش را تسلیم کرده است. ویژگی معتکفان هم این است که خودشان، خودشان را تسلیم می‌کنند!

آیه: «يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنَى الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵)؛ ای مردم، شما نیازمند درگاه خداوند هستید و او موجودی بی نیاز و حمید است.

حدیث: قال الامام علی علیه السلام: "حُبُّ اللَّهِ نَارٌ لَا يَمُرُّ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا اخْتَرَقَ وَ نُوْرُ اللَّهِ لَا يَطْلُغُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا ضَاءٌ"؛ حضرت علی علیه السلام فرمودند: دو ستی و حب خدا آتش است که بر هر چه بگذرد آن را می‌سوزاند و بر هیچ چیز نمی‌تابد مگر اینکه روشن و نورانی می‌نماید.

دانستنی‌های اعتکاف: قطع اعتکاف: برای شناخت حکم قطع اعتکاف باید اقسام آن را شناخت. اقسام اعتکاف: واجب معین: پس از شروع، قطع آن جایز نیست. واجب موسع: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست. مستحب: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست. اگر اعتکاف، واجب معین باشد، یعنی وقت مشخص داشته باشد، مثلاً نذر کند از ۲۱ تا ۲۶ ماه رمضان در مسجد معتکف شود، همین که اعتکاف را شروع کرد اتمام آن واجب و قطع آن غیر جایز است؛ و اگر اعتکاف، واجب موسع باشد، یعنی وقت آن وسعت دارد، مثلاً نذر کرده باشد که امسال، یا در این ماه سه روز معتکف شود، یا اعتکاف مستحب باشد تا قبل از تکمیل دو روز می‌تواند آن را رها کند، مثلاً در روز اول، شب اول یا روز دوم، ولی اگر اعتکاف را رها نکرد و در مسجد ماند تا غروب روز سوم در این صورت، بر او واجب است که اعتکاف را کامل کند و روز سوم را بماند. انسان می‌تواند از آغاز، هنگام نیت، شرط کند که اگر مشکلی پیش آمد -مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد- اعتکاف را رها می‌کنم، در صورت پیش آمدن مانع، رها کردن اعتکاف اشکال ندارد، حتی در روز سوم. در اعتکاف نذری، انسان می‌تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند که اگر مانعی پیش آمد اعتکاف را رها کنم.

آیا معتکف می‌تواند به هنگام نیت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خود رجوع کند؟ اگر بعد از نیت حکم شرط خود را ساقط نمود، آیا شرط او ساقط می‌شود یا خیر؟ آیت الله تبریزی: می‌تواند شرط کند و با اسقاط ساقط نمی‌شود. اگر شرط رجوع در وقت نذر کردن برای اعتکاف باشد چه حکمی دارد؟ آیت الله تبریزی: مثل شرط کردن در زمان نیت اعتکاف است و چنانچه اعتکاف را به عنوان وفاء به نذر مزبور انجام دهد، حتی در روز سوم می‌تواند رجوع کند.

اخلاق: نقطه عطف: سید بن طاووس که سید المراقبین است و در میان ستارگان درخشان پروا پیشگی، مانند او به عدد انگشتانمان هم نداریم، در کتاب إقبال الأعمال می‌نویسد: «برای درک شب قدر، احیای شب قدر کافی نیست و باید از يك سال قبل، مراقبه را شروع کرد؛ تا خداوند انسان را از فیوضات شب قدر، بهره‌مند کند». این کار، مخصوص شب قدر نیست؛ هر گنج عرشی دیگری هم حرکت و طی مسافتی می‌خواهد؛ تا انسان به محلی برسد که گنج در آن نهفته است و انسان، باید راهی را طی کند و مسافتی را پشت سر بگذارد؛ تا به آنجا برسد که معدن طلاست. تلاش، نقطه عطف است والا حرکت، از قبل باید شروع بشود. اگر کسی بخواهد از نمازش خیر ببیند و از اعتکافش اثر ببیند، اگر بخواهد از نورانیت حرم امام رضا علیه السلام یا از قبه امام حسین علیه السلام یا قبرستان بقیع، بهره‌مند بشود، باید حجاب‌ها را کنار بگذارد.

به طواف کعبه رفتم، به حرم رهم ندادند **** که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی

اگر کسی بیرون از این خانه، خودش را آماده نکرده باشد، راهش نمی‌دهند. انسان باید این آمادگی را قبلاً در خودش پیدا کند. مهم‌ترین مراقبت، ترک گناه است. کسی که می‌خواهد در اعتکاف میهمان سه روزه خدا باشد و خدا اجازه بدهد که بست بنشیند و در پناه خدا باشد، باید کاری کند که راهش بدهند. چله‌های ترک گناه برای این کار، مناسب است. انسان باید مواظب اعضا و جوارح و کشش‌های قلبش باشد؛ تا هر نامحرمی در دل او قرار نگیرد. انسان تا به يك مقامی نرسیده، مسئولیتش آسان‌تر است. مرحوم آقای فقیه اراکی که مفسر و استاد اخلاق بود، می‌گفت: «فراق، شیرین‌تر از وصال است؛ تا آدم نرسیده، امید دارد که برسد؛ اما اگر کسی رسید، همیشه نگران است که نکند محبوب او را رها کند». گرفتن هر چیزی، مشکل است؛ اما نگه داشتنش، مشکل‌تر است. اگر

کسی در اعتکاف به مراتبی نائل شد و درهایی به رویش باز شد، مسئولیتش خیلی سنگین‌تر از آن کسی است که چیزی بهش نداده‌اند.

خضوع در سایه تفکر: با تفکر و اندیشه درمی‌یابیم که این دنیا، این چرخ نیلوفری با دست توانمندی به حرکت درمی‌آید و این نظم، این ناموس خلقت، بی‌ناظم تصور ندارد و این بودن و نبودن، در پی هدفی چهره می‌آراید و می‌یابیم که در این عالم، کسی دیگر نیز هست با تفاوتی بی‌نهایت نسبت به ما، کسی که همه چیز از اوست، همه زیبایی‌ها جلوه‌ای از زیبایی اوست و ما هیچ و هیچیم؛ که «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْخَمِيدُ» (فاطر: ۱۵)؛ ای مردم، شما نیازمند درگاه خداوند هستید و او موجودی بی‌نیاز و حمید است؛ و وجدان بیدار آدمی او را به سجده و کرنش، در پیشگاه این بی‌انتهای هستی وامی‌دارد؛ «وَيَخْرُونَ لِلْذِّقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» (حشر: ۱۹)؛ و به زمین افتاده و حال گریه و خشیت آنان افزوده می‌شود.

احکام شرعی: معتکفی می‌خواهد سه روز اعتکاف کند و مدت ۷۲ ساعت اعتکاف انجام دهد. اگر اعتکافش را از بعد از طلوع فجر مثلاً از ظهر شروع کند و ظهر هم به پایان برساند به گونه‌ای که مجموع آن ۷۲ ساعت شود، آیا این اعتکاف صحیح است؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اعتکاف باید از شروع روز اول تا پایان روز سوم باشد و تلفیق کردن بدین گونه که جزئی از روز اول را با جزئی از روز آخر یک روز کامل به حساب بیاورد، صحیح نیست. محل اشکال است.

گلستان پندها: شهر قم، یکی از پیشتازان این سنت معنوی است. داستان برگزاری اعتکاف در تهران هم به سال ۶۸ برمی‌گردد، وقتی تعدادی از روحانیون تهرانی به این نتیجه رسیدند که باید این سنت را از قم به تهران بیاورند. البته حدسشان این بود که استقبال چندانی نشود، برای همین خیلی ناامیدانه برنامه‌ریزی کردند. یکی از افراد استاد محمدرضا مهدیان از استادان حوزه علمیه است که نخستین اعتکاف را برای تهرانی‌ها راه انداخت:

«۲۱ سال پیش با تعدادی از دوستان به یک سؤال مشترک رسیدیم، چرا تهران اعتکاف ندارد؟ آن سال‌ها در قم افراد زیادی معتکف می‌شدند و تصور من این بود که پایتخت نباید از این توفیق بی‌بهره باشد. با چند نفر از عالمان بزرگ تهران مشورت کردم و نظر آن‌ها را جویا شدم؛ از جمله آیت الله مجتبی تهرانی، آیت الله مجتهدی تهرانی و آیت الله ضیاءآبادی. همه این بزرگواران به اتفاق تأیید کردند و به ما انگیزه دادند، البته خیلی‌های دیگر هم پیش‌بینی می‌کردند که اعتکاف در تهران پا نمی‌گیرد، راستش را بخواهید خودم هم چنین تصویری داشتم، در نهایت فکر می‌کردم تعدادی طلبه در تهران معتکف شوند». مهدیان و دوستان در کمال ناامیدی یا علی گفتند؛ اما یک مشکل بزرگ وجود داشت، معتکف از کجا پیدا کنیم؟ پس از بررسی‌های مختلف یک راه‌حل به ذهنشان رسید:

«می‌دانستیم در تهران، داوطلب چندانی وجود ندارد، به همین دلیل چند اتوبوس آماده کردیم و راهی قم شدیم. در ست روبه روی مدرسه فیضیه اتوبوس‌ها مستقر شدند و ما به طلبه‌ها اعلام کردیم آن‌هایی که می‌خواهند در تهران معتکف شوند، سوار شوند. در نهایت حدود ۹۰ نفر در اتوبوس‌ها مستقر شدند و به سمت تهران حرکت کردیم. طلبه‌ها در مسجد جامع بازار مستقر شدند و نخستین اعتکاف تهران همان سال در مسجد جامع بازار برگزار شد. آنقدر این مراسم معنوی و با صفا برگزار شد که هر سال تعداد داوطلبان به صورت تصاعدی بالا می‌رفت و طلبه‌های تهرانی هم به مسجد مراجعه می‌کردند، به مرور زمان شرایط کاملاً دگرگون شد و شهروندان تهرانی با اعتکاف آشنا شدند، جمعیت آنقدر زیاد شد که ما مجبور شدیم، شبستان‌های دیگر مسجد را هم به معتکفان اختصاص دهیم، اتفاقات همین‌گونه رخ داد تا به شرایط فعلی رسیدیم».

او درباره سنت‌هایی که در سال‌های نخست برگزاری اعتکاف در تهران وجود داشت، می‌گوید: «در نخستین سال، پس از پایان مراسم از سوی امام خمینی هدایای نقدی به معتکفان داده شد و این رسم توسط مقام معظم رهبری هم دنبال شد. هر سال مبلغی بین ۳ تا ۵ هزار تومان به افراد داده می‌شد؛ اما همان سال‌هایی که تعداد معتکفان به شکل غیرقابل پیش‌بینی زیاد می‌شد، این هدایا قطع شد و کمک‌ها به مساجد داده می‌شد برای تأمین مخارج». مسجد جامع بازار، سال‌ها تنها برگزارکننده اعتکاف در تهران بود تا آنکه دانشگاه تهران هم خودی نشان داد. سال ۷۲ دانشگاه تهران هم فراخوان اعتکاف داد که با استقبال پیش‌بینی نشده دانشجویان روبه‌رو شد. چند سال سنت اعتکاف در تهران این‌گونه بود، دانشجویها به دانشگاه تهران می‌رفتند و طلبه‌ها به مسجد جامع بازار. تا

آنکه سال ۷۶ مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه به برگزاری اعتکاف در کشور اشاره کردند تا آمار مساجد برگزارکننده، تصاعدی بالا رود:

«مسجد داذشگاه، شاهد عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت و اعتکاف و روزه‌داری برجسته‌ترین جوانان این مملکت است. بهترین جوانان هر کشور، جوانانی هستند که صاحب فکر و با اندیشه باشند. قاعدتاً و غالباً در میان دانشجویان، این طور کسانی به صورت وافر پیدا می‌شوند؛ البته در بین غیر دانشجویان هم این طور جوانان خوب هستند؛ ولی در زمان قدیم - زمان ما که جوان بودیم - در میان دانشجویان، در داذشگاه تهران و بعضی داذشگاه‌های دیگر و در همه ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی‌کردند. در قم که مرکز دین و عبادت بود، شاید چند صد نفر طلبه اعتکاف می‌کردند. معمول نبود؛ مردم دور بودند».

مدتی پس از این سخنرانی، مرحوم حجت الاسلام ابوترابی به فکر برگزاری اعتکاف در مسجد امام حسین علیه‌السلام افتاد و به مرور زمان تعداد مساجد زیاد شد، بیشتر مراجع تقلید هم فتوا دادند می‌توان در مساجدی که «جامع» نیستند هم رجاء معتکف شد تا خیال همه راحت شود و بتوانند با خیال راحت سه روز رویایی داشته باشند. این سنت خوب تهرانی‌ها، خیلی زود به شهرهای بزرگ دیگر هم کشید و حالا شهری نیست که اعتکاف نداشته باشد. آمار معتکفان هم که واقعاً در نوع خود کم‌نظیر است، مثلاً سال پیش حدود ۷۰ هزار تهرانی در بیش از ۳۰۰ مسجد معتکف شدند، تازه این فقط آمار رسمی سازمان تبلیغات است، این سال‌ها بعضی مساجد هم غیر رسمی این مراسم را برگزار می‌کنند، چون مشکلات ساختمانی دارند و مرکز رسیدگی به امور مساجد اجازه برگزاری اعتکاف به آن‌ها نمی‌دهد؛ اما جوان‌ها در همین مساجد هم ثبت نام می‌کنند.

منبر شانزدهم: نردبان دلم شکسته است، می شود برای من کمی دعا کنی؟ یا اگر خدا اجازه می دهد جای من خدا خدا کنی؟ راستش دلم مثل یک نماز بین راه خسته و شکسته است، می شود برای بی قراری دلم سفارشی به آن رفیق باوفا کنی؟

آیه: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ» (حدید: ۱۶)؛ آیا لحظه آن فرا نرسیده که آنان که ایمان آورده اند قلوب خود را برای ذکر خدا خاشع گردانند.

حدیث: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: "يَقُومُ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ يَعَالِجُ نَفْسَهُ لِلظَّهْرِ وَ عَلَيْهِ عَقْدٌ ...!" رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: فردی از شما برای شب برمی خیزد و خود را برای طهارت آماده می کند و گره هایی در کارش دارد. پس شروع به وضو می کند. چون دستش را شست یک گره گشوده می شود و چون صورتش را شست گره دیگری گشوده می شود ... پس خداوند به پرده نشینان ساکنان عالم غیب می فرماید: به این بنده من بنگرید که خود را آماده می سازد و از من درخواستی می کند، هر چه بنده ام از من بخواهد به او می دهم.

دانستنی های اعتکاف: قضا و کفاره اعتکاف: اگر در حال اعتکاف جماع کند عمداً باشد یا سهواً پس اگر اعتکاف، واجب معین باشد، باید قضای آن را بجا آورد؛ و اگر واجب غیر معین باشد، باید آن را از سر بگیرد. اگر یکی دیگر از محرمات اعتکاف را سهواً انجام دهد و اعتکاف واجب معین باشد: بنا بر احتیاط واجب باید اعتکاف را به پایان ببرد و قضای آن را بجا آورد. واجب غیر معین باشد: اگر در دو روز اول باشد باید اعتکاف را از سر بگیرد و اگر روز سوم باشد، اعتکاف را به پایان ببرد و از سر بگیرد. اگر اعتکاف مستحب را بعد از روز دوم باطل کند، باید قضای آن را بجا آورد. ولی اگر قبل از اتمام روز دوم باطل کند، چیزی بر عهده او نیست. واجب نیست قضای اعتکاف را فوراً بجا آورد، گرچه احتیاط مستحب است. اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف نماید -یک روز یا بیشتر- آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟ آیت الله تبریزی: بنا بر احتیاط، قضای آن واجب است. اگر اعتکاف واجب را با آمیزش (جماع) باطل کند، کفاره واجب است و در سایر محرمات کفاره نیست، هر چند احتیاط مستحب است. اگر در دو روز اول اعتکاف مستحب آمیزش کند و اعتکاف را رها نکند بنا بر احتیاط واجب کفاره لازم است. کفاره بطلان اعتکاف، مانند کفاره روزه ماه رمضان است، یعنی، باید: دو ماه روزه بگیرد. یا به ۶۰ مسکین، طعام بدهد. یا یک برده را آزاد کند. احتیاط مستحب است که اگر ممکن است یک برده آزاد کند و در صورت ناتوانی دو ماه روزه بگیرد و چنانچه نتواند روزه بگیرد، به ۶۰ فقیر طعام بدهد.

اخلاق: اعمال ویژه روزهای اعتکاف، چه جایگاه و اثری دارند؟ اعمال معروف به «ام داوود» که در آخرین روز اعتکاف انجام می شوند، از امام صادق علیه السلام نقل شده اند. امام صادق علیه السلام یک مادر رضاعی به نام «ام داوود» و برادر رضاعی ای داشت که اسمش داوود بود. وقتی امام علیه السلام بیمار شد، ام داوود برای عیادت به محضر آن حضرت رسید. هنگامی که خواست برود، امام صادق علیه السلام سراغ داوود را گرفت. آن بانو گریه اش گرفت و گفت: پدر و مادرم فدای شما! داوود را حکومت دستگیر کرده و مدتی است که هیچ اطلاعی از او ندارم. حضرت فرمود: چرا از این داعی که زود مستجاب می شود، غافل هستی؟ عرض کرد: کدام دعا؟ امام فرمود: در ایام البیض رجب، یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب، روزه می گیری و روز سوم، غسل می کنی و بعد از نماز ظهر و عصر، این اذکار و دعاها را می خوانی. ام داوود می گوید: من با دریافت این نسخه، در ایام البیض، این عمل را انجام دادم. دیدم پسر ام داوود آمده است. گفتم چطور شد؟ گفت: وجود مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به خواب خلیفه عباسی آمد و او را در مورد بازداشت من تهدید کرد. او هم وحشت کرد و مجبور شد مرا آزاد کند.

عبادت، ثمره خضوع: هنگامی که انسان کمال مطلق را شناخت و به گواراترین چشمه هستی دست یافت و جرعه ای از آن لذت بیاورید، در زلال آن چشمه همیشه جو شان، خود را تماشا کرد که: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (اسراء: ۱۰۹)؛ مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند خدا هم خودشان را از یادشان برد. خدا فراموشی، خود فراموشی را به دنبال دارد؛ اما کسی که خود را شناخت خدای خود را نیز درمی یابد: "مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ". در آن صورت هر چه دارد به پای او می ریزد و با بندگی و عبادت تن و جان خود را آراسته می سازد: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ» (حدید: ۱۶)؛ آیا لحظه آن فرا نرسیده که آنان که ایمان آورده اند قلوب خود را برای ذکر خدا خاشع گردانند. پس در سایه سار ذکر و عبادت که هدف نهایی خلقت است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (قمر: ۵۵) و در سایه دستیابی به گمشده حقیقی، آدمی در کوران زندگی به آرامش

دست می‌یابد: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ که ذکر خدا آرامش دهنده دل‌هاست. آری در سایه عبادت او، چه جای ترس از درماندگی و بی‌پناهی در دنیا که «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۴)؛ پس عبادت کنند خدای این خانه را، همان که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم (دشمن) آسوده خاطرشان کرد.

احکام شرعی: هیئت برگزاری اعتکاف که متشکل از تعدادی از معتکفین است. وظیفه‌ی خدمت به معتکفین و فراهم کردن نیازمندی‌های آن‌ها را بر عهده دارد. لذا باید نیازمندی‌های معتکفین مثل افطاری و سحری را بخرد، آیا این مسئله به اعتکاف آن‌ها ضرر نمی‌رساند؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): خارج شدن از مسجد برای خرید چیزهای ضروری مثل غذا و غیره اگر در ضمن آن نیازمندی‌های خود را نیز تهیه می‌کنند، اشکال ندارد.

گلستان پندها: زیارت امام حسین علیه السلام و اعتکاف: امّ سعید می‌گوید: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که کنیزم آمد و گفت: مرکب را آوردم. امام (علیه السلام) فرمود: ای امّ سعید، این مرکب چیست و قصد کجا داری؟ می‌گوید: گفتم می‌خواهم به زیارت قبور شهیدان بروم. فرمود: به من بگو چرا امروز کار شما مردم عراق این قدر عجیب شده است که از راه‌های دور برای زیارت قبور شهدای احد می‌آیید و زیارت قبر سید الشهداء را ترك می‌کنید؟ راستی چرا به زیارت قبر او نمی‌روید؟ امّ سعید می‌گوید: گفتم سید الشهداء کیست؟ فرمود: حسین بن علی (علیه السلام). گفتم: من يك زن هستم [و به تنهایی نمی‌توانم این کار را انجام دهم]. فرمود: برای امثال تو هیچ گونه مانعی از رفتن به زیارت آن حضرت نیست. گفتم: زیارت او چه ثوابی برای ما دارد؟ فرمود: با يك حج و يك عمره و اعتکاف و روزه دو ماه در مسجدالحرام برابر است.^۱

چهارشنبه، غروب: غروب شده، قرآن خوانده‌ایم و همه منتظر می‌مانند تا حاج آقا شروع کند. حاج آقا می‌رود پشت بلندگو. صفحه دعا را در مفاتیح باز کرده‌ام و منتظرم. حاج آقا تا می‌خواهد شروع کند، می‌زند زیر گریه؛ بقیه هم همین طور. می‌خواهم از خودم ببر سم چرا چنین کرد؛ اما من هم گریه‌ام می‌گیرد. انگار تقدیر اینجا گریستن است. حاج آقا می‌گوید: «تمام شد» و باز های‌های، گریه می‌کند. دعا به نیمه رسیده است. از بس گریه کرده‌ام، بینی‌ام کیپ شده، نفسم بالا نمی‌آید. نمی‌دانم چرا گریه می‌کنم و به یاد رفتن می‌افتم، باز می‌زنم زیر گریه. شاید مال همین رفتن است؛ شاید هم خیال مرتضی. این دو - سه روز کار خاصی نکرده‌ام و بیشتر خوابیده‌ام. نمازهای واجب را خوانده‌ام و گاهی هم فکر کرده‌ام؛ اما احساس می‌کنم سخت‌ترین کار ممکن، رفتن از این جا است. باز یاد مرتضی می‌افتم و آرزوهای باقی مانده که سه چهار تا بیشتر نیستند و باید انتخاب کنم. با خودم می‌گویم: می‌شود سال بعد بیایم و دوباره آرزو کنم و همین می‌شود آرزویم؛ «سال بعد بیایم و دوباره آرزو کنم». از همین حالا خوب می‌دانم که آرزوی سال آینده‌ام چه خواهد بود. تصور می‌کنم وقتی این آرزو را به مرتضی بگویم، می‌خندد و می‌گوید: «چه آرزوی تکراری قشنگی؛ خوش به حالت پسر...»!

اعتکاف باطل: اعتکاف، از برجسته‌ترین مقام بندگی و بردگی در پیشگاه ذات اقدس الله است. عده‌ای همین عکوف و اقبال و تعظیم را در برابر "اوئان" و "اصنام" داشته‌اند؛ مانند سامری که در برابر گوساله‌ی خود عکوف داشت. خداوند متعال بر روی همه‌ی اعتکاف‌ها و بندگی‌های دروغین، مَهر بطلان زده است. ذات اقدس الله، سخنان یاهو و بیهوده‌ب‌پرستان و دوگانه‌پرستان را این گونه نقل می‌کند: «فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف: ۱۳۸)؛ بنی اسرائیل به گروهی رسیدند که با تواضع و خضوع گرداگرد بت‌هایشان جمع شده بودند. آنان به موسی گفتند: تو هم برای ما خدایی قرار بده، همانگونه که آنان خدایانی دارند؛ موسی گفت: شما مردمی جاهل هستید. در جایی دیگر از زبان حضرت موسی (علیه السلام) درباره‌ی سامری می‌فرماید: «وَ أَنْظِرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُخْرِقَنَّهٗ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه: ۹۷)، و نگاه کن به معبودت که پیوسته بر آن معتکف بودی؛ آن را خواهیم سوزاند و ذرات آن را به دریا می‌ریزیم. عکوف در این آیه همان اقبال و تعظیم و گرایش و کُرُنش است که چون در مقابل باطل بوده، مردود و نکوهیده است. پیامبران بزرگ الهی از جمله ابراهیم خلیل (علیه السلام) مردم را از خضوع و عکوف و کُرُنش در برابر بت‌ها باز داشته‌اند. در قرآن مجید از زبان حضرت ابراهیم می‌خوانیم که به عمو و قومش گفت: «مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» (انبیاء: ۵۲)؛ این مجسمه‌ها و بت‌هایی که بر آن عکوف و کُرُنش

می‌کنید، چیست؟ این گونه عکوف‌ها، همگی باطل و محزّم است؛ ولی عکوف و اعتکاف با آداب و سنن خاص خود که تنها برای ذات اقدس الهی باشد، صحیح و مشروع و سازنده است.

منبر هفدهم: اگر فنجانی کوچک زیر باران نکه دارید، به اندازه همان فنجان به شما می‌رسد... اگر کاسه بزرگی نگاه دارید به همان اندازه در آن آب جمع می‌شود! چه ظرفی زیر باران الهی قرار داده‌اید؟!

آیه: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ» (فجر: ۲۷-۳۰)؛ ای انسان به آرامش رسیده، به سوی پروردگارت با رضایت کامل بازگرد، پس داخل شو در زمره بندگان و داخل شود در رضوان او.

حدیث: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: «إِخْتَبِرُوا شِيعَتِي بِخَصْلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ فَهُمْ شِيعَتِي مُحَافِظَتُهُمْ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَ مُوَاسَاَتُهُمْ مَعَ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْمَالِ وَإِنْ لَمْ تَكُنَا فِيهِمْ فَأَغْرِبْ ثُمَّ اغْرُبْ ثُمَّ اغْرُبْ!»؛ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شیعیان مرا به دو خصلت امتحان کنید که اگر دارای این دو خصلت بودند شیعه‌اند: اهمیت به نماز در اول وقت و دستگیری برادران دینی خود با مال، اگر این دو در آن‌ها نبود از ما دورند و دورند و دورند.

دانستنی‌های اعتکاف: آثار فردی اعتکاف: تقویت اراده: از آثار حتمی اعتکاف در زندگی فردی انسان، تقویت اراده آدمی است. کسی که مدتی، برخلاف خواست درونی خویش، خود را در محلی حبس و از بسیاری از امور چون حرف زدن در غیر امور عبادی که به طور طبیعی، تمایل به آن‌ها دارد، پرهیز نماید، خود به خود تمرینی است برای اجتناب از بسیاری خواهش‌های نفسانی دیگر. انس با معنویات: در پرتو اعمالی چون اعتکاف، کم‌کم ارتباط روانی خاصی بین انسان و مسجد، قرآن، نماز، نماز شب و ادعیه به وجود می‌آید. به نحوی که انسان مشتاق ارتباط با این امور شده دوری از آن‌ها برایش سخت می‌گردد. دوری از غفلت: اعتکاف عبادتی چون نماز و به قول قرآن «ذَكَرَ اللَّهُ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴) را در بردارد. ذکر، همان دوری از غفلت است، «إِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرُوضُونَ» (انبیاء: ۱)؛ رسیدگی به حساب انسان‌ها نزدیک و مردم در غفلت به سر می‌برند. تواضع و فروتنی: اگر انسان بتواند در طول اعتکاف، خود را در دایره بیکران هستی، کوچک ببیند، استکبار و غرور از او رخت برمی‌بندد.

آثار دنیوی اعتکاف (اجتماعی): کاهش جرم و فساد: به عقیده جرم‌شناسان اجتماعی، بسط و گسترش مسائل معنوی، باعث کم شدن جرم و فساد در جوامع می‌گردد. اعتکاف در این میدان می‌تواند نقش مهمی ایفا کند؛ زیرا مشتمل بر چند عبادت است و آثار معنوی ویژه‌ای حتی بر افراد غیر معتکف بر جای می‌گذارد. آشنایی و برقراری ارتباط دو ستانه: حضور مؤمنین شهر در چند مسجد، فرصتی است که مؤمنان یکدیگر را بشناسند و ارتباط دوستانه پیدا نموده و از آثار اخوت اسلامی برخوردار شوند. این اثر را به راحتی می‌توان از لابلای خاطرات منتشر شده معتکفان به دست آورد. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «اغْتِكَافُ عَشْرِ فَي شَهْرٍ رَمَضَانَ يَغْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ غُفْرَتَيْنِ»^۱. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: اعتکاف ده روز در رمضان با دو حج و دو عمره برابری می‌کند.

اخلاق: ویژگی ماه رجب چیست که اهتمام به اعتکاف رجبیه این قدر مورد تأکید قرار گرفته است؟

یکی اینکه ماه رجب، آغاز يك جهش به سوی پروردگار متعال است. این سه ماه، يك فصل است؛ بهار عرفان است و این بهار بندگی، از رجب شروع می‌شود. مسئله دوم این است که بر حسب روایات، هر کسی بخواهد وارد بهشت بشود، در نهر رجب شست‌وشو می‌شود و بعد وارد بهشت می‌شود. رجب، اسم نهری است که واردین به بهشت، قبل از ورودشان، در این نهر شست‌وشو می‌شوند. تطهیر در این نهر، آنقدر شگفت‌انگیز است که شسته شدگان در آن، خودشان را در آینه می‌بینند و باورش‌شان نمی‌آید که این، همان آدم قبلی است و با تعجب از ملائکه می‌پرسند که این انسان زیبا و پاک، چه کسی است؟ پاسخ داده می‌شود که خودت هستی و بر اثر تحولی که این نهر در تو به وجود آورده، آن زیبایی‌های عمیقی که در وجودت نهفته بود، آلودگی‌ها را شسته و کنار زده و زیبایی ایمان و فطرت را آشکار نموده است. از این رو، ورود به بهشت نبوی و بهشت رضوان و لقای الهی که شعبان و رمضان با شد، مراقبت رجب را می‌طلبد؛ بنابراین، اهتمام به خودسازی در ماه رجب، جایگاه ویژه‌ای دارد.

شب فرقت یار آخر شد: چون خدای خود را شناختیم و دانستیم که انس با او، آرام جان است و راز و نیاز با او سبب قرب؛ و دانستیم که عبادت پل ارتباط بین خالق و مخلوق است، پس دیگر چه دوری و چه جای شکایت، دیگر چون نی‌نوی جدایی سر نمی‌دهد:

^۱ جامع الأخبار، ص ۳۵

^۲ من لایحضره الفقیه، کتاب الاعتکاف، ص ۱۸۸

بشنو از نی چون حکایت می‌کند*** از جدایی‌ها شکایت می‌کند. دیگر فراق نیست، هر چه هست وصل است و رسیدن به دوست، پس می‌سراییم: روز هجران و شب فراق یار آخر شد*** زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد و به انتظار می‌نشینیم تا نوای یار نیز گوش جانمان را بنوازد که «یا ایَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَا ضِیَّةً مَر ضِیَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتی» (فجر: ۲۷-۳۰)؛ ای انسان به آرامش رسیده، به سوی پرودگارت با رضایت کامل بازگرد، پس داخل شو در زمره بندگان و داخل شود در رضوان او.

احکام شرعی: چه زمانی اعتکاف مستحب مؤکد است؟ به عبارت دیگر در چه اوقاتی اعتکاف مستحب است؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اعتکاف وقت خاصی ندارد، هرچند که اعتکاف در ده روز آخر ماه مبارک رمضان فضیلت بیشتری دارد.

گلستان پندها: اعمال شب سیزدهم: اعمالی را باید در این شب انجام داد؛ از جمله آن ده رکعت نماز است که اگر به درستی به جا آورده شود، دارای ثواب و پاداش بزرگی است. در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: «کسی که در شب سیزدهم ماه رجب ده رکعت نماز بخواند؛ بدین گونه که در رکعت اول حمد یک مرتبه و سوره عادیات هم یک مرتبه و در رکعت دوم حمد یک مرتبه سوره تکاثر نیز یک مرتبه بخواند و بقیه رکعت‌ها را هم به همین نحو تمام کند، خداوند متعال گناهان او را می‌آمرزد و اگر عاق والدین هم باشد خداوند سبحان از او راضی می‌شود و همچنین در قبر نکیر و منکر به او نزدیک نمی‌شوند و او را نمی‌ترسانند و بر پل صراط هم چون برق خاطف (سریع) عبور می‌کند و نامه اعمالش را به دست راستش می‌دهند و میزان اعمالش سنگینی می‌کند و در بهشت فردوس هزار شهر به او اعطا می‌شود». روز سیزدهم هم روزه‌اش ثواب فراوان دارد و برای کسی که بخواهد عمل ام داود را به جای آورد، باید این روز و دو روز بعدش را روزه بگیرد.

چهارشنبه، شب: عبدالزهر، اسفند دود کرده و دم در ایستاده است. همه‌مان را به خدا می‌سپارد و مدام به خاطر کمبودها، عذرخواهی می‌کند. بی‌اختیار جلو می‌روم و با عبدالزهر روبوسی می‌کنم. وقت رفتن يك بار دیگر صحن مسجد جامع را نگاه می‌کنم. آب حوض، کمی گل‌آلود شده، اما هنوز قشنگ است. طوري پلك می‌زنم که انگار از فضای مسجد با چشم‌هایم عکس می‌گیرم. پله‌های نوروز خان را بالا می‌روم. به سبزه‌میدان که می‌رسم، پیرمردی که نشانی مسجد جامع را داده بود، می‌بینم؛ می‌گوید: «قبول باشه، جوون». انگار پیرمرد می‌داندست از کجا برمی‌گردم. دلم بیشتر از همه برای مرتضی تنگ شده، از همان سبزه‌میدان، يك ما شین دربست می‌گیرم برای بهشت زهرا ...!

اعتکاف بندگان صالح: از اینکه گفته شد روزه با همه‌ی فضیلتی که دارد شرط اعتکاف است، روشن می‌شود که انسان معتکف، در پیشگاه ذات اقدس الهی عکوف و اقبال دارد و غیر خدا را کنار زده است. اگر معتکف در پیشگاه خدایی که «لم یکن له کفواً أحد» اعتکاف کرده، پس هیچ عکوفی، همتای اعتکاف او نیست؛ زیرا ارزش و منزلت هر اعتکافی به ارزش مبدائی که اعتکاف در پیشگاه او و برای او است، بستگی دارد. پس هیچ اعتکافی کفو و همتای اعتکاف بندگان صالح خدا نیست. از آن جا که ذات اقدس الله برای اعتکاف، حرمت قائل شده است، آن انسان کامل یعنی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بسیاری از مواقع به خصوص ماه مبارک رمضان و بالاخص در دهه‌ی سوم آن، در مسجد معتکف می‌شد. آنچه در این باره از عترت طاهرین (صلوات الله علیهم) رسیده آن است که کمترین مدت اعتکاف سه روز است. این نظریه نه تفریط یک ساعت را دارد و نه افراط ده روز را.

منبر هیجدهم: رجب یعنی اشک توبه در قنوت ***خواندندش با نام غفار الذنوب*** شعبان یعنی چشم‌ها هم در رکوع*** شرمگین از نام ستار العیوب***رمضان یعنی سر سجود و دل سجود***ذکر یارب یارب از عمق وجود!

آیه: «بِأَنْتَ إِنَّا نَكُ مُثْقَلَاتِ حَبِّهِ مِنْ حَزَلٍ فَتَكُنْ فِي صَحْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَا إِلَهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان: ۱۶)؛ پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد خداوند دقیق و آگاه است!

حدیث: امام صادق علیه السلام: "مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ وَ فِرَاشُهُ كَمَسْجِدِهِ وَ إِنْ ذَكَرَ أَنَّه لَيْسَ عَلَى وَضوءٍ فَتَيَمَّمُ مِنْ دِثَارِهِ كَأَنَّ مَا كَانَ لَمْ يَزَلْ فِي الصَّلَاةِ وَ ذَكَرَ اللَّهَ"؛ هر که با طهارت به بستر رود، آن شب بستر او به منزله مسجد اوست و اگر یادش آمد که وضو ندارد به همان روانداز خود -هر چه می‌خواهد باشد- تیمم کند که اگر چنین کرد پیوسته در نماز و ذکر خداوند خواهد بود.

دانستنی‌های اعتکاف: اعتکاف در ایران: سنت اعتکاف در طول تاریخ کم و بیش در ایران اسلامی، برپا می‌شده ولی از پیشینه آن در ایران، قبل از دوران صفویه، چیز زیادی در دست نیست. آنچه به صورت مستند وجود دارد برپایی این سنت الهی در دوران صفویه می‌باشد که به همت بلند شیخ لطف الله میسی و شیخ بهائی، در دو پایتخت صفویه، یعنی قزوین و اصفهان صورت گرفته است.

شیخ لطف الله، هم عصر عالم بزرگ شیعی، شیخ بهایی است. او بسیار مرد توجه و عنایت شیخ بهایی بوده تا آنجا که شیخ، مردم را در پاره‌ای از مسائل شرعی به شیخ لطف الله ارجاع می‌داده. شاه عباس اول، مسجد شیخ لطف الله را در اصفهان به نام این عالم بزرگ و برای اقامه نماز توسط ایشان ساخت. شیخ لطف الله تا پایان عمر در کنار همان مسجد ساکن بود و در آن مسجد نماز جمعه را اقامه نمود. این عالم سخت کوش به برپایی سنت اعتکاف، اهتمامی ویژه داشت. چنان که بر اثر تلاش‌های خستگی ناپذیر او اعتکاف سنتی رایج و زنده باشد. کتاب الرسالة الاعتکافیه از آثار اوست. شیخ بهایی اهتمام ویژه‌ای به امر اعتکاف، در ایران داشت. او در کنار شیخ لطف الله به ترویج این سنت همت گمارد. شیخ لطف الله، درباره شیخ بهایی می‌گوید: «شیخ بهایی نیز در برپایی مراسم اعتکاف، نقش داشته است». شیخ لطف الله در پاسخ به شمه‌ای که پیرامون خیمه زدن در مسجد برای اعتکاف، مطرح شده به روش شیخ بهایی که برجسته‌ترین عالم آن زمان بوده استناد کرده و می‌گوید: «شیخ اجل اعظم اکرم، خاتمه المجتهدین، شیخ بهاء المله و الدین، در اصفهان و غیر اصفهان این کار را انجام داده است». شیخ بهایی خود از عالمان عامل و دل‌داده معنویت و معرفت بود و با شور و عشق به این سنت روی آورد و از خلوت اعتکاف بهره‌ها جست. شعر معروف "که معتکف دیرم و که ساکن مسجد" هم از اوست. پس از آمدن آیت الله عبدالکریم حائری یزدی به شهر مقدس قم و تأسیس حوزه علمیه قم در جوار حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام)، سنت الهی اعتکاف، رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. این سنت الهی که در طی چند قرن، بعد از دوران شیخ لطف الله و شیخ بهایی، نوساناتی به خود گرفته بود، تولدی جدید یافت، اما حکومت خشن رضاخانی را نیز در برابر خود داشت. پس مردانی استوار و پا برجا چون کوه می‌طلبید تا با این خشونت‌ها، صحنه را ترک نکرده و کمر همت، در احیای سنت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) ببندند. عالم ربانی میرزا مهدی بروجرودی در سده اخیر پایه‌گذار این سنت حسنه در شهر قم بود. رفته رفته این سنت محمدی به دیگر شهرهای ایران سرایت کرد. او از ملازمان و کارپردازان و مشاوران آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود. وی به علت ایجاد جو خفقان رضاخانی به تنهایی در مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) معتکف می‌شد و هیچ کس همراه او نبود. بعدها یکی دیگر از علما به او ملحق شد و پس از چندی، پای دیگران نیز به این سنت کشیده شد. به حدی که آیت الله بروجرودی درس‌هایی حوزه علمیه را جهت شرکت طلاب در مراسم اعتکاف، تعطیل کردند. آری کارهای بزرگ، مردان بزرگ را می‌طلبد. این مرد بزرگ دارای تألیفاتی نیز هست. قبر شریفش در بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (علیها السلام) در مسجد بالا سر و نزدیک به مرقد مطهر آیت الله حائری یزدی می‌باشد.

اخلاق: اینکه اعتکاف باید در مسجد جامع شهر انجام بگیرد که محل آمد و شد مردم است، چه پیامی دارد؟ عنایت الهی به جمع است؛ «يُذِ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ». دعای فردی، خاصیت دعای جمعی را ندارد. در روایت داریم که وقتی برای امام صادق علیه‌السلام مشکلی پیش می‌آمد، خانواده‌اش را جمع می‌کرد و می‌فرمود: «من دعا می‌کنم؛ شما آمین بگویید؛ تا دعای ما دسته‌جمعی باشد؛ زیرا خداوند دعای جمع را رد نمی‌کند». خیلی از افرادی که نزد خدا احساس شرمندگی می‌کنند، با اعتقاد به اینکه در جمع معتکفان،

آدم‌های آبرومندی در درگاه خدا پیدا می‌شوند، می‌آیند و خود را با همه گرفتاری‌هایشان در میان جمع قرار می‌دهند. آیا خداوند کریم، بقیه را بالا می‌برد و يك آدم پر شکسته را که کشان کشان خودش را به تیزپروازان رسانده است، زمین میزند؟ نه، وقتی قطار حرکت کرد، همه افرادی را که در آن هستند، به مقصد می‌رساند. در این قطار آدم‌های زمین‌گیری هم هستند؛ اما خدا به برکت دیگران، آن‌ها را هم به نوا می‌رساند؛ بنابراین اعتکاف، يك هدیه الهی و عرشی است و ارمغانی از شهیدان ماست.

نماز، در محضر دوست: می‌خواهیم عبادتش کنیم، چگونه؟ چه خوب است چگونگی عبادت را از کلام دلنشین دوست یا از آنان که او را دریافته‌اند دریابیم. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴)؛ نماز را برای یاد من بپا دارید. "الصَّلَاةُ حِصْنُ الرَّحْمَنِ"؛ نماز قلعه خداوند است. "الصَّلَاةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ"؛ نماز رحمت خدا را نازل می‌کند. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵)؛ نماز بازدارنده زشتی و پلیدی است. "الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ"؛ نماز کلید بهشت است. "الصَّلَاةُ قَرْبَانُ كُلِّ تَقَى"؛ نماز سبب نزدیکی هر انسان با تقوا به پیشگاه خداوند خویش است. "الصَّلَاةُ تَنْزِيهَا عَنِ الْكِبَرِ"؛ نماز پاکی از کبر است.

احکام شرعی: آیا گفتگو در مورد چیزهای مباح، هنگام اعتکاف جایز است؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اشکال ندارد.

گلستان پندها: ترمز روزمرگی را بکش: دروغ چرا؟ در زندگی ما refresh لازم است. سرعتمان بالا رفته و این پدال گاز لعنتی را ول نمی‌کنیم. گاهی اوقات وقتش می‌رسد که بز نیم کنار، گوشه‌ای توقف کنیم و آبی به سر و صورتمان بز نیم؛ این باتری‌های زهوار در رفته باید شارژ دوباره شوند. حالا کجا برویم برای تأمین این ضرورت انکارناپذیر؟ تعارف چرا؟ اعتکاف ناجی ما شد در این زندگی پر دود و برای همین است که در سال‌های اخیر تبدیل به يك تب شده، از روزهای نخست ماه رجب، حرف و حدیث‌هایش به گوش می‌رسد و مشتری‌هایش را جمع می‌کند. دست بر قضا، بیشتر طرفداران پروپا قرصش هم، همین جوان‌هایی هستند که صدای هشدار باتری‌هایشان را شنیده‌اند و می‌خواهند در گردنه‌های خطرناک زندگی، سه روز ترمزدستی بکشند.

يك روز کمک به مؤمن: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): "عون العبد أخاه يومًا خير من اعتكافه شهرًا"؛ کسی که به برادر خود کمک يك روزه کند بهتر از اعتکاف يك ماهه است.

اعمال مختصر أم داوود: سید بن طاووس از شیخ مفید نقل کرده است که: اگر کسی نتواند، سوره‌های عمل أم داوود را بخواند، صد مرتبه سوره حمد، ده مرتبه آیه الکرسی، هزار مرتبه توحید بخواند، سید بن طاووس گفته است: در برخی روایات دیده‌ام که اگر کسی در حال اضطرار یا مسافرت باشد یا کار مهمی داشته باشد، به جای هزار مرتبه، صد مرتبه قل هو الله احد نیز کافی است.

اعمال غیرمختصر ام داوود: پس از نماز ظهر و عصر در حالتی که سجده‌اش را نیکو کند در موضع خلوت که چیزی او را مشغول نسازد و با انسانی تکلم ننماید و روبه قبله کند و بخواند: ۱- صد مرتبه سوره حمد. ۲- صد مرتبه سوره اخلاص. ۳- ده مرتبه آیه الکرسی. ۴- سوره‌های: انعام، بنی اسرائیل (اسراء)، کهف، لقمان، یس، صافات، سجده، شوری، دخان، فتح، واقعه، ملک، قلم و از انشقاق تا آخر قرآن و چون فارغ شد، دعای ام داوود را قرائت نماید.

منبر نوزدهم: اعتکاف، دفتر دل را گشودن و از اسرار غیبی آن آگاه شدن است!

آیه: «إِسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵)؛ از نماز و روزه کمک بگیرید.

حدیث: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: "مَنْ اعْتَكَفَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ"؛ همه گناهان گذشته کسی که از روی ایمان و برای رسیدن به ثواب الهی معتکف شود، آمرزیده می‌شود.

دانستنی‌های اعتکاف: ارکان اعتکاف: ارکان عبادت یعنی اجزایی که اگر عمداً یا سهواً ترک شوند، آن عبادت باطل می‌شود. اعتکاف نیز ارکانی دارد که عبارت‌اند از (۱) نیت؛ (۲) توقف در مسجد جامع شهر یا مساجد چهار گانه معروف؛ (۳) کمتر از سه روز نبودن اعتکاف؛ (۴) روزه دار بودن معتکف در ایام اعتکاف

اعتکاف در هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند صحیح است و بهترین زمان برای آن، ماه مبارک رمضان و مخصوصاً در دهه آخر آن ماه می‌باشد. اعتکاف، همانند سایر عبادات، باید با نیت و قصد قربت باشد و هر گونه ریا و خودنمایی و قصد غیر الهی آن را باطل می‌کند. در نیت اعتکاف، قصد وجه شرط نیست، یعنی لازم نیست قصد کند که اعتکاف واجب است یا مستحب. زمان نیت اعتکاف، وقت شروع اعتکاف است که شروع طلوع فجر می‌باشد و با استمرار نیت اول شب هم مانعی ندارد. اعتکاف را می‌توان به سه صورت به جای آورد. (۱) برای خود؛ (۲) به نیابت از مردگان (۳) به نیابت از زندگان

اگر اعتکاف را به نیابت از کسی که از دنیا رفته به جای آورد، در این صورت اعتکاف را تنها به نیابت از یک نفر می‌توان انجام داد ولی اگر مقصود اهدای ثواب باشد می‌توان ثواب اعتکاف را به چند نفر، زنده یا مرده، هدیه کرد.

در مورد نیابت از شخص زنده، در میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری از فقها در درستی چنین اعتکافی، تردید کرده‌اند. در این صورت، هرگاه نایب، اعتکاف را به قصد رجا، یعنی امید به مطلوب بودن عمل نزد خدا، نه به عنوان عبادتی حتمی انجام دهد، مانعی ندارد.

در صحت اعتکاف علاوه بر شرایط عامه تکلیف (ایمان، عقل و قدرت)، اموری شرط است: الف) قصد قربت؛ ب) روزه؛ ج) سه روز روزه‌دار بودن؛ د) وقوف در چهار مسجد: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد جامع کوفه و مسجد بصره. ولی به قصد رجا (به امید پاداش) می‌توان در مسجد جامع هر شهر معتکف شد. ه) اجازه شوهر و اجازه پدر و مادر؛ و) پیوستگی اعتکاف موارد زیر نیز بر معتکف حرام است:

۱- پرداختن به امور جنسی به معنای وسیع آن: که شامل هر نوع بهره‌برداری شهوانی می‌باشد.

۲- بوییدن عطر و هر نوع بوی خوش و گیاهان معطر به قصد لذت بردن

۳- مجادله و مناقشه: حرمت جدال مربوط به اموری است که معتکف بخواهد فضل و برتری خود را به دیگران نشان دهد.

۴- محرمات روزه: در حال روزه یعنی از طلوع تا غروب خورشید که معتکف روزه می‌گیرد، باید از محرمات روزه نیز اجتناب نماید. بعضی از فقها محرمات احرام را بر معتکف مستحب دانسته‌اند.

۵- خرید و فروش

اخلاق: اعتکاف چه ابعدی دارد و چگونه در روند خودسازی انسان و تحول معنوی او تأثیر می‌گذارد؟ انسانی که از خود هجرت می‌کند و از توجه به خود و تصمیم‌های شخصی و کشش‌های نفسانی خودش رها می‌شود، آنقدر بالا می‌آید که دیگر خودش را فانی می‌کند و «فناء فی الله و بقاء بالله» پیدا می‌کند و اراده‌اش فانی در مشیت پروردگار متعال می‌شود. اگر کسی به این موقعیت رسید، دیگر اجری برایش نمی‌شود معین کرد؛ «فَقَدْ وَفَّعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (نساء: ۱۰۰)؛ آن اجری که خداوند برای حامیان بارگاهش مقدر

فرموده، اجرای مافوق احساس است و نمی‌شود با این احکام آن را ارزیابی کرد. مطلب دیگر این است که همان‌گونه که حج، يك عبادت جمعی است و حاجی‌ها در يك موضع، در يك ایام مخصوصه‌ای همه مشغول عبادت هستند، اما همه باهم هستند و صحنه حج را به يك اجتماع عظیم الهی تبدیل می‌کنند که مظهر عظمت و اقتدار معنوی مسلمان‌هاست، در اعتكاف نیز قشرهای مختلف در يك جا، همه به خاطر خدا جمع می‌شوند. اعتكاف، اجتماعی است که هیچ انگیزه شخصی ندارد و همه معتكفان، تك تك، خدا را در نظر گرفته‌اند و آهنگ خدا کرده‌اند و شوق خدا در دلشان قرار گرفته و این شوق و عشق، آن‌ها را از منزلشان به خانه خدا منتقل کرده است. اعتكاف در واقع، بیمه کردن يك جامعه در برابر دام‌ها و بندهایی است که شیطان برای جوان‌ها و دیگر افراد از طریق جاذبه‌های دنیا -جاذبه‌های جنسی، پولی، مقام و موقعیتی- گسترده است. هنگامی که در جامعه جوّی پدید می‌آید که مسجدها مالا مال از خداجویان می‌شود و آنقدر این مسابقه پرمشتری است و این بازار گرم است که مساجد اعلام می‌کنند ما ظرفیت پذیرش داوطلبان را نداریم، این خودش خیلی برجستگی دارد و عمق دین و ژرفای ایمان در اعماق وجود مؤمنان را به جهان اعلام می‌کند.

روزه، عطش دیدار: ۱- «إِسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵)؛ از نماز و روزه کمک بگیرید. ۲- روزه، حکمت را به ارمغان می‌آورد. ۳- روزه، قلب را از وسواس حفظ می‌کند. ۴- روزه، تقرب به خداست. ۵- روزه، نیاز به مردم را کم می‌کند. ۶- روزه، نور، برهان، شفا و رحمت را در پی دارد. ۷- به واسطه روزه می‌فهمید آنچه را تا حال نمی‌فهمیدید، می‌بینید آنچه را تا حال نمی‌دیدید. ۸- روزه، سبب شناخت عیوب نفسانی است. ۹- روزه، مانع تأثیر شیطان بر آدمی است.

احکام شرعی: حکم اعتكاف زنی که حیض یا استحاضه بر او عارض شده است، چیست؟ چه در روز اول یا دوم یا سوم؟ آیا قضا بر او واجب است؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): با حائض شدن حتی اگر در ساعات آخر روز سوم با شد، اعتكاف باطل می‌شود ولی در صورت استحاضه شدن اگر به وظیفه‌ی مستحاضه نسبت به روزه‌اش عمل کند، اعتكاف صحیح است.

گلستان پندها: خاطره این سه روز آسمانی: گرمای تابستان امانم را بریده بود. خدا خدا می‌کردم زودتر به خانه برسم. در طول راه به فکر یک لیوان آب خنک بودم. هنوز زنگ آیفون را نزده بودم که مادرم با چهره‌ای خندان در را به رویم گشود. انگار پشت در منتظر من ایستاده بود. سلام مادرا! اتفاقی افتاده؟ سلام عزیزم! مژده بده! چی شده؟ اتفاقی افتاده؟! یکی از شاگردانت آمد در خانه و برایت کارت اعتكاف آورد. از خوشحالی مادر را در آغوش گرفتم. آن شب با اشتیاق تمام، وسایل مورد نیاز مراسم را مهیا کردم. دومین سالی بود که لیاقت معتكف شدن در خانه خدا را پیدا کرده بودم. آن شب پدر و مادرم مرا تا مسجد رساندند و دعای خیرشان را بدرقه راهم کردند. زمانی که وارد مسجد شدم، باز هم حال عجیبی سرتاپای وجودم را فرا گرفت. اشک در چشمانم حلقه زد. با خود فکر کردم: آیا من لایق این همه لطف و مرحمت خداوند هستم؟! خادمان مسجد با احترام از معتكفان استقبال کردند. به راحتی توانستم جایم را پیدا کنم. و سایلم را با دقت و آرامش در کنارم قرار دادم. جابه‌جایی معتكفان تا نیمه‌های شب ادامه داشت. بعد از خوردن سحری و خواندن نماز صبح، همه جمعیت مشغول دعا و نیایش شدند. حال بسیار عجیبی تک تک افراد را دربرگرفته بود. گویی حالات درونی افراد معتكف در مسجد بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد. در طول این سه روزی که قرآن می‌خوانم، چهره مهربان پدر و مادرم پیش رویم است. دوست دارم این سه روز تا ابد ادامه داشته باشد. آخرین روز که به پایان رسید، بیشتر جمعیت معتكف به پهنای صورت گریستند. بوی اسپند تمام فضای حیاط مسجد را پر کرده بود. با چشمی گریان از خادمان مسجد خداحافظی کردم و از در مسجد خارج شدم، پدر و مادرم با گل به استقبال آمدند. در این فکر هستم که آیا تا سال بعد زنده می‌مانم و می‌توانم دوباره معتكف شوم؟ شیرین احمدی

منبر بیستم: اعتکاف عاشقان را به طواف حريم الهی می‌برد!

آیه: «أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ... وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا ...» (بقره: ۱۸۷)؛ برای شما در شب‌های ماه رمضان مباشرت با زنان خود حلال شد... و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید. این احکام، حدود دین خداست، زناهار در آن راه مخالفت می‌پوید!

حدیث: امام هادی علیه السلام: «الْعَقُوقُ يَعْقِبُ الْقِلَّةَ وَ يُوَدِّي إِلَى الذَّلَّةِ»؛ نارضایتی پدر و مادر، کم توانی را به دنبال دارد و آدمی را به ذلت می‌کشانند.

دانستنی‌های اعتکاف: حرمت آمیزش در حال اعتکاف: «أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ... وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا ...» (بقره: ۱۸۷) برای شما در شب‌های ماه رمضان مباشرت با زنان خود حلال شد... و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید. این احکام، حدود دین خداست، زناهار در آن راه مخالفت می‌پوید!

استمناء نیز بنا بر احتیاط واجب از محرّمات اعتکاف شمرده شده است، هر چند از راه حلال آن، مانند بازی با هم‌سر با شد. گر چه استمناء حرام در هر حال حرام و از گناهان بزرگ است ولی در حال اعتکاف گناهی بزرگ‌تر است.

معتکف باید روزها را روزه‌دار باشد و از هر کاری که روزه را باطل می‌کند، پرهیز کند و هر آنچه روزه را باطل می‌کند، اعتکاف را نیز باطل می‌کند. اگر معتکف جماع کند اعتکافش باطل است ولی اگر یکی دیگر از محرّمات را مرتکب شود، احکام مفصلی دارد که در بحث قضا و کفاره اعتکاف آمده است. بر معتکف واجب نیست از کارهایی که بر محرم حرام است، مثل پوشیدن لباس دوخته و کندن مو از بدن و نگاه در آینه پرهیز کند، هر چند احتیاط مستحب است. به جز مبطلات روزه، سایر محرّمات، اختصاص به روز نداد، بلکه در شب نیز باید از آن‌ها پرهیز کند.

عطر و گلاب زدن یا بو کردن عطر و گلاب اعتکاف را باطل می‌کند یا خیر؟ آیت الله تبریزی: استعمال عطر و گلاب چنانچه مستلزم بو کردن آن باشد، هر چند بر معتکف حرام است لکن بطلان اعتکاف از جهت آن محل اشکال است و اگر معتکف در روز سوم این کار را کرده باید اعتکافش را تمام کند. آیت الله سیستانی: بو کردن آن‌ها اعتکاف را باطل می‌کند. آیت الله بهجت: اگر با تلذذ با شد بنا بر احتیاط باطل می‌شود و احتیاط واجب در صورت وجوب اعتکاف [آن است که] آن را تمام کند و سپس قضا نماید.

آیا در صورت نیاز می‌تواند خرید و فروش نماید؟ آیا توکیل یا نقل به غیر بیع لازم است (یعنی به شخص دیگری وکالت دهد تا از طرف او خرید و فروش کند یا به غیر خرید و فروش، مثلاً با قرض یا بخشش نقل و انتقال کنند؟) آیت الله مکارم: در صورت عدم امکان توکیل یا نقل به غیر بیع اشکالی ندارد. آیت الله بهجت: در صورت اضطرار برای حاجت خودش مانعی ندارد.

ارتکاب سهوی محرّمات اعتکاف چه حکمی دارد؟ آیت الله فاضل لنکرانی: ارتکاب سهوی سایر محرّمات غیر از جماع ضروری به اعتکاف نمی‌زند. آیت الله مکارم: خالی از اشکال نیست. آیت الله بهجت: ارتکاب سهوی، حرام و مبطل نیست.

اخلاق: اعتکاف که در روزهایی از ماه رجب و ماه رمضان، رنگ و بوی آن، جامعه ما را در برمی‌گیرد، در منظومه آموزه‌های اسلام به چه معناست و چه جایگاهی دارد؟

اعتکاف، عبادتی است که اصل و اساس آن در خود قرآن هم آمده است؛ «وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵)؛ خداوند حضرت ابراهیم و پسرش اسماعیل ذبیح را مأمور می‌کند که خانه خدا را تطهیر کنند برای طواف کنندگان و برای عاکفین که همان معتکفین هستند؛ معتکفینی که می‌آیند اینجا برای اعتکاف و نماز می‌خوانند و رکوع در غیر نماز ما نداریم؛ بنابراین، در قرآن تصریح شده است که اعتکاف از عبادت‌های بسیار کهن و از سنت‌های حضرت ابراهیم است و اقبال به سنت‌های حضرت ابراهیم و کیش و آیین او، از اموری است که خداوند متعال بر آن تأکید کرده است و هر کسی که به آن اقبال نکند و از آن روی برگرداند، در قرآن، سفیه نامیده شده است؛ «وَ مَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره: ۱۳۰)؛ پس

معلوم می‌شود که این عبادت علاوه بر اینکه يك تعبد است، خلوت نشینی، فراغت از غیر حق و انس با خداست و يك مسئله منطقی و عقلی هم هست. در فقه، اعتكاف، عبادت مخصوصی است که معتكف در یکی از مساجد جامع یا در یکی از مساجد مشهوری که امام عادل دارد، حداقل سه روز خودش را در آنجا محدود کند و به روزه بپردازد. شرط اعتكاف، حداقل توقف سه روزه در مسجدی است که شرایطش را دارد و در این مدت، روزه‌داری، شرط صحت اعتكاف است. اعتكاف از يك جهت احکام روزه و مسجد را دارد و از يك جهت، بوی حج می‌دهد. بعضی از محرماتی را که خداوند بر مجرم در ایام حج عمره حرام کرده، در اعتكاف هم حرام هستند و این نشان می‌دهد که این عبادت، معجونی از عبادت‌های مختلف است و قهراً يك مرتبه بالا و يك پرواز و قله اوجی است که مهاجرین خاص خدا، باید به آن نایل شوند. اعتكاف از این جهت بسیار جالب توجه است که انسان، از زندگی روزمره و تکراری، خودش را کنار می‌کشد و تعلقات و وابستگی‌ها و کشش‌های طبیعی یا تکراری را که به آن‌ها معتاد شده و برایش به صورت طبیعت ثانوی درآمده‌اند، کنار می‌گذارد. این يك هنر است که انسان بتواند اوضاع عادی رنگ رفته را به هم بریزد و در واقع، يك انقلاب است؛ يك حرکت انقلابی و يك جهش و پرش است که انسان را از وضع موجودش که محصور در عادت‌های روزانه است، آزاد می‌کند و انسان را از آن تعلقات و وابستگی‌هایی که هر کسی به بستگان نزدیک خودش - پدر، مادر، فرزند، همسر خودش و محیط کار خودش - دارد، جدا می‌کند؛ بنابراین، يك گسستن و رهیدن هم در آن هست و این گسستن و رهیدن، ملازم با رستن و روییدن است؛ یعنی هم رهایی است و هم رویش.

نجات از جهنم یا عاقبت به خیری: عاقبت به خیری یا رهایی از آتش جهنم، آرزوی تمام اولیاء و بزرگان بوده است. در دعای جوشن کبیر با آن عظمتش که مشتمل بر هزار اسم خداوند (و شاید اسم اعظم الهی) است، بعد از هر ده اسم مبارک خداوند، فریاد می‌کشیم: منزهی توای کسی که معبودی جز تو نیست... "خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبُّ؛ ما را از آتش نجات بده! ای پروردگارم؛" و در دعای مبارک مجیر که در ایام البیض هم وارد است، بعد از هر دو اسم مبارک خداوند می‌گوییم: "أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِير؛ ما را از آتش [جهنم] پناه ده، ای پناه دهنده". از فضیلت و عظمت اعتكاف است که انسان می‌تواند در این چند روز توقف در مسجد، آینده خود را بیمه کند و خود را از آتش جهنم برهاند، چنان که در حدیث نبوی می‌خوانیم: "مَنْ اغْتَكَفَ يَوْمًا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَةَ خَنَاقٍ؛ هر کسی روزی را برای خدا اعتكاف کند، خداوند بین او و آتش [جهنم] سه خندق فاصله قرار می‌دهد (و او را از آتش دوزخ نجات می‌دهد).

احکام شرعی: حکم اعتكاف زنی که شک در حیض یا استحاضه دارد، چه در روز اول یا دوم یا سوم چیست؟ آیا قضا بر او واجب است؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اگر حالت قبلی او پاک بودن است، به شکش اعتنا نکند.

گلستان پندها: نقش اعتكاف در مقابله با تهاجم فرهنگی: در فرهنگ اسلامی روی آوردن به اعتكاف، افزون بر بهره‌برداری از فیض معنوی آن، جهادی مقدس نیز به شمار می‌آید؛ زیرا این مراسم عبادی - معنوی، نقش بسیار مهمی در رویارویی با نفوذ فرهنگ بیگانه ایفا می‌کند. جوانی که در مراسم اعتكاف، طعم شیرین ایمان و انس با خداوند را می‌چشد، لذت‌های مادی و شهوانی در دیدگانش حقیر و بی‌ارزش می‌شود و به آسانی در گرداب فساد و باورهای ضد دینی نمی‌افتد. از سوی دیگر، چنین مراسمی خود پیامی عملی و درسی عبرت‌آمیز برای مردمان است. حضور جمعی از مؤمنان در مسجد برای عبادت، در حقیقت نوعی دعوت به خداپرستی و دین‌مداری است و آثار سازنده‌ای در جامعه خواهد داشت. از این‌رو، در رویارویی با تهاجم فرهنگی دشمن، نباید نقش مؤثر سنت‌هایی که در باور عمومی مردم ریشه‌های عمیق دارند، نادیده انگاشته شوند. بی‌تردید، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، هیئت‌های مذهبی، زیارت و اعتكاف نقش مهمی در تربیت جامعه و گسترش فرهنگ دینی ایفا کرده و می‌کنند. این مقوله‌ها با آثار مثبت جانبی که دارند، اهرم‌های توانمندی در مقابله با فرهنگ بیگانه‌اند. در دوران ما که زندگی ما شینی و پیچیدگی‌های آن، دیدگان انسان را به خود خیره کرده، روابط اجتماعی گسترده شده و خلاصه دامنه سرگرمی انسان به جلوه‌ها و مظاهر مادی توسعه‌یافته است، تأکید بر نقش سازنده اعتكاف، ضرورتی دو چندان می‌یابد؛ زیرا اعتكاف انس با معشوق و تجربه دینی است که زمینه را برای گسترش فرد از

سرگرمی‌های پوچ فراهم می‌آورد و آدمی را با خداوند پیوند می‌دهد و از آفت خدا فراموشی و از خود بیگانگی نگه می‌دارد. سمیه
عزیزی

منبر بیست و یکم: اعتکاف توفیقی است برای پیراستن جان و صفا بخشیدن به روح و تطهیر صحیفه اعمال!

آیه: «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان: ۱۷)؛ پسر من! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است!

حدیث: "مَنْ اغْتَكَفَ يَوْمًا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَةَ خَنَاقٍ"؛ هر کسی روزی را برای خدا اعتکاف کند، خداوند بین او و آتش [جهنم] سه خندق فاصله قرار می‌دهد و او را از آتش دوزخ نجات می‌دهد.

دانستنی‌های اعتکاف: بایسته‌های اعتکاف: ۱- آمادگی و مهیا بودن: معتکف باید قبل از ورود به اعتکاف خود را آماده کند، اعتکاف به معنای فرار از مردم و استراحت در گوشه مسجد نیست، اعتکاف یک ضرورت است که هر مسلمانی در هر سال یک نوبت نسبت به اعمال خویش باید محیطی را فراهم نماید که در آن به فکر و محاسبه بپردازد. بعید است کسانی که به این قصد راهی مسجد می‌شوند غافل باشند. اگر بخواهید به یک مسافرت زمینی بروید، روزها بلکه ماه‌ها قبل نسبت به همه امور آن فکر می‌کنید. در مورد وسیله ایاب و ذهاب، توشه راه، محل اقامت، سردی و گرمی هوا و ... در صورتی که این سفر مشکل و سرنوشت ساز است.

۲- انجام عبادات مستحبی: دعوت و دعای بندگان عبارت است از اینکه بنده خدا با خواندن پروردگارش عنایت پروردگار را به سوی خود جلب نمایند و خواندن خدا به این است که خود را در مقام عبودیت و مملوکی قرار دهد. به همین جهت عبادت در حقیقت دعا است، چون بنده در حال عبادت خود را در مقام مملوکی و اتصال به مولای خویش قرار می‌دهد و اعلام تبعیت و اقرار به ذلت می‌کند تا نظر لطف خدا را با مقام مولویت و ربوبیتش به خود معطوف سازد، دعا هم عیناً به همین معناست.

۳- حضور قلب در اعتکاف: برای انجام عبادت فقط حضور جسم کافی نیست بلکه باید عبادت این چنینی و با این وسعت را توأم با حضور قلب انجام داد و آن را سبک نگرفت. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: همان‌طور که برای کسب مال و منال و برای مباحثه و مطالعه وقت موظف قرار می‌دهد، برای این عبادات نیز قرار دهد که در آن وقت فارغ از امور دیگر باشد تا حضور قلب که مغز و لب عبادت است برای وی میسر باشد.

اخلاق: اعتکاف و نشستن در نزد دانشمند: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام: نشستن يك ساعت در پیش دانشمند دوست‌تر است به سوی خدا از عبادت يك سال که هیچ معصیت خدا را نکرده باشد و نگاه کردن به عالم دو ست‌تر است به سوی خدا از اعتکاف يك سال در مسجدالحرام و زیارت دانشمند دو ست‌تر است به سوی خدا از هفتاد حج و عمره و بهتر است از هفتاد مرتبه طواف خانه‌ی خدا و خدا برایش هفتاد درجه بلند گرداند و خدا به هر حرفی که از دانشمند می‌آموزد ثواب هفتاد حج قبول شده در نامه‌ی عملش می‌نویسد و بر او رحمتش را فرو می‌فرستد و فرشتگان گواهی دهند که بهشت بر او واجب است.^۱

احکام شرعی: آیا جایز است دانشجویان معتکف درس‌های دانشگاهی خود را مرور کنند؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اشکال ندارد.

گلستان پندها: اعتکاف مجموعه‌ای مرکب از مهم‌ترین عبادات واجب و مستحب است؛ لذا معجونی است شفا بخش و سازنده؛ هم اثر نماز در آن است - که یاد خدا و بازدارندگی از گناهان باشد - و هم نتیجه روزه - که سزی از اسرار الهی است - چنانکه حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: "الْصَّوْمُ سِرٌّ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَبْدِ؛ روزه سزی بین خدا و بنده است"؛ و هم پاداش آن خدا و با خدا است که "الْصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْزَى بِهِ؛ روزه برای من است و من جزا می‌دهم (و یا من جزای او هستم)". مخصوصاً روزه ایام البیض در ماه رجب آثار ویژه‌ای دارد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: "هر کس سه روز از وسط ماه رجب (سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم) را روزه بدارد و در شب‌هایش به نماز شب قیام کند، از دنیا رحلت نمی‌کند مگر با توبه نصح". علی علیه السلام فرمود: "هر کس یک روز از ماه رجب را در اول یا وسط یا آخر آن روزه بگیرد، گناهان او بخشیده می‌شود". امام صادق علیه السلام فرمود: "کسی که ایام البیض از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند به ازای هر روز، ثواب روزه‌داری و شب زنده داری یک سال را برای او بنویسد و در روز

^۱ فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ص ۴۱۲

^۲ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۹۴

قیامت، در جایگاه ایمن شدگان از آتش دوزخ خواهد ایستاد.^۱ همچنین بعضی از تروک حج در اعتکاف وجود دارد؛ مانند ترک نگاه به آینه و عطر زدن و مجادله و... که تمرین دوری از محرّمات است و بخشش گناهان را در پی دارد؛ و هم دعا در آن است که مغز و مخ عبادات به شمار می‌رود. "الدُّعَاءُ مَحُّ الْعِبَادَةِ وَلَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ؛ دعا مغز عبادت است و کسی با [داشتن حالت] دعا به هلاکت نمی‌رسد". را ستی اگر این مجموعه عبادات، با زمزمه نماز شب و اعتراف به گناهان همراه شود، چه آثار گران سنگی در پی خواهد داشت.

آیا انسان می‌تواند نذر کند که در شهر دیگری معتکف شود؟ آیت الله تبریزی: مانعی ندارد، باید روزه‌اش در آنجا صحیح باشد و نذر اعتکاف در شهر دیگر، نذر روزه نیست. اگر در يك شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می‌تواند معتکف شود. اگر جای خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود مشخص کند، چنین قصد لغو است و لازم نیست حتماً در آنجا معتکف شود. اگر معتکف جنب شود و با حال جنابت در مسجد بماند اعتکاف او باطل است. چون توقف او در مسجد، حرام است. اگر جای شخص دیگری را غصب کند، یا عمداً بر فرش غصبی بنشیند، هر چند گناه کرده است ولی اعتکافش باطل نیست. اگر کسی از روی فراموشی یا جهل به مسئله، بر فرش غصبی بنشیند، اعتکاف باطل نیست. اگر جای کسی را که معتکف بوده غصب کند، فرموده‌اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل بود یا عمد بود و حال پشیمان شده و جای خود را عوض کند، اعتکاف او صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد آیا کفاره دارد یا خیر؟ آیت الله بهجت: در فرض مذکور اعتکاف او صحیح است و در صورت بطلان کفاره ندارد. آیت الله خامنه‌ای: اعتکاف صحیح است و کفاره هم ندارد. آیت الله سیستانی: عمداً هم اگر باشد اعتکاف صحیح است. آیت الله فاضل: علی‌ای حال اعتکاف صحیح است. آیت الله مکارم: اگر جاهل به موضوع باشد، اعتکافش صحیح است ولی اگر غصب بودن را می‌دانسته و حکم اعتکاف را نمی‌دانسته، اعتکاف او صحیح نیست و توبه در اینجا مشکل را حل نمی‌کند. آیت الله تبریزی: چنانچه غافل بوده اعتکافش صحیح است و اگر جاهل متردد بوده یا عمد بوده اعتکافش صحیح نیست. لکن کفاره ندارد. اگر کسی را که زودتر از او در مسجد رفته، بیرون کند و جایش را بگیرد، اعتکافش صحیح است یا نه؟ آیت الله صافی گلپایگانی: بنا بر احتیاط، اعتکاف او باطل می‌شود، باید اگر اتمام اعتکاف بر او واجب شده، آن را تمام نماید و اگر اعاده آن، واجب است، پس از اتمام اعاده نماید. آیت الله بهجت: اگر مکان منحصر به آنجا باشد بنا بر اقوی اعتکافش باطل است. آیت الله مکارم: خالی از اشکال نیست. آیت الله فاضل: بلی اعتکاف او صحیح است و بطلان آن محل منع است. آیا گذاشتن وسائل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می‌شود؟ آیت الله مکارم: هر گاه به موقع در مسجد حضور یابند بعید نیست موجب حق سبق باشد. آیت الله بهجت: می‌شود.

^۱ بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰

منبر بیست و دوم: تشویق و زمینه سازی برای جامعه یکی از اقداماتی است که مسئولان باید قبل از فرارسیدن ایام به آن توجه ویژه نمایند که در این زمینه باید سلیقه هنری به خرج داد و از نصب بنرهایی که تنها به نام مساجد و آمار اکتفا کند خودداری کرد و می توان با نصب شعارنوشته ها، جملات ادبی و اشعار، سخنان علما و بزرگان و نوشته های حاوی آیات و روایات باعث ترغیب اقشار مختلف شد. در این زمینه زیرنویس تلویزیونی، تبلیغات در خبرگزاری ها و سایت های مختلف و پیامک های انبوه می تواند تأثیرگذار باشد.

آیه: «وَلَا تُضَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان: ۱۸)؛ (پسرم!) با بی اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

حدیث: عن میمون بن مهران: "كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّ قُلَانًا لَهُ عَلَى مَالٍ وَ يَرِيدُ أَنْ يَحْبِسَنِي، فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا عِنْدِي مَالٌ فَأَقْضِي عَنْكَ. قَالَ: فَكَلَّمَهُ، قَالَ: فَلَيْسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعْلُهُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَذْسَيْتَ اعْتِكَافَكَ؟ فَقَالَ لَهُ: لَمْ أُنْسَ وَ لَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْذُ عَنْ (جَدِّي) رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَزَّوَجَلَّ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ، صَائِمًا نَهَارَهُ، قَائِمًا لَيْلَهُ"؛ از میمون بن مهران: در خدمت حسن بن علی علیهما السلام نشسته بودم که مردی آمد و عرض کرد: یابن رسول الله! فلانی از من مبلغی پول طلبکار است و می خواهد مرا حبس کند. امام فرمود: به خدا من پولی ندارم که بدهکاری تو را بپردازم. پس با آن مرد سخن گفت. میمون می گوید: امام علیه السلام کفش های خود را پوشید. من عرض کردم: یابن رسول الله! فراموش کردید که در حال اعتکاف هستید؟ حضرت فرمود: فراموش نکرده ام اما از پدرم شنیدم که از قول جَدَم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که در راه برآوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد چنان است که خدا را نه هزار سال، روزه دار و شب زنده دار، عبادت کرده باشد.

دانشستنی های اعتکاف: ۴- رعایت اصل پاکیزگی در اعتکاف: قرآن کریم در آیه ۱۲۵ سوره بقره خطاب به حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهمالسلام) می فرماید که -حرم خدا را از بت سازی و از پلیدی پاکیزه سازید- پاکیزگی هم از نظر جسمانی و هم از نظر روحی و روانی باید در اعتکاف رعایت شود، پاکیزگی تنها پاکیزگی جسمی و لباس نیست اگرچه لباس هم باید از نجاست و کثیفی دور باشد.

۵- رعایت اصول بهداشتی و نظافت: یک معتکف و مؤمن باید در طول اعتکاف علاوه بر اینکه به عبادت خدا می پردازد از محیط و محل اعتکاف نیز مراقبت کند تا نظافت رعایت شود، زیرا رعایت نظافت هم جزئی از ایمان است. باید لوازم بهداشتی از قبیل حوله شخصی، پتو، مسواک، ظرف غذا و ... را نیز به همراه داشته باشد.

۶- پرهیز از زیاده روی در خواب: هدف اعتکاف عبادت و راز و نیاز است. این مهم با زیاده روی در خواب منافات دارد. یک معتکف باید تمام تلاش خود را معطوف به این کند که حداکثر بهره برداری را از این فرصت معنوی بنماید.

۷- صرف افطار و سحری به صورت دسته جمعی: سعی شود زمان صرف افطار بعد از نماز مغرب و عشاء به گونه ای برنامه ریزی شود که به صورت دسته جمعی صورت گیرد تا خدا صفا و صمیمیت خاص به جمع معتکفین بخشد، همچنین سحری نیز به صورت دسته جمعی صرف گردد، زیرا این عمل همدلی، اخوت و برادری را افزایش می دهد. همچنین معتکف خوب است در ایام اعتکاف یک رادیوی کوچک یا روزنامه های یومیه داشته باشد تا از اخبار و مسائل روز کشور بی خبر نماند. البته این مورد باید به صورت محدود صورت گیرد، زیرا اصل اعتکاف عبادت است، اگرچه مطالعه و اطلاع از اخبار روز به نوعی لازم است ولی نباید اصل را تحت الشعاع قرار دهد.

اخلاق: آثار اخروی اعتکاف: آمرزش گناهان: (توبه) "وَمَنْ اعْتَكَفَ إِيْمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ" اعتکاف از روی ایمان و یقین، باعث مغفرت معتکف می شود. نزدیکی به خدا: در حدیث معراج، خداوند از پیامبر خود سؤال می کند آیا از آثار گرسنگی و سکوت و خلوت مطلع هستی؟ سپس جواب می دهد که یکی از آثار آن، تقرب بنده به سوی من (خدا) است. گرسنگی، سجده، سکوت از غیر کلام خدا و خلوت، همگی در اعتکاف جمع هستند و با این اعمال به خدای سبحان تقرب می جویند. جلب محبت خدا:

^۱ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹

^۲ کنز العمال، ج ۲۴۰۰۷

یکی از آثار برجسته اعتکاف، حب خداوند تبارک تعالی است «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵)؛ آنان که ایمان آورده‌اند شدیداً دوست دار خدا هستند. تحصیل بهشت الهی: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (مؤمنون: ۹-۱۱)؛ آنان که از نمازهایشان محافظت می‌کنند آنان وارثان‌اند آنانی که بهشت را به ارث می‌برند و در آن جاودانند. بی شک اگر معتکف، بتواند در ایام اعتکاف، آن طور که باید و شاید رفتار نماید و رضایت حق تعالی را جلب کند؛ به درجاتی که برای مؤمنان، در نظر گرفته شده، خواهد رسید.

دعا، سخنی با یار:

۱- اَدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر: ۶۰)؛ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.

۲- اَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ؛ بالاترین عبادت دعاست.

۳- مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِنْ فَضْلِهِ افْتَقَرَ؛ هر کس از خدا نخواهد فقیر گردد.

۴- عَلَيْكُمْ بِالْأَعْيَادِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرَبُونَ بِمِثْلِهِ؛ بر شما باد دعا زیرا چیزی همانند او، شما را به خدا نزدیک نمی‌کند.

۵- أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ؛ محبوبترین اعمال در پیشگاه خدا در روی زمین دعاست.

۶- الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ؛ دعا اسلحه مؤمن ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است.

۷- عَلَيْكَ بِالْأَعْيَادِ فَإِنَّهُ شَفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ بر تو باد دعا زیرا دعا شفای هر دردی است.

۸- الدُّعَاءُ تَرَسُّ الْمُؤْمِنِ؛ دعا سپر مؤمن است.

۹- الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ؛ دعا عبادت است.

احکام شرعی: گاهی در جواب استفتائات ما را به عرف ارجاع می‌دهید. مراد از عرف چیست؟ چه کسی می‌تواند آن را تشخیص دهد؟ اگر در تشخیص آن اختلاف شود چه باید کرد؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مراد از عرف، نظر عرفی خود مکلف است.

گلستان پندها: فر صتی دوباره: فر صتی می‌خواهی تا فارغ از هیاهوی پایان‌ناپذیر زندگی، چند روزی با خودت خلوت کنی. فر صتی می‌خواهی تا بر سفره عشق میهمان شوی و جامه تعلقات برکنی، با خدای خویش خلوت کنی و پا به پای ام داود، زیارت رجبیه بخوانی. فر صتی می‌خواهی تا معتکف کوی عشق شوی. اعتکاف، فرصت خلوتی عاشقانه است. اعتکاف، استوار سازی شانه‌های لرزانی است که از بار سنگین گناه، دیگر قامت ایستادن ندارد. اعتکاف، سجده دوباره فرشتگان است بر اشک‌ها و ندبه‌ها و سجده‌های آدمیان. اعتکاف، احرامی است در میقات حضور، با نور و شعور. اعتکاف، تطهیر قلب‌هاست در سجاده سبز «توبه». اعتکاف، گستره محراب عشق است در کوی دوست؛ عشق‌بازی روح است دور از نفس سرکش، در سبزترین مکان، در نورانی‌ترین زمان. اعتکاف، تلاوت آیه‌های سوره حضور است در سجاده اشک. اعتکاف، لب‌هایی است که عاشقانه به زمزمه نیایش، روح پریشان خود را شستشو می‌دهند. اعتکاف، تفرج روح است در خلوت عشق. اعتکاف، یافتن حقیقت پنهان روح است در فراموشی نفس. اعتکاف، بهترین بهانه برای صعود به ملک نفسانی و بازگشت به فطرت رحمانی است. اعتکاف، غوطه‌ور شدن در دریای روشن امید است؛ فرصت سبزی است برای آموختن طریقت دلدادگی و رسم و راه عاشقی. اعتکاف، بریدن است و وصل شدن؛ پایان است و آغاز. اعتکاف، شکستن است و پیوند خوردن؛ شکستن قفس نفس و پیوند خوردن به آسمان. اعتکاف، میقاتی است دوباره. اعتکاف، تمرین خودسازی است. اعتکاف، مبارزه برای رسیدن به یقین است. اعتکاف، فرصتی است برای سبز شدن. فاطمه حیدری

منبر بیست و سوم: سازمان‌دهی خادمان اعتکاف و علاقه‌مندان به کار اجرایی در مساجد مختلف که این امر را می‌توان با شناسایی و ثبت نام این افراد و بررسی توانایی‌های آنان و برگزاری جلسات توجیهی برای آشنایی هر چه بیشتر به وظایف خود انجام داد.

آیه: «وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (لقمان: ۱۹)؛ (پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است.

حدیث: الإمام الصادق علیه السلام: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ [يعني من رَمَضانَ] اعتكف في المسجد وَ ضَرَبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرِ وَ شَمَّرَ الْمِيزَرَ وَ طَوَى فِرَاشَهُ»؛ امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ده روز آخر ماه رمضان را در مسجد اعتکاف می‌کرد. در این مدت برای آن حضرت چادری سیاه برپا می‌شد و ایشان دامن به کمر می‌زد و بسترش را برمی‌چید.

دانشتنی‌های اعتکاف: ۸- تنظیم برنامه روزانه: یک معتکف باید به محض ورود به مسجد جامع جهت اعتکاف برای فعالیت‌ها و انجام عبادات روزانه خود برنامه‌ای را مدون و تنظیم کند. همان‌طور که می‌دانید یکی از اصول موفقیت انسان داشتن برنامه است و هر فعالیتی که بدون برنامه‌ریزی صورت گیرد نمی‌توان از آن نهایت استفاده را نمود و تهیه یک جدول روزانه که دربرگیرنده کلیه برنامه‌های یک اعتکاف کامل می‌تواند بر غنای آن بیافزاید.

۹- خلوت‌گزینی: جهت بهره‌گیری بیشتر از فیوضات این ایام شریف، بایسته است که شخص معتکف حتی المقدور چند دقیقه از برنامه‌های روزانه خود را به خلوت و تنهایی اختصاص بدهد. خلوت کردن به معنای عزلت‌گزینی نیست، بلکه غور در خویش است.

۱۰- دوری از غیبت: هدف از اعتکاف خالص شدن و به سوی خدا گام برداشتن است، غیبت از جمله گناهانی است که اعمال صالحه را از بین می‌برد، اگر خدای نکرده غیبتی از ما صورت گیرد باعث می‌شود تا ما اجر این مشقت و سختی را که با انجام اعتکاف برای خود سازی متحمل می‌شویم به راحتی از دست بدهیم و خسر دنیا و الاخره شویم. همچنین در این ایام از بحث‌های دنیوی پرهیز نماییم.

۱۱- توبه و انابه: اعتکاف بهترین تمرین است برای بازگشت به خویشتن خویش و نزدیک‌ترین راه است جهت حرکت در مسیر الهی الله و صراط مستقیم. با توجه به انابه می‌توان اعوجاجات و انحرافات به وجود آمده در مسیر زندگی را راست کرد و دوباره در جاده اصلی خوشبختی و سعادت ادامه مسیر داد.

اخلاق: حضرت آیت الله جوادی آملی: شما معتکفان مخصوصاً جوان‌ها همتتان بلند باشد. خدای سبحان در انجام وعده در قضای حاجت فرقی بین قلیل و کثیر نمی‌گذارد. از يك سو، ما پرورده اهل بیتیم. آن‌ها ما را به همت والا فراخواندند. وجود مبارك پیامبر اکرم (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَوَادٌ يُحِبُّ الْجُودَ وَ مَعَالَى الْأُمُورِ وَ يَكْرَهُ سَفْسَافَهَا» خدا همت‌های بلند را دوست دارد نه تنها با آن درگیر نیست یا مزاحمت نمی‌کند یا منع نمی‌کند همت بلند را دوست دارد همت نازل محبوب خدا نیست برای خدا فرق نمی‌کند دعاهايتان را تو سعه بدهيد خواسته‌هايتان را تو سعه بدهيد. این ذوات قدسی این دعاها را به ذات اقدس الهی عرضه می‌کنند و خدای سبحان می‌پذیرد. اگر او «أَقْرَبُ إِلَيْنَا مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» یعنی تمام تلاش و کوشش ما این باشد که این حجاب‌ها را برطرف بکنیم این غبارها را و به تعبیر آیه قرآن کریم «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» را برطرف کنیم این رین را این غبار را این چرک را برطرف کنیم تا بیدار بشویم و ببینیم آن چشمی که در سوره‌ی حج فرمود برخی‌ها چشم دلشان کور است را با جزأی بینا کنیم بیدار کنیم «لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ». این دعاها این عبادت‌ها این اعتکاف‌ها سهم تعیین‌کننده‌ای در شستشوی این صحنه دل دارد اگر این رین‌ها برطرف بشود انسان به مقدار خود خدا را می‌شناسد.

اعتکاف، خلوتی با معبود:

۱- كُلُّ مُحِبٍّ يَجِبُ خَلْوَةً حَبِيبَةً؛ هر محبی دوست دارد که با محبوب خویش خلوت کند.

۲- الْمُعْتَكِفُ يَعْتَكِفُ الدُّنُوبَ؛ معتکف با اعتکافش گناهان را حبس می‌کند.

۳- الْإِنْفِرَادُ رَاحَةٌ الْمُتَعَبِّدِينَ؛ خلوت گزیدن آسایش عبادت گران است.

۴- فِي الْإِنْفِرَادِ لِعِبَادَةِ اللَّهِ كُنُوزُ الْأَرْبَاحِ؛ در خلوت گزیدن برای عبادت خدا گنجینه‌های سودمند است.

۵- فَقَالَ يَا رَبِّ، كَيْفَ آدَوَمَ عَلَى ذِكْرِكَ فَقَالَ بِالْخَلْوَةِ عَنِ النَّاسِ در حدیث قدسی گفت: پروردگارا چگونه دایم به یاد تو باشم؟ گفت: با خلوت از مردم

احکام شرعی: اگر معتکف از روی عمد یا نادانی یا فراموشی و یا سهواً مرتکب بعضی از حرام‌های اعتکاف شود، آیا اعتکافش باطل می‌شود؟ اگر نسبت به نوع حرام، حکم مختلف می‌شود، لطفاً توضیح دهید.

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): برای شناخت تفصیلات این مطلب، به کتاب تحریرالوسیله امام مراجعه کنید.

گلستان پندها: دنیایی از نور و صفا: وقتی وارد مسجد شدم، فکر کردم دنیایی نور و صفا به صورتم تابیده شد. آن وقت اشک از چشمانم جاری گردید. دست خودم نبود. خود اشک‌ها بی‌تاب‌تر از من بودند. بسم‌الله گفتم و انگشت اشاره‌ام را بردم به طرف چشمم، قطره‌های اشک برداشتم. انگشتم خیس شد، بوسیدمش. خیلی دلم برای خدا تنگ شده بود. امسال دوست دارم از ثانیه ثانیه‌هایش استفاده کنم. دوست دارم آن قدر خوب باشم تا خدا، سال دیگر برایم کارت دعوت عشق بفرستد. خدایا! می‌دانم اگر از تو بخواهم، حتماً دعوت می‌کنی. مگر می‌شود کسی را که یک سال انتظار کشیده، دعوت نکنی. مگر می‌شود بنده حقیری را که برای عشق سر به سجده ساییده و اشک ریخته، تنها بگذاری. خدایا! مثل آفتابگردان، روی مرا به طرف خودت بگیری و نگذار غیر از تو را دوست داشته باشم. خدایا! مرا از معتکفان واقعیات قرار ده. آمین! سمیه عزیزی

نزدیکی به خدا: پس انسان معتکف از چند جهت به خدا نزدیک است. روزه‌اش مایه‌ی قرب اوست؛ چون آن را قربۀ الی الله انجام داده. نمازش مایه‌ی قرب اوست؛ چون "الصلاة قربان کل تقی"^۱ حضورش در مسجد، مایه‌ی تقرب اوست؛ چون در خانه‌ی کسی است که بندگان روزه‌دار و صالح خود را نومید بر نمی‌گرداند. اعتکاف او هم به خودی خود ابزار تقرب اوست. خواهران و برادران در پیشگاه ذات اقدس پروردگار، دعای کلی و وسیع و جامع داشته باشند تا سرا سر جهان اسلام از گزند استکبار و دیگران نجات پیدا کند. هم نظام اسلامی از شر ابرقدرت‌ها رهایی یابد و هم ملل اسلامی از سلطه‌ی ستمگران نجات یابند. نظام اسلامی، حامی اعتکاف است. مراجع تقلید و مدرسان و علمای معظم، حامی اعتکاف‌اند. طلاب گرانقدر حامی و علاقه‌مند به اعتکاف‌اند. همه‌ی اقشار مردم اعم از روحانی و غیر روحانی در کنار مائده‌ی اعتکاف حضور دارند؛ چه بهتر که از این فیض و فوز الهی بهره‌ی جامع بگیریم و نه تنها به فکر خود و نزدیکان خود بلکه به فکر اسلام و مسلمین باشیم و برای همه دعا کنیم. به امید آن روز که غرب و شرق عالم در پیشگاه قرآن و عترت و ذات اقدس الهی معتکف باشند.

^۱ الأمالی (للمصنوع)، ص ۳۵۷

^۲ غرر الحکم، ص ۶۶۱

^۳ میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۷۵

^۴ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۳

منبر بیست و چهارم: غبارروبی، آذین‌بندی و زیباسازی فضای مسجدهای محل برگزاری اعتکاف برای ایجاد فضای معنوی هر چه بیشتر می‌تواند مثمر ثمر باشد که در کنار آن مساجدی که از لحاظ سرویس‌های بهداشتی و حمام دچار مشکل هستند از روزهای قبل از شروع اعتکاف اقدام به تجهیز و بهسازی این اماکن نمایند و این اقدامات را به روزهای منتهی به ایام اعتکاف نمایند.

آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ» (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند نگه دارید.

حدیث: "مَنْ إِغْتَكَفَ إِيْمَانًا وَاخْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ"؛ هر کس از روی ایمان و حسابگری معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود. (و همچون انسانی که تازه از مادر تولد یافته، خواهد بود. این نشان می‌دهد که اعتکاف آن قدر اهمیت دارد که می‌تواند گناه گذشته انسان را پاک کند).

دانستنی‌های اعتکاف: ۱۲- اخلاص در عبادت: شرایط و پذیرفتن عبادت بندگان از سوی خدای متعال اخلاص در عبادت است، اگر عبادتی از سر اخلاص نبوده و آلوده به ریا و شرک باشد از سوی حق تعالی پذیرفته نیست و هیچ اجر و پاداشی هم برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. حضرت امام (ره) در این خصوص می‌فرمایند: در هر صورت اخلاص در تحصیل و تجرید از مهمات سلوک است، کسانی که برای خدا کار می‌کنند هیچ وقت باخت در آن نیست، آن‌هایی که برای دنیا کار می‌کنند باخت دارند که اگر نترسیدند خوب باختند و عمرشان را هم هدر دادند.

۱۳- پرهیز از زیاده‌روی در شوخی: شوخی و خنده زیاد اگر از حد بگذرد باعث ایجاد کدورت و رنجش دوستان می‌شود. حتی المقدور سعی گردد جهت نهایت استفاده از فضای معنوی اعتکاف از شوخی و مزاح بیهوده و سخنان غیر ضروری امتناع گردد. سرانجام بسیاری از شوخی‌ها تمسخر و غیبت است، پس چه بهتر که از همان ابتدا از ورود آن به محافل دو ستانه جلوگیری به عمل آید، با مشغول شدن به عبادت جایی برای شوخی بیهوده باقی نمی‌ماند.

۱۴- شکر گذاری به درگاه خداوند: انسان باید در هر جا شکر گذار نعمت‌های الهی باشد و نسبت به آنچه که خداوند به او عطا کرده است شکر نماید، باید از اینکه این سعادت را یافته تا سه روز را به عبادت و بندگی خداوند بپردازد و در جمع معتکفین به سر برد خدای خویش را شاکر و سپاسگزار باشد.

اخلاق: آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری: چه عبادت عجیبی، هم خود عبادت است و هم عبادات دیگر را در خود دارد. نماز دارد، آن هم چه نمازی؛ در اول وقت، به جماعت، با حضور قلب، به دور از ریا، با تضرع و خشوع، روزه هم دارد و آن هم چه روزه‌ای، در بهترین ایام، در حالی که همه اعضای وجود انسان روزه‌دار است. زبان، چشم و قلب، همه در روزه‌اند. دعا نیز دارد، آن هم چه دعایی، در خلوت، با وضو، در حال روزه، در بهترین اوقات شبانه روز و در بهترین زمان سال. توبه آن هم چه توبه‌ای، همچون توبه نصوح، با بهترین حالت و در بهترین روز خدا. پس چه خوب است برای تقرب بیشتر به درگاه خداوند، اعتکاف را تجربه کنیم.

بخشش گناهان: انسان اگر کمترین توجهی به پرونده خویش داشته باشد، می‌بیند کوله باری از گناهان، آن را پر کرده است. اعتکاف فرصتی است برای تخفیف بار گناهان و باید در اعتکاف عرضه داریم که:

ای عفو تو شامل گناهان ای مرهم قلب خسته من بر خسته‌دلان شفای دردی بنگر ز گنه چه تیره روزم	کوی تو پناه بی‌پناهان ای راز دل شکسته من محروم نکرده دردمندی چون شمع به درگهت بسوزم
---	--

احکام شرعی: آیا می‌توان به علتی یا بدون علت در روز اول یا دوم اعتکاف را قطع کرد؟ اگر در قطع کردن اعتکاف تردید کنم، آیا نیت آن از بین می‌رود و در نتیجه اعتکاف باطل می‌شود؟ آیا لازم است که نیت مستمر باشد؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): در اعتکاف مستحبی جایز است که در روز اول و دوم اعتکاف قطع شود و نیت اعتکاف باید تا پایان روز سوم ادامه پیدا کند.

گلستان پندها: بر گلیم اعتکاف: اله! ای کریمی که یادت، دل را می‌رباید و نامت، سینه را می‌شکافد؛ اکنون و در میان پاکان سجاده‌نشین، زبان به ذکر جمیلت گشوده‌ایم و سرخوش از باده مهریم. جز تو را نمی‌جوئیم و جز تو را نمی‌خواهیم که

ما از تو به غیر از تو نداریم تمنا **** حلوا به کسی ده که محبت نچشیده است

کریم! بر گلیم اعتکاف، زیر خیمه مناجات نشستیم تا نام تو را که اکسیر بقاست، زمزمه کنیم و نشان عاشقی را بر سینه دردآلود خود ببابیم. ای آنکه زلالی آب از توست، بلندی آسمان از تراوش یک نگاه توست، نسیم از تو چالاک است و کشتزار کهکشان‌ها، خوشه‌ای از خرمن وجود توست، ما را بپذیر و بر ما عیب مگیر که گدایانیم و غریبان بی‌پناه. آمرزگار! اگر مرا نیافریده بودی، زنجیر قهرت را بر پای که می‌بستی؟ طلای آمرزش را بر گردن که می‌آویختی؟ به بی‌همتایی صفات سوگند که خسته‌ام. تو می‌دانی و من نمی‌دانم؛ پس تحمل کن نادانی‌ام را. ای بزرگ متعال! خرسندم از تو؛ از نانی که در سفرهام نیست؛ از طینتی که در صدایم نیست؛ از شکوهی که در شهرتم نیست. بیا تا در آغوش گیریم این تنهایی را که فقط میان من و تو افتاده است. سبک می‌شوم آن گاه که تو را در خود می‌ریزم؛ گرانبارم از این همه بی‌تو بودن. هر جا نشانی از تو می‌جویم، همان جا گم می‌کنم. می‌شنوم خنده‌های شیرین را هرگاه که اسب شعورم را زین می‌کنم. اکنون ماییم؛ بندگان گنه‌کارت که زیر درخت اعتکاف، به کرده‌ها و ناکرده‌های خود اعتراف می‌کنیم. ای قادر بی‌چند و چون آمده‌ایم و آماده‌ایم. ای خدای بزرگ! محمد را در غار حرا، نزد خود خواندی و بر خوان تقرب نشاندی. علی را مدینه و کوفه دادی تا شب‌ها بر سر چاه رود و خون دل فرو ریزد. فاطمه را در بیت الاحزان پذیرایی کردی تا غم دل با تو گوید و بار اندوه بر زمین گذارد. ما نیز به اعتکاف آمده‌ایم تا از خوان تقرب، لقمه بگیریم و کوه اندوه بر زمین عبادت گذاریم. به یاد تو به یاد خوبان درگاهت، از همگان کناره گرفته‌ایم و روزی چند زبان نمی‌چرخانیم جز به مناجات و چه شمع نمی‌گشاییم جز به امید دیدار و لقمه بر دهان نمی‌گذاریم جز آنگاه که اذان معرفت را از مناره ایمان بشنویم. ما را که سجاده اعتکاف گسترانده‌ایم و زبان اعتراف گشوده‌ایم، نزد خویش بخوان و از درگاهت مران! رضا بابایی

منبر بیست و پنجم: یکی از مشکلات عمده معتکفین در بسیاری از مساجد وعده‌های غذایی جهت سحر و شام است که بعضی اوقات حتی خانواده‌ها را هم به زحمت می‌اندازد که بایستی مسئولان این مشکل را با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح مرتفع سازند.

آیه: «وَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۲) (و ابراهیم و یعقوب (در واپ سین لحظات عمر)، فرزندان خود را به این آیین، و صیت کردند؛ (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند): فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام [= تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید!

حدیث: الإقبال عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَام يَقُولُ: "عُمْرَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَاعْتِكَافٌ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّةً، وَاعْتِكَافٌ لَيْلَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعِنْدَ قَبْرِهِ يَعْدِلُ حَجَّةً وَعُمْرَةً، وَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْتِكَفُ عِنْدَهُ الْعَشْرَ الْعَوَابِرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَكَأَنَّمَا اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ بَعْدَ حَجَّةٍ إِلَّا سَلَامٌ". قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: "وَلِيَحْرِصَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَلَّا يَفُوتَهُ لَيْلَةُ الْجَهَنَّمَ عِنْدَهُ، وَهِيَ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ؛ فَإِنَّهَا اللَّيْلَةُ الْمَرْجُوءَةُ" قَالَ: "وَأَدْنَى الْإِعْتِكَافِ سَاعَةٌ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ؛ فَمَنْ اعْتَكَفَهَا فَقَدْ أَدْرَكَ حَظَّهُ - أَوْ قَالَ: نَصِيبَهُ - مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ". الإقبال به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر از [امام] علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: يك عمره در ماه رمضان، برابر با يك حج است و اعتكاف يك شب در ماه رمضان، برابر با يك حج است، و اعتكاف يك شب در مسجد پیامبر خدا و کنار قبر او، برابر با يك حج و عمره است و هرکس امام حسین علیه السلام را زیارت کند و ده روز آخر ماه رمضان را نزد او اعتكاف بدارد، گویا نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معتكف شده است و هر کس کنار قبر پیامبر خدا معتكف شود، این برای او از يك حج و عمره، پس از حج واجب، برتر است. امام رضا علیه السلام فرمود: هر که امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت می‌کند، مواظب باشد که ماندن در نزد قبر آن امام در شبِ جَهَنَّمَ (شب بیست و سوم) از او فوت نشود، که آن، شبی است که مورد امید است. فرمود: کمترین حدّ اعتكاف، يك ساعت میان مغرب و عشا است. هر کس آن اندازه را اعتكاف کند، بهره خویش را از شب قدر برده است.

دانستنی‌های اعتكاف: ۱۵- سادگی در انتخاب نوع غذا: در ایام اعتكاف با توجه به اینکه افراد دیگری هم از اقشار مختلف هستند که شاید از وضع مادی خوبی برخوردار نباشند و از غذای ساده استفاده نمایند، شایسته است همه معتکفین خود را مکلف کنند که در این ایام به جهت اجتناب و دوری از زندگی مادی و همسنگ شدن با دیگران از غذای ساده استفاده و از پرخوری و صرف وقت زیاد برای تهیه غذا بپرهیزند.

۱۶- ارزشیابی و جمع‌بندی: یک شخص معتكف پس از پایان سه روز به جای آوردن اعمال اعتكاف باید به ارزشیابی و سنجش اعمال و افعال خویش در این مدت بپردازد تا بفهمد چه میزان این ایام توانسته در روحیات و منش او تأثیرگذار باشد.

۱۷- نظارت و مراقبت: حال که توفیق بزرگ نصیب شخص معتكف شده تا وی بتواند از این طریق به اجر و پاداش و سعادت دست یابد، شایسته است که با هدف حفظ این دستاورد و نیز حفظ معنویات کسب شده و جلوگیری از ضایع شدن آن به نظارت و دقت در اعمال و رفتار خویش و به مراقبت از آن بپردازد تا با انجام این عبادت در برابر امواج مسموم و کوبنده نفسانیات و مادیات و تهاجمات گسترده فرهنگی مصون بماند.

اخلاق: جز تو راهی به تو نیست/ دکتر سید محسن میرباقری: ممکن است دعا و خواندن، در واقع محقق نشود؛ زیرا خواندن رحمان امری قلبی است و زبان هم باید در خدمت قلب، کمال دعا را محقق سازد؛ چنان‌که فرموده‌اند: «خدای رحمان دعایی را که از قلب غافل و لَهو سرچشمه گیرد، مستجاب نخواهد نمود». در حقیقت درخواست غافلانه، دعا و خواندن نیست. برعکس، دعای خالص، هرگز رد نخواهد شد؛ چنان‌که در حدیث آمده است: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيَبْتَئِسْ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ»؛ هرگاه فردی

^۱ إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۱۹۵

^۲ کافی، ج ۲، ص ۱۴۸

از شما بخواهد که چیزی از پروردگارش نخواهد مگر آنکه بدو عطا کند، پس باید از همه‌ی مردم مأیوس گردد. پس باید دل را يك‌دله کرد و با امیدواری از او درخواست نمود تا اجابت، محقق گردد.

یکی از سنت‌های حسنه و مستحبات اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی احیاء گردید، سنت مبارك اعتكاف است. این سنت، در طول تاریخ اسلام و ادیان آسمانی طرفداران و عاملانی داشته و در بلاد اسلامی به طور عموم و شهرهای شیعه و مراکز حوزوی به طور خاص مورد توجه بوده است. مساجد شهرهای مقدس نجف و کربلا و کاظمین و سامرا و مشهد و قم و اصفهان و شیراز و بسیاری دیگر از شهرهای شیعه، خاطره حضور پر نور نیایشگران و معتکفان «ایام البیض» ماه رجب و احياناً دهه آخر ماه رمضان را در سینه دارد.

این عبادت که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حالت فراگیر و عمومی نداشت، در چند ساله اخیر در میان جمع کثیری از صالحان و نیکان و خواهران و برادران دینی از اقشار گوناگون اجتماعی به ویژه دانشجویان و طلاب، متداول گردیده است و مساجد بسیاری از شهرهای ایران و جهان اسلام پذیرای مهمانان خدا در ایام البیض ماه پر برکت رجب است. از آنجا که اشتغال انسان به کار و زندگی و مسؤولیت‌های اجتماعی، گاهی موجب غفلت می‌شود و توجه به کار، گاه از توجه به هدف باز می‌دارد و سبب می‌شود وظیفه بزرگ یاد خدا و توجه به خود سازی و مبدأ و منتهای هستی فراموش شود، باید عوامل غفلت را شناخت و زنجیرا سارت نفس را از پای خویشتن گشود. با همتی والا و در اولین گام از هیاهوی زندگی، از دل مشغولی‌های روزگار، از موانع اندیشه انسان، دور شد و به دنبال سکون و آرامش رفت و این کشتی توفان زده دل را به ساحلی امن رسانید و گرنه:

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل **** کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها

حرکتی باید؛ به مکانی باید رفت که حرف از دنیا و از تلخی و شیرینی آن نباشد. به جایی باید رفت که مانعی از دیدار نباشد. آنان که حجاب غفلت و خود فراموشی را بر روی چشم دل می‌افکنند توان تما شای خورشید حقیقت را در آسمان هستی ندارند؛ «و علی أبصارهم غشاوة» (بقره: ۷)؛ بر چشمانشان پرده‌ای است که توان دیدار ندارند، شب پره را با نور حقیقت چه کار!

احکام شرعی: آیا عبادات بر معتکف واجب است یا صرف ماندن در مسجد کافی است؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): عبادات مستحب، فی‌نفسه بر معتکف واجب نیست.

گلستان پندها: پیام مرجع عالی‌قدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در مورد اعتکاف: بسم الله الرحمن الرحيم

«وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْنِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالزَّكَّاجِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵)؛ در میان عباداتی که خداوند تبارک و تعالی برای تهذیب و رشد و تکامل بشر تشریع فرموده، اعتکاف از عبادت‌هایی است که ویژگی‌های مخصوص و آثار فواید مهمی بر آن مترتب می‌باشد. این عبادت آنچنان مهم است که حق تعالی دو پیامبر عظیم الشان خویش ابراهیم و اسماعیل (علی نبینا و آله وعلیهما السلام) را مأمور فرمود تا مهمترین و بهترین نقطه عالم، بیت الله الحرام را برای طواف کنندگان و معتکفین و اهل رکوع و سجود، تطهیر و آماده نمایند. اعتکاف عبادتی است که انسان خود را از همه مظاهر دنیوی جدا ساخته و در مرکزی که همیشه بندگان خدا، مشغول عبادت و راز و نیازند، پناه گرفته و با داخل شدن در حرم معنوی حق خود را محرم و مقرب خاص باری تعالی نموده و با ماندن در مسجد خود را از همه آلودگی‌ها و ظلمت‌ها و هر مقام غیر خدایی جدا ساخته و اقامت جدیدی در کوی حق را آغاز می‌نماید. با اعتکاف است که می‌توان روح بلند دعا و نیایش را به اوج رساند و به مراتب بالای قرب رسید. با اعتکاف است که به راحتی می‌توان مراتب و درجات و انواع استغفار را که در حالات دیگر معمولاً نمی‌توان به آن رسید، تحصیل نمود. در اعتکاف است که می‌توان به استغفار رجاء و حیاء، استغفار انابه و رغبه و رهبه و طاعت و استغفار اقرار و اخلاص و توکل رسید، در اعتکاف است که نفس انسان آن قدر نورانی می‌شود که به راحتی می‌تواند در وادی‌های بلند معنویت گام نهد و بالاخره با اعتکاف می‌توان به مقصود اصلی دل‌های عارفان و عابدان رسید. «یا مقصود من اناب الیه» در این شرایط عجیب و غریب روزگار کنونی و در زمانی که ظالمین و ستمکاران همه قدرت خود را برای نابودی اسلام و مسلمین به کار بسته و با قتل و تعدی و تجاوز به دنبال تسلط بر مردم مستضعف و خاموش نمودن نور خدا هستند باید مردم خصوصاً طلاب محترم و دانشجویان و جوانان عزیز خود را هرچه بیشتر مسلح به قدرت تقوی و ایمان نمایند و با نفوس پاک و مطمئن بتوانند در مقابل ظالمین بایستند. باید با اعتکاف قدرت خداوندی را در وجود خود احیا نمایند و بتوانند با همه مظاهر شیطانی و همه قدرت‌های ضد خدایی مبارزه نمایند. باید با اعتکاف نیروی قوی تقوی و ایمان را در خود مضاعف و نفس خود را به مرحله‌ای رسانند که از غیر خدا هیچ هراس نداشته باشند و بر همه وسوسه‌های نفسانی و شیاطین درونی و برونی

چیره گردند. امید دارم در سال جاری که فتنه اسرائیل بیش از گذشته آشکار گشته و در لبنان عزیز، مردان و زنان و کودکان را به طور وحشیانه آماج حملات خود قرار داده برای پیروزی آنان و همه مسلمانان و تعجیل در فرج نورانی منجی عالم بشریت ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا نماییم و عظمت اسلام و مسلمین را از خداوند متعال خواستار شویم ان شاء الله. "یا من لا یصرف السوء الا هو یا من یدبر الامر الا هو یا من لا یغفر الذنب الا هو صل علی محمد و آل محمد". محمد فاضل لنکرانی رجب المرجب ۱۴۲۷

منبر بیست و ششم: نکته‌ای که در بسیاری از مساجد توسط برگزارکنندگان اعتکاف مغفول می‌ماند قرار دادن امکاناتی جهت افراد خاص مانند جانبازان، معلولین، افراد مسن و ... است که این افراد برخی اوقات با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند که حتی می‌توان در هر مسجد خادمینی را برای برآوردن نیازهای این افراد ساماندهی نمود.

آیه: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه: ۱۳۲)؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش.

حدیث: حضرت صادق علیه السلام فرمود: "إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنِ الْغَرْشِ أَيْنَ الرَّجَبِيُّونَ؟ يَقُومُ أَنَا نَسْ يَضِيءُ وَجُوهَهُمْ لِأَهْلِ الْجَمْعِ عَلَى رُؤُوسِهِمْ تِجَانُ الْمُلْكِ وَذَكَرَ ثَوَاباً جَزِيلاً إِلَى أَنْ قَالَ: هَذَا لِمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ شَيْئاً وَلَوْ يَوْمًا مِنْ أَوَّلِهِ أَوْ وَسَطِهِ أَوْ آخِرِهِ"؛ وقتی روز قیامت شد، ندا کننده‌ای از درون عرش صدا می‌زند کجایند «رجبیون» (اهل ماه رجب) پس گروهی - که چهره آنان بر جمعیت درخشان است و تاج شاهی بر سر دارند- به پا خیزند. آنگاه امام صادق علیه السلام ثواب‌های زیادی نام برد؛ و بعد فرمود: همه این‌ها برای کسی است که قسمتی از ماه رجب را روزه بگیرد؛ اگرچه یک روز در اول یا وسط یا آخر آن باشد.

دانشتنی‌های اعتکاف: برنامه‌ریزی برای اعتکاف: ۱- تبلیغ و تبیین اعتکاف: سزاوار است که رسانه‌ها مطالبی را در خصوص این عبادات همگانی به اطلاع مردم برسانند و برادران معظم روحانی نیز احکام عملیه اعتکاف را برای معتکفین توضیح و شرح دهند.

۲- بیان فواید اعتکاف: بیان فلسفه و ثمرات عبادت، باعث تشویق و تقویت انگیزه می‌شود؛ لذا زمینه‌ساز است که فایده‌های متعدد اعتکاف برای همگان - به ویژه معتکفان - بازگو شود.

۳- مشارکت عمومی: سرمایه‌گذاری در امور خیر، به معنای سهیم شدن در عبادت و ثواب است، پس چه نیکوست افرادی که به علی توفیق اعتکاف را ندارند، از طرق دیگر در این امر مهم سرمایه‌گذاری نموده و از سود آن بهره‌مند شوند.

۴- معارفه: جهت مودت و محبت بیشتر بین معتکفان و برای جلوگیری از بروز اموری بع ضاً ناخوشایند، بهتر است بین معتکفین - مستقیم یا غیر مستقیم - معارفه‌ای صورت بگیرد.

۵- حفظ حریم: معتکفان از جهت سن، شغل، علم و ... باهم تفاوت‌هایی دارند؛ لذا لازم است اولاً حریم و شخصیت هرکدام پاس داشته شود. ثانیاً با سعه صدر و بزرگواری اختلافات (روحی، فکری و عملی) همدیگر را تحمل فرمایند.

اخلاق: پاداش بی‌حساب: خداوند برای برخی اعمال دو برابر پاداش قرار داده و برای برخی ده برابر و برای انفاق در راه خدا هفتصد برابر: «سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ» (بقره: ۲۶۱)؛ و برای جهاد در راه خدا، پاداش بَعْرِ حَسَاب، یعنی بی حد و مرز قرار داده است. یکی از اعمالی که چنین پاداشی دارد، اعتکاف است. در حدیثی آمده است که "الْمُعْتَكِفُ يَغْتَفُ الذُّنُوبَ وَيَجْزِي لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ عَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا".^۱ معتکف گناهان را متوقف نموده (و از بین می‌برد) و اجر بی‌سان اجر انجام دهنده تمام نیکی‌ها دریافت می‌دارد؛ و این پاداش آنگاه دوجندان خواهد شد که در کنار اعتکاف، روزه ماه رجب را هم اضافه کنیم و آنگاه معنای "أَيْنَ الرَّجَبِيُّونَ" روشن می‌شود.

سید بن طاووس رحمه الله می‌گوید: «بدان که اوج و کمال اعتکاف آن است که انسان عقل و دل و دیگر اعضای بدن خویش را تنها بر اعمال صالح وقف کند و آن‌ها را بر درگاه خداوند و اراده مقدس او حبس نماید. معتکف باید فکر و جان و اعضای خود را با افسارهای مراقبت به خوبی مهار کند و از چیزهایی که روزه‌دار باید از آن بپرهیزد، کاملاً خودداری کند، بلکه دقت و مراقبه معتکف باید به مراتب بیشتر از روزه‌دار باشد؛ زیرا او هم روزه‌دار است و هم معتکف و هر معتکفی خود را ملزم نموده است که با تمام وجود به خداوند متعال روی آورد و رویگردانی و غفلت از حق را یکسره کنار نهد؛ بنابراین هرگاه معتکف نور عقل و جانش را به غیر خدا

^۱ اقبال الاعمال، ص ۱۹۵

^۲ کنز العقال، ج ۸، حدیث ۲۴۰۱۲

مشغول کند، یا عضوی از اعضای بدنش را به غیر خدا مشغول کند، یا عضوی از اعضای بدنش را در کاری که طاعت پروردگار نیست به کار گیرد، به همان میزانی که غفلت نموده، یا کوتاهی کرده، از حقیقت اعتکاف خود کاسته است»^۱.

احکام شرعی: اگر معتکف نیت چهار روز اعتکاف کند، آیا روز چهارم هم جزو اعتکاف است یا اینکه باید شش روز را تکمیل کند تا روز چهارم به حساب آید؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): روز چهارم داخل در اعتکاف نیست ولی اگر پنج روز اعتکاف کند، واجب است روز ششم را کامل کند.

گلستان پندها: اعتکاف؛ راهی برای انس با خدا؛ انسان، موجودی است سالک و پویا که به سوی معبود حقیقی خویش در حرکت است. ادیان الهی با توجه به همین نیاز روحی، با آنکه انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی فرامی‌خوانند، فرصت‌هایی را برای خلوت کردن او با خداوند فراهم آورده‌اند. یکی از این فرصت‌ها، اعتکاف است. اعتکاف، فرصت بسیار مناسبی است تا انسانی که در پیچ و خم‌های زندگی مادی غرق شده، خود را باز یابد و به قصد بهره بردن از ارزش‌های معنوی، از خواسته‌های مادی دست بکشد و خود را در اختیار پروردگار بگذارد و تقاضا کند او را در راه راست ثابت نگاه دارد تا بتواند به دریای بیکران انس و مهر خداوند بپیوندد که یکسره مغفرت و بخشش است. در اعتکاف می‌توان دل را از غبار تهی کرد و نور محبت خدا را در آن جلوه‌گر ساخت. می‌توان خود را وقف عبادت نمود و لذت میهمان شدن بر سر سفره احسان و لطف الهی را چشید. می‌توان زمام دل و جان را به دست خدا سپرد و همه اعضا و جوارح را در حصار اراده حق به بند کشید. می‌توان به خویشتن پرداخت و کاستی‌های خود را شناخت و در جست‌وجوی درمان برآمد. می‌توان نامه عمل را مرور کرد و به فکر تدارک و جبران فرصت‌های از دست رفته بود. می‌توان به حرکت اندیشید و خود را برای حضور در پیشگاه خداوند مهربان آماده کرد. آری، اعتکاف، فصلی است برای گریستن، برای ریزش باران رحمت، برای شستن آلودگی‌های گناه، برای پاک نمودن نامه اعمال، برای نورانی ساختن دل و صف بخشیدن به روح. اعتکاف، بازگشت به اصل خویشتن است. در این دشت بی‌انتهای بخشش خداوند، سرت را بر زمین بگذار و آرام آرام نجوا را آغاز کن؛ آنگاه می‌بینی چگونه باران الطاف خداوند بر سر و رویت می‌بارد. اسب سرکش نفس را مهار کن و دل و جان را به خداوند بسپار. از اینکه قطره‌های اشک بر گونه‌هایت جاری می‌شود، شاد باش. این قطرات ریز و درشت، چشمه ساری است برای پاک کردن گناهان تو. شبیرین احمدی

منبر بیست و هفتم: در برخی مساجد دیده می شود برخی بانوان که دارای فرزند خرد سال هستند در این ایام علاوه بر اینکه خود دارای مشکلاتی می شوند برای دیگر افراد حاضر نیز مزاحمت هایی به وجود می آورند که مسئولان برگزاری می توانند با ایجاد یک مکان مناسب جهت برپایی مهدکودک با تهیه ابزار و امکانات لازم همچون اسباب بازی ها و کتاب های داستان و استخدام مربیانی به تناسب تعداد کودکان این مشکل را مرتفع نمایند.

آیه: «و إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا ... وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ ...» (بقره ۱۲۵)؛ و (به یاد آر) هنگامی که ما خانه کعبه را مرجع امر دین خلق و مقام امن مقرر داشتیم... و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که حرم مرا (از بت) ببردازید و پاکیزه دارید برای اهل ایمان که به طواف و اعتکاف حرم آیند.

حدیث: الإمام الصادق علیه السلام: "كَانَتْ بَدْرُ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمْ يَعْتَكِفْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنْ قَابِلٍ إِمْتَكَفَ عَشْرِينَ: عَشْرًا لِعَامِهِ، وَ عَشْرًا قَضَاءً لِمَا فَاتَهُ"؛ امام صادق علیه السلام: جنگ بدر، در ماه رمضان بود. پس، پیامبر خدا معتکف نشد. سال بعد، بیست روز معتکف شد: ده روز برای همان سال و ده روز برای قضای آنچه از او فوت شده بود.

دانشتنی های اعتکاف: برنامه ریزی برای اعتکاف: ۶- اعتدال: معتکفان از نظر شوق و ظرفیت نیز یکسان نیستند؛ بنابراین در برنامه های عبادی (سخنرانی، مباحثات علمی، قرائت قرآن، عزاداری، دعا، نوحه خوانی و...) باید میانه روی مراعات شود که خدای ناکرده زیاده روی در امور، اثرات منفی ایجاد نکند.

۷- عمل به توصیه ها: در این سفر و اردوی معنوی، بر مسافران و شیفتگان وادی عبادت و عرفان لازم است که نخست با توصیه های اساتید و سالکان طریق عشق و معرفت آشنا شوند و سپس به ریاضت و تهذیب روح بپردازند تا در کوتاه مدت به سرمنزل مقصود برسند.

۸- سؤالات دینی: با تشکیل جلسات پرسش و پاسخ می توان به سؤالات و شبهاتی که احياناً برای معتکفان مطرح است، جواب داد. لذا بایسته است که برادران و خواهران به صورت شفاهی و کتبی سؤالات خود را از سروران روحانی و کارشناسان امور دینی بپرسند.

۹- مجالست با ابرار: حال که بهترین زمان و مکان و دوستان نصیب معتکفان شده است، علاوه بر برکات گوناگون این ایام، نباید از ثمرات مصاحبت و مجالست با اهل علم و اخلاق، غافل شد.

اخلاق: حجت الاسلام کاظم صدیقی: امروز اعتکاف، هم به جای حج است برای کسانی که نمی توانند به حج بروند و هم به جای جبهه است برای مجاهدان و رزمندگانی که می خواهند به خدا برسند و آنجا پله ی پروازشان بود. بسیاری از افرادی جامعه که امور مادی ارضایشان نکرده و گرفتاری ها و نیازهایی دارند، اما با درهای بسته مواجه می شوند، اعتکاف را بهترین جا برای جلب اراده ی نافذ خدا می بینند. دلیل این امر آن است که محیط اعتکاف محیط الهی است؛ محیط دعا و نیایش و توسل است.

اعتکاف رسول اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم): صدوق در کتاب «فقیه» به سند خود، از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ماه رمضان- سال اول هجرت- در دهه اول در مسجد «اعتکاف» کرد؛ و سال بعد در دهه دوم اعتکاف نمود، ولی پس از آن همیشه در دهه سوم ماه رمضان اعتکاف نمود.^۲

احکام شرعی: آیا اعتکاف در ماه رجب مستحب است و چه زمانی از آن؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی): دلیل خاص بر استحباب اعتکاف در خصوص ماه رجب نیافتیم.

گلستان پندها: پارتی بازی مذهبی! پرشده آقا! صدای ممتد بوق... بعد از سال ها تصمیم گرفته بود که حتماً شرکت کند. هر سال دقیقاً همین روزها، کاری برایش پیش می آمد و به خودش می گفت که سال بعد حتماً حتماً... و حالا که يك هفته مانده به اعتکاف، فهمیده بود آن سه روزش خالی است. نمی توانست ثبت نام کند؛ یعنی جایی خالی نبود و همه جا پرشده بود. بیشتر دلش

^۱ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۸

^۲ سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم با ترجمه فارسی، ص: ۲۹۸

می‌خواست در مسجد دانشگاه معتکف شود که می‌گویند پر از جوان است و حال و هوای خاصی دارند. مسجد دانشگاهشان در شهرستان، مرا سم‌نداشت و دنبال جایی در تهران بود. هر دانشگاهی هم به دلیلی جا نداشت و او حتماً می‌خواست به مسجد دانشگاه برود. به دوستش زنگ زد که همیشه می‌گفت هر گره‌ای را می‌تواند باز کند و البته همیشه يك بلایی هم سرش می‌آورد! بعد از شنیدن ماجرا، دوستش مایل شد که شرکت کند و قول داد که جایی را برای هر دونفرشان جور کند. می‌خندید و می‌گفت: «نگران نباش؛ ما واسه گرفتن سوخت هسته‌ای هم پارتی داریم». روز آخر بود و وقت ناامیدی. دوستش زنگ زد که جایی را هماهنگ کرده است. شروع کرد بلوف زدن که «هرجا بخوایم، می‌روم و هر کاری بخوایم، می‌کنم و اصلاً پارتی، چیز خوبی است و برای عوام، بد جلوه داده‌اند؛ تا دست زیاد نشود!» فردایش ساک را بست و خوشحال به در دانشگاه رسید؛ احوال پرسید و جلوی مسجد دانشگاه پیرمردی تحویلشان گرفت و خدا قوتی نثارشان کرد و گفت: «وسایلتان را بگذارید در آشپزخانه». قبل از وارد شدن، نگاهش به اطلاعیه‌ای که روی دیوار بود، افتاد؛ «به چند جوان برای کمک و پذیرایی در روزهای اعتکاف نیازمندیم». دوستش که مسیر چشم‌های او را دید، زیرجلکی خندید. راه برگشتی نبود. بالاخره پارتی مزایایی هم دارد و برای خواص، چیز خوبی است. حامد هادیان

ماه‌های معنوی: در ماه رجب و در آستانه ماه‌های مبارک شعبان و رمضان هستیم. بسیاری از بزرگان معتقدند که جوانان باید به گونه‌ای از این ماه‌های معنوی، استفاده کنند؛ تا در عید فطر، با کوله باری پر به استقبال رجب، شعبان و رمضان سال آینده بروند. درباره بهره‌وری بهینه از این فرصت معنوی، رهبر انقلاب بر روی چند مسئله تأکید فراوانی داشته که یکی از آنها، بحث تقواست که از آن به «سپر» تعبیر کرده است. حال اگر بخواهیم این بحث را به طور عملی وارد زندگی کنیم یا به عبارت دیگر، با معیار تقوا و پرهیزکاری يك سبك زندگی برای خودمان بسازیم، اولین سؤالی که پیش می‌آید، این است که ما چگونه این سپر را به دست بیاوریم و آن را حفظ کنیم و نکته دیگر اینکه از تقوا چه استفاده‌ای می‌توان کرد و اصلاً به چه درد ما می‌خورد؟ این ماه‌ها، ماه‌های مبارکی است و اگر انسان کمی پاکیزه باشد، حضور این ماه‌ها را حضوری تازه، مبارک و معنوی، حس می‌کند. نقل شده که امام، ماه رمضان را قبل از اینکه استهلال کند، حکم می‌کرده است و دلیلش هم این بود که برایش احساس قوی و یقین آور شده بود. می‌خواهم بگویم که این احساس، می‌تواند آنقدر نیرومند شود که همه زندگی آدم را بپوشاند. درست است که این دو ماه رجب و شعبان، مقدمه‌ای برای ماه رمضان هستند، اما خودشان نیز بنفسه از يك ارزش ذاتی بالایی برخوردارند. ماه رجب به تنهایی، برای خودش چیزی است و ماه شعبان نیز به تنهایی چیزی است. این دو ماه با حفظ حرمت و با همان ارزش ذاتی‌شان، مقدمه برای ماه رمضان هستند و ما باید نتایج این دو ماه را در ماه رمضان ببینیم. اگر بخواهیم رمضان را در يك کلمه خلاصه کنیم، آن يك کلمه، این است که ماه رمضان، ماه ضیافت خداست که مقدماتش باید در ماه رجب و شعبان تحصیل شود؛ اما ما تقوا را چگونه به دست بیاوریم و چگونه حفظ کنیم؟ آدم هرچقدر هم که کتاب بخواند، با خواندن کتاب، هیچ حکمی در درونش برای عمل پیش نمی‌آید؛ بلکه انسان باید برای حرکت و عمل، از يك سرمایه درونی برخوردار باشد وگرنه، با خواندن کتاب، هیچ حرکتی در ما اتفاق نخواهد افتاد. من می‌توانم حرفی بشنوم و جهلم کمتر شود و اطلاعات بیشتری را کسب کنم؛ اما حرف، هیچ حرکتی را به بار نمی‌آورد؛ بنابراین، کسی که واعظ نفسانی نداشته باشد، واعظ بیرونی برایش سودی ندارد. اگر کسی ایمان داشته باشد، حق در او مؤثر است و دیدن در و دیوار عالم برایش و دیدن حوادث، برایش مؤثر است و همه این‌ها معنادار و حرکت آور می‌شود. اینکه می‌گوییم من باید از خدا بترسم و پروا از خدا داشته باشم، همان چیزی است که در واقع باید در جان انسان باشد؛ تا بتواند حرکتی کند.

منبر بیست و هشتم: تهیه منشور و آیین‌نامه اعتکاف با هدف یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی اعتکاف بین مساجد مختلف می‌تواند در بهتر اجرا شدن این برنامه در سطح استان کمک کند.

آیه: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸)؛ رنگ خدای به خود بگیرید و کیست خوش نگارتر از خدا و ما او را پرستندگانییم.

حدیث: حضرت رضا علیه السلام فرمود: «الْصَّوْمُ سِرٌّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَبْدِ»؛ روزه سِرّی بین خدا و بنده است.

دانشتنی‌های اعتکاف: برنامه‌ریزی برای اعتکاف: ۱۰- قبولی دعا: یکی از شرایط استجاب دعا، طولانی بودن سجده است و از دیگر شرایط، دعا کردن برای دیگران است؛ بنابراین دعا برای ظهور و سلامتی امام زمان علیه السلام، سلامتی و عزت رهبر معظم انقلاب، آزادی اسیران، پیروزی اسلام و مسلمین، شفای جانبازان و بیماران، سلامتی و سعادت خدمتگزاران، خانواده، اقوام، دوستان و بنیان اعتکاف و خصوصاً طلب علو مقام و رحمت الهی برای امام راحل قدس سره، شهیدان و اموات، فراموش نشود.

۱۱- مولودیه: شب و روز ۱۳ رجب، سالروز ولادت مولود کعبه، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است؛ نیکوست به همین مناسبت، به ذکر فضائل و مناقب آن حضرت پرداخته شود.

۱۲- سوگواری: با توجه به اینکه ۱۵ رجب مصادف با رحلت حضرت زینب کبری علیها السلام می‌باشد، شایسته است به همین مناسبت، با ذکر فضائل و مصائب آن بانوی نمونه، به سوگواری پرداخته شود.

اخلاق: حجت‌الاسلام و المسلمین فاطمی‌نیا: ما عادت کرده‌ایم همه چیز را برای ثوابش انجام دهیم. استادی داشتم که می‌گفت: شما برای فهمیدن بخوانید، ثواب به پای خودش می‌آید. این بد شده که ما این جور بار آمده‌ایم؛ یعنی الآن می‌خواهیم عمره برویم، اولین چیزی که در ذهن‌ها می‌گذرد ثواب است. اعتکاف می‌رویم اولین چیزی که می‌کند ثواب است. اعتکاف فلسفه‌اش چیست؟ اعتکاف از عَكَف مشتق است، عَكُوف یعنی يك جا ایستادن. اعتکاف رمزش این است که شما همیشه پیش خدا بمانید. حج هم رمزش همین است. عمره رمزش دور خدا چرخیدن است، اما ما همه را برای ثوابش انجام می‌دهیم. آن استاد می‌گفت: اگر آدم در تابستان برای خنک شدن و وضو بگیرد و وضویش باطل است، اما اگر برای خدا وضو بگیرد هم خنک می‌شود و هم عملش صحیح است. ثواب ما را بیچاره کرده است.

حریم خلوت دل جواد محدثی: گاهی باید «آیین» برداشت و در «خلوت خویش» به چهره درون نگاه کرد و در نیک و بد و زشت و زیبای آن تأمل داشت. «اعتکاف» همان آیین است که طول و عرضش «محابه» و «مراقبه» است و عمقش «معرفت نفس». در این آیین راحت‌تر و بی‌واسطه می‌توان به تماشا سیمای اخلاق و عمل خویش نشست و به خود نمره داد. فرصتی است برای گردش در کوچه پس‌کوچه‌های روح، برای مرور در صفحات «کارنامه زندگی»، خلوتی است در جمع. عزلتی است در ازدحام و حضوری است در غیبت از همه زندگی روزمره. در خلوت خویش، باید با خود صمیمی بود و یک‌رو، بی‌ریا و تظاهر، بی‌تعارف و مجامله. راستی... ما کیستیم؟ در کجاییم؟ چیستیم؟ اندکی در خود نگر تا کیستی... از کجایی، در کجایی، چیستی؟ اینجا فرصتی است برای باران اشک بر مزرعه دل. بهاری است برای رویدن گل توبه و انابت در باغچه بندگی. خوشا به حال آنان که آسمان دلشان ابری است و هوای چشمشان بارانی. پروردگار، ناله و استغاثه بنده‌اش را دوست می‌دارد و در کوی آن صبور و مهربان و خالق مقتدر «شکسته دلی» می‌خرند و گرنه «بازار خود فروشی از آن سوی دیگر است». میان ما و خدا مسافتی نیست. باید با «گام دل» رفت تا به «کام دل» رسید و دریافت که «از رگ گردن بود نزدیک‌تر با ما، خدا» «فرصت» را از دست ندهیم و با چند مشت از «آب بیداری»، خواب را در «چشم غفلت» بشکنیم. همیشه مجال اعتکاف نیست.

احکام شرعی: اگر اعتکاف در همسر اثر منفی بگذارد، با توجه به استحباب اعتکاف کدام لازم‌تر است؟ رسیدگی به همسر یا اعتکاف؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): تا هنگامی که اعتکاف شوهر مستلزم ترک نفقه‌ی واجب زن نشود، اشکال ندارد.

گلستان پندها: رنگ خدا: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸)؛ رنگ خدای به خود بگیرید و کیست خوش نگارتر از خدا و ما او را پرستندگانیم. رنگ خدایی، همان رنگ بی‌رنگی، پاکی و اخلاص است که همه خوبی‌ها، زیبایی‌ها، لطف‌ها و لطافت‌ها را نمایان می‌سازد؛ همان رنگ شفاف و شفاف‌سازی‌هاست و از هر گونه تاریکی و کژی به دور است.

چگونه می‌توان رنگ خدایی یافت و از آن همه زیبایی بهره برد؟

«وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» (اعراف: ۱۸۰)؛ و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد؛ پس او را با آن‌ها بخوانید. آشنایی با نام‌های خدا، راهی است برای معرفت به تمامی کمالات هستی و صفات جمال و جلال هستی‌بخش. یکی از ویژگی‌های ممتاز آدمی، آن است که با شناخت زیبایی‌ها و معرفت خوب و خوبی، محبت به خوب و زیبایی، خود به خود، سراسر وجود او را فرا می‌گیرد. محبت، کانون گرایش و نیروی محرك انسان به سوی پیروی و متابعت است و نتیجه این نظم منطقی و واقعی، رنگ‌پذیری و هم‌آوایی در دنیا و ورود به بهشت الهی در آخرت است. در این باره، امام رضا علیه‌السلام از زبان پدران بزرگوار خویش تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل می‌کند: «خداوند نود و نه اسم دارد و هر کس به وسیله این اسم‌ها حاجتی از خداوند بخواهد، خواسته او برآورده می‌شود و هر کس آن‌ها را فراگیرد و به آن‌ها آراسته گردد، وارد بهشت می‌شود». ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر از فرصت‌های بسیار استثنایی برای آشنایی با اسمای الهی و آراستگی به رنگ خدایی است.

منبر بیست و نهم: تهیه و چاپ کارت اعتکاف جهت هر معتکف، ژتون غذا، نشریه یا بروشور روزانه، فرم‌های نظرسنجی با طراحی‌های زیبا و جذاب می‌تواند در نظم و ترتیب دادن به اعتکاف مدنظر قرار گیرد.

آیه: «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یوسف: ۹۸ و ۹۷)؛ گفتند: پدر، از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. گفت به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم که او غفور و رحیم است.

حدیث: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: "... وَ مَا يُمْنَعُكَ أَنْ تُجِبَ أَنْ تَعِيشَ حَمِيدًا وَ تَمُوتَ سَعِيدًا وَ إِنَّمَا بُعِثْتُ عَلَى تَمَامِ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ"؛ چه چیزی مانع توست که زندگی پسندیده و مرگ با سعادت را داشته باشی، چرا که من برای کامل نمودن اخلاق زیبا مبعوث شده‌ام.

دانشتنی‌های اعتکاف: برنامه‌ریزی برای اعتکاف: ۱۳- قدر لحظات: حال که خویشتن را در این چند روز از همه چیز و همه جا فارغ ساخته‌ایم و به جمع سالکان طریق دوست پیوسته‌ایم، شایسته است برای نیل به تکامل معنوی، از تمامی لحظات ملکوتی اعتکاف استفاده کنیم؛ و به قول دیگر، شب‌ها و روزهای اعتکاف همان هنگامه‌های عروج و صعود است که می‌توان مسافت چهل ساله را به سرعت طی کرد؛ پس زینهار که این خلوت و سفر معنوی به نوعی با غفلت و سهل‌انگاری سپری شود.

۱۴- اندیشیدن: بر اساس آیات و روایات «تفکر» و «تدبر» بهترین عبادت است؛ لذا چه نیکوست که در مسائل خداشناسی، خودشناسی و غیره به تفکر و اندیشه پرداخت.

۱۵- خواب: یکی از نیازهای روحی و جسمی هر انسانی، خواب است؛ لذا معتکفان برای خود و دوستان شرایط مطلوبی فراهم بسازند تا بعد از مدتی استراحت، با انرژی و شادابی بیشتری به امور عبادی خود بپردازند. از این روست که خداوند حتی خواب روزه‌دار را نیز عبادت شمرده است.

اخلاق: حجت‌الاسلام سرلک: اگر عطای آن طرف همیشه آماده باشد که هست، جان انسان هم باید آماده باشد. ما برای اینکه از این يك شب نتیجه بگیریم، نیاز به تلاش بسیاری داریم. قاعده‌ی کار همان تلاش پیگیر است که با روزه، استغفار و اعتکاف ماه رجب و مناجات‌های ماه شعبان انسان را آماده می‌کند. ماه رجب ماه تخلیه است؛ ماهی است که انسان باید کدورت‌ها و تاریکی‌ها و تبااهی‌های دل خودش را کنار بگذارد. ماه رجب، ساعت ۹ بیرون گذاشتن آشغال‌های يك سال دل ماست.

اعتکاف در سیره پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام): پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هر از چند گاهی به دور از غوغای مکه و سر و صدای مردم و هیاهوی بت پرستان، خود را به غار حراء می‌رسانید و به پرستش معبود حقیقی مشغول می‌شد. در شبی از شب‌ها در حالی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) معتکف کوی دوست بود، صدایی شنید. آری جبرئیل از آسمان‌ها جواب همه پرسش‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در دفتری از نور به زمین آورده بود؛ دفتری که نسخه شفابخش همه دردها و بشری بود. ای انسان به راستی موعظه‌ایی از سوی پروردگارتان برای شما آمده و آن شفای دردهای شما و هادی و رحمتی برای عالمیان است. (یونس: ۵۷) پس از بعثت و بعد از هجرت، پیامبر فرصتی دوباره می‌یابد تا به اعتکاف روی آورد و خلوتی با خدای خود داشته باشد. این بار اعتکاف را در مسجدالنبی پی می‌گیرد. مدینه هرگز زمزمه‌های عاشقانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را فراموش نمی‌کند. هنوز تموج صدای او از لابلای ستون‌های مسجدالنبی، به گوش می‌رسد. کافی است گوش دل بسپاری، به راحتی خواهی شنید. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: چون دهه آخر ماه مبارک رمضان فرامی‌رسید، پیامبر در مسجد معتکف می‌شد. درون مسجد خیمه‌ای از جنس مو-برای ایشان- برپا می‌کردند تا در آن خیمه به عبادت خدای خود قیام کند. عبادتی فراتر، از عبادت‌های روزهای قبل. چون جنگ بدر در ماه رمضان واقع شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) موفق به برپایی اعتکاف نشد؛ لذا قضای آن را در سال بعد به جای آورد. از امام صادق (علیه السلام) روایت است: جنگ بدر در ماه رمضان واقع شد. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اعتکاف ننمود؛ از این رو، در سال بعد ۲۰ روز اعتکاف نمودند، ۱۰ روز برای همان سال و ۱۰ روز برای قضای سال قبل. امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) نیز به سنت اعتکاف عمل نموده و آن را زنده نگه می‌داشتند. در

حدیث آمده است که امام حسن مجتبی (علیه السلام) با آنکه در حال اعتکاف بودند، برای رفع حاجت برادر دینی خود اقدام و او را از مشکل مالی نجات دادند. امام سجاد (علیه السلام) به نقل از پدرش و ایشان هم از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: هر کس که در ماه رمضان ده روز معتکف شود ارزش آن معادل دو حج و دو عمره است. از امام محمد باقر (علیه السلام) و امام جعفر صادق (علیه السلام) و امام موسی کاظم (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) نیز روایاتی متعددی در شرایط، آداب، فضل، شرافت، ثواب و کیفیت اعتکاف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شده است. امام صادق (علیه السلام) مانند نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مسجدالنبی معتکف می‌شدند. از زمان شکل‌گیری جامعه اسلامی و برپایی احکام الهی، سنت اعتکاف همواره مورد توجه مسلمین قرار داشته است. مسجدالحرام و مسجدالنبی از مهم‌ترین مکان‌های اقامه اعتکاف بوده و هستند. همه ساله خیل عظیمی از مسلمین از سراسر دنیا به این دو شهر مقدس آمده، خود را در دریای بی‌کران رحمت الهی غوطه‌ور می‌کنند و از قعر آن مرواریدهای زیبای مغفرت و رحمت را استخراج می‌نمایند. یکی دیگر از مراکز مهم اعتکاف، کشور عراق است. مسجد کوفه و مسجد بصره، دو مسجد از چهار مسجدی هستند که اعتکاف در آن‌ها به طور قطع مقبول است. آری مسجد کوفه که همچون صدفی، گوهر خاطرات علی (علیه السلام) را در خود حفظ کرده و همه ساله در دهه آخر ماه مبارک رمضان انبوه شیعیان را در خود جای می‌دهد.

احکام شرعی: حکم رفتن به حیاط بیرونی که ملحق به مسجد است چیست؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): رفتن به جاهایی که در حکم مسجد است، اشکال ندارد اما رفتن به خارج مسجد جایز نیست مگر مواردی که خروج از مسجد به خاطر آن‌ها جایز باشد.

گلستان پندها: مزد اعتکاف: خیلی شلوغ بود، اصلاً خیلی‌ها همدیگر را نمی‌شناختند. مخصوصاً من هم که از جای دیگری آمده بودم و تقریباً هیچ کسی را نمی‌شناختم. توی اون شلوغ پلوغی یک وقت صدایی توجهم را به خود جلب کرد که می‌گفت: «آقا سید!» یک دفعه شوکه شدم که خدایا! کسی که مرا اینجا نمی‌شناسد، یعنی چه کسی است؟ راستش را بگویم؛ اول ذهنم منحرف شد که نکند مثلاً امام زمان باشد (!) ولی زود به خودم آمدم و این افکار را از سرم دور کردم. نگاه کردم دیدم یکی از رفقای دانشجوییم است که در منطقه عملیاتی جنوب با هم آشنا شده بودیم. گفت: «آقا سید! حالا دیگه جواب ما را هم نمی‌دهی؟!» گفتم: «بی خیال بابا! تو اینجا چه کار می‌کنی؟! نکنه تو هم مسلمان شدی؟» خندید و گفت: «فکر می‌کنی فقط خودتان مسلمان هستید!» خیلی خوشحال شدم که حداقل یک نفر هم که شده به عنوان رفیق اعتکاف توانسته بودم پیدا کنم. تا روز آخر هم با هم بودیم و به لطف خدا از طلبگی هم بسیار خوشش آمد. تصمیم گرفته بود در حوزه علمیه ادامه تحصیل دهد. سید حسن دهقانی

منبر سیام: در روزهای اول باید با دعوت از روحانیون برنامه ابتدایی را با بیان احکام و آداب اعتکاف و وظایف فردی و عمومی معتکفین انجام داد و به سؤالات و شبهات معتکفین به ویژه کسانی که برای بار اول معتکف می‌شوند پاسخ داده شود. در این جلسه علاوه بر بیان احکام می‌توان نکات اخلاقی در رعایت حقوق دیگران را بیان نمود که از به وجود آمدن مشکلات بعدی جلوگیری شود.

آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر حوادث سخت زندگی)، از صبر و نماز کمک بگیرید، همانا خداوند با صابران است.

حدیث: السید ابن طاووس قدس سره فی الإقبال: "إِنَّ الْإِعْتِكَافَ فِي هَذِهِ الْعَشْرِ الْأَخْرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَظِيمُ الْفَضْلِ وَالزُّجْحَانِ، مُقَدَّمٌ عَلَى غَيْرِهِ مِنَ الْأَرْزَانِ. وَقَدْ زَوَيْنَا بِعِدَّةٍ طُرُقٍ عَنِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبٍ الْكَلِينِيِّ، وَأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ بَابَوَيْهِ، وَجَدَى أَبِي جَعْفَرٍ الطَّوُوسِيِّ - قَدَّسَ اللَّهُ أَرْوَاحَهُمْ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَعْتَكِفُ فِي هَذِهِ الْعَشْرِ الْأَخْرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ"؛ سید ابن طاووس در الإقبال: اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان، فضیلت و برتری بزرگی دارد و بر زمان‌های دیگر مقدم است. با سندهای متعدد از محمد بن یعقوب کلینی، صدوق و جدم شیخ طوسی روایت کرده‌ایم که: پیامبر خدا، دهه آخر ماه رمضان را معتکف می‌شد.

دانستنی‌های اعتکاف: برنامه‌ریزی برای اعتکاف: ۱۶-علاج افسردگی: چه بسا عده‌ای از معتکفان - خصوصاً نوجوانان - به سبب دوری از خانواده و دوستان، گاهی دچار دلتنگی بشوند؛ لذا بستگان و دیگران می‌توانند با حضور خود در مسجد و دیدار از آنان، به تشویق و تقویت آن‌ها بپردازند.

۱۷- روحیه تعاون: یکی از ثمرات گرانبهای اعتکاف، مسئله تعاون و همکاری است که می‌توان به روش‌های متعدد، این روحیه را تقویت کرد؛ همانند: جارو کردن مسجد، پذیرایی در هنگامه‌های افطار و سحر، شستن ظروف و...

۱۸- آداب مساجد: سزاوار است در خصوص فضائل مسجد، آداب و احکام آن را نیز به یاد سپرد و مراعات نمود؛ مانند ثواب عبادت و نشستن در مسجد، رعایت کردن احترام و قداست مسجد، خواندن نماز تحیت، آلوده نکردن مسجد، وجوب طهارت آن در صورت آلودگی، عدم دست زدن به وسایل مسجد و غیره.

۱۹- بهداشت: مسائل بهداشت فردی، جمعی و مکانی باید مراعات شود؛ مثل: عدم حضور افرادی که بیماری مسری دارند، پاکیزه نگه داشتن جایگاه، وجود لوازم بهداشتی و...

اخلاق: اعتکاف فرصتی است برای گرم کردن رفاقت با خدا: انسان به طور فطری در پی دستیابی به کمال و پرورش ابعاد وجودی خویش است و خلوت‌گزینی در منزل دوست، گامی مهم در جهت رسیدن به این مقصد بزرگ انسانی است. اعتکاف در لغت به معنای «گوشه‌نشینی شدن، در جایی ماندن، خود را بازداشتن و گوشه‌نشینی برای عبادت» است؛ و در اصطلاح، عبارت است از ماندن حداقل سه روز در مسجد جامع شهر یا مساجد چهارگانه؛ یعنی مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره، به قصد عبادت خداوند، با شرایطی خاص. در حالی که روزها روزه و شب‌ها شب زنده دار باشد. اعتکاف بیشتر در ایام البیض؛ یعنی سیزدهم تا پانزدهم ماه رجب، همراه با اعمال ام داوود انجام می‌شود. سه روز اعتکاف در مسجدالحرام و ده روز آخر ماه مبارک رمضان نیز توصیه شده است. برخی از آیات قرآن نیز دال بر آن است که اعتکاف در ادیان الهی گذشته وجود داشته است: «به یاد آر هنگامی که ما خانه کعبه را مقام امن و مرجع امر دین خلق مقرر داشتیم و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید، از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را پاکیزه دارید برای اینکه اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز به جای آرند. (بقره: ۱۲۵)» از این آیه استفاده می‌شود که در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت اسماعیل (علیه السلام) عبادتی به نام اعتکاف وجود داشته و پیروان دین حنیف گرداگرد کعبه معتکف می‌شدند. حضرت موسی (علیه السلام) نیز با آنکه مسئولیت سنگین رهبری و هدایت امت را بر دوش داشت، برای مدت زمانی آنان را رها کرد و برای خلوت کردن با محبوب خویش به خلوتگاه کوه طور شتافت و در پاسخ به پرسش پروردگارش عرضه داشت: «... وَ عَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى» (طه: ۸۴)؛ و من برای خشنودی تو تعجیل کرده و بر آن‌ها تقدم جست. قرآن در جایی دیگر از رهبانیت و گوشه‌گیری پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) سخن به میان آورده و می‌فرماید: «و از پی نوح و ابراهیم باز رسولان دیگر و سپس عیسی پسر مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا

کردیم و در دل پیروان او رأفت و مهربانی نهادیم و ترك دنیایی که از پیش خود درآوردند، ما آن را برایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند؛ با این حال آن را چنان که حق رعایت آن بود، منظور ندا شتند» (حدید: ۲۷). اسلام نیز با پیش‌بینی عبادتی به نام اعتکاف که در واقع نوعی خلوت و درون‌گرایی است، برای ساختن انسان‌ها و جامعه انسانی و جلوگیری از آفت خدا فراموشی، چاره اندیشی نموده است. در حقیقت اعتکاف زمینه مناسبی است تا انسان به کاوش درباره انگیزه‌ها و روحیات خویش بپردازد و برای رفع نقصان و تکامل خود بکوشد. رشد، کمال، بالندگی روحی، عقلی و ایمانی انسان و رسیدن به عالم شهود و ملکوت از آثار اعتکاف است. در اعتکاف، انسان با پی بردن به نکات مثبت و منفی وجودش، با تقویت نقاط مثبت، از ضعف‌های خود می‌کاهد و فرد علاوه بر حفظ معنویات، به هم نوعان خویش هم توجه می‌کند.

احکام شرعی: خارج شدن از مسجد برای شستن دندان‌ها و دست‌ها؟

-مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): ملحق به خارج شدن از مسجد برای تجدید طهارت است.

گلستان پندها: آثار فردی: اولین اثر خلوت‌گزینی آسمانی اعتکاف، نورانیت قلبی است؛ یعنی هر چه انسان توجه خود را به خدا بیشتر می‌کند، فیوضات ربانی بیشتری را کسب می‌کند و در نتیجه نور خداوند در دلش متجلی می‌شود. اعتکاف فرصتی کار ساز و کارآمد برای اندیشیدن به شیوه رفتاری خود در عرصه‌های مختلف زندگی و نحوه عبودیت در پیشگاه خداوند است، چنین تفکری نوعی عبادت است که می‌تواند انسان را حتی از ملائکه مقرب خداوند نیز بالاتر ببرد و او را از فرش به عرش برساند.

تقویت روحیه بندگی، دوری از گناهان که موجب پاک‌سازی روح و آمادگی برای پذیرش حق می‌شود، تواضع و فروتنی که ثمره تفکر و پاسخ به ندای درون انسان است، از جمله آثار فردی اعتکاف می‌باشد. معتکف که در مدت اعتکاف از بسیاری از امور حلال هم چشم پوشی می‌کند، در حقیقت، تمرینی برای تقویت اراده خود انجام می‌دهد. از سوی دیگر اخلاص در عبادت و دوری از ریا که در این عمل عبادی نهفته است، سبب تواضع و فروتنی وی می‌شود. اعمالی که آدمی در اعتکاف انجام می‌دهد، هر کدام چنان تحولی در وجودش ایجاد می‌کند که گویی خدا را در قلبش می‌بیند.

اعتکاف بهترین فرصت برای انس با خدا و درک شیرینی و لذت بندگی اوست، میدانی است برای به زمین زدن وابستگی‌ها و زدودن عشق به دنیا. اعتکاف انسان ساز و فرصتی است که آدمی در آن با مرور نامه اعمال خود و بررسی گفتار و رفتار گذشته خود، اعمالش را که تنها یار و همراه مجسم تا روز قیامت‌اند، (زلزال: ۶) می‌سنجد و هر آنچه را تاکنون از او سر زده محک می‌زند و خود را برای روزی که ذره ذره اعمال نیک و بدش را حساب و کتاب می‌کنند (زلزال: ۸) آماده می‌سازد.

منبر سی و یکم: مراسم‌های جمعی حین برگزاری اعتکاف بسیار مهم است که این برنامه‌ها باید به صورتی باشد که مزاحم اعمالی که معتکفین به صورت فردی انجام می‌دهند نباشد بلکه باعث کیفی‌تر شدن این اعمال شود.

آیه: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ...» (آل عمران: ۱۰۴)؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند!...

حدیث: امام علی علیه السلام: "عَوِّذُ أَدْنَكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ وَ لَا تُصْغِ إِلَى مَا لَا يَزِيدُ فِي ضَلَاكِ اسْتِمَاعِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَصْدِي الْقُلُوبَ وَ يُوْجِبُ الْمَذَامَ"؛ گوش خود را به شنیدن خوبی‌ها عادت بده و به آنچه که به صلاح و درستی تو نمی‌افزاید گوش مسپار، زیرا این کار، دل‌ها را زنگار می‌زند و موجب سرزنش می‌شود.

دانشت‌های اعتکاف: برنامه‌ریزی برای اعتکاف: ۲۰- امکانات: فراهم کردن کتاب‌های قرآن، مفاتیح الجنان و مناجات، مهیا ساختن مهر و تسبیح به اندازه کافی، وجود کمک‌های اولیه، فعال شدن سیستم تهویه و هواکش و...

۲۱- استحمام: از آنجایی که برای عده‌ای ممکن است موجبات غسل فراهم شود، لذا مسئولین محترم با نزدیک‌ترین گرمابه قراردادی ببندند و یا اینکه در صورت امکان، در همان حیاط و محوطه مسجد چند دوش حمام راه‌اندازی کنند.

۲۲- تو صیه‌های امنیتی: عدم آوردن اشیاء گران قیمت، عدم دست زدن به و سایل برقی و حرارتی، وجود مأموران انتظامی در اطراف جایگاه - خصوصاً جایگاه اعتکاف خواهران - و غیره.

۲۳- حلالیت طلبی: از آنجایی که ممکن است در این چند روزه - به صورت خطا و جهل یا خدای ناکرده عمد و علم - نسبت به دیگران بی‌احترامی و غیبتی محقق شده باشد، پس لازم است که معتکفان گرمای در پایان اعتکاف، از همدیگر حلالیت بطلبند.

۲۴- غبارروبی: همان طوری که پیش از اعتکاف بحمدالله در امر «غبارروبی مساجد» مشارکت به عمل آمده، شایسته است پس از اتمام زمان و مراسم باشکوه و گسترده اعتکاف، به بهداشت و غبارروبی جایگاه اعتکاف نیز اهمیت داده شود.

اخلاق: اعتکاف یعنی اعتراف! «اعتکاف، عبارت است از ماندن در مسجد و درنگ در آن به قصد اینکه با آن، بندگی خدا نماید و لازم نیست عبادت دیگری غیر از ماندن در مسجد به آن ضمیمه شود، اگرچه احتیاط مستحب است. اعتکاف ذاتاً و در اصل شرع اسلام، مستحب است و گاهی با انجام دادن آن به سبب نذر یا عهد یا اجاره و مانند آن‌ها واجب می‌شود؛ اما شاید این پرسش به ذهن خطور کند که آیا اصل عزلت و گوشه‌گیری پسندیده است یا نه؟ اگر این عمل پسندیده است، آیا باعث جدایی فرد از جامعه نمی‌شود؟ آیا این عمل، همان عزلت و گوشه‌گیری صوفیانه یا رهبانیت مسیحی است؟ پاسخ به این پرسش‌ها مجال گسترده‌ای را طلب می‌کند؛ در این مختصر می‌کوشیم تفاوت اعتکاف که سنتی نبوی است، با رهبانیت و عزلت صوفیانه و ... را بیان کنیم:

اعتکاف؛ عمل پسندیده، اما موقت: باید توجه داشت که اعتکاف، عملی دینی است، اما دین اسلام، دین اعتکاف نیست، بلکه دین تلاش، کار و حضور پرشور در اجتماع است؛ بدین معنا که اسلام، اعتکاف را عملی پسندیده می‌شمارد، اما به طور موقت، نه دائم! مثلاً مستحب می‌داند که فرد چند روز از سال را به اعتکاف بپردازد و از مسجد جامع شهر بیرون نیاید؛ اما موافق آن نیست که فردی بیشتر عمر خود را در مسجد به سر برد و از آن بیرون نیاید؛ همچنین موافق نیست فردی به جای تلاش برای تأمین معاش و حیات مادی و معنوی، شبانه‌روز به اعتکاف بنشیند. در اسلام، اعتکاف امری موقتی است نه دائم! این گونه است که می‌گوییم اسلام دین اعتکاف نیست، هرچند اعتکاف در اسلام وجود دارد. میمون بن مهران می‌گوید: در خدمت حسن بن علی علیه‌السلام نشسته بودم که مردی آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! فلانی از من مبلغی پول طلبکار است و می‌خواهد مرا حبس کند. امام فرمود: به خدا من پولی ندارم که بدهکاری تو را بپردازم. پس با آن مرد سخن گفت. میمون می‌گوید: امام کفش‌های خود را پوشید. من عرض کردم: ای پسر رسول خدا، فراموش کردید که در حال اعتکاف هستید؟ حضرت فرمود: فراموش نکرده‌ام، اما از پدرم شنیدم که از قول جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرکه در راه برآوردن نیاز برادران مسلمان خود بکوشد، چنان است که نه هزار سال،

روزه‌دار و شب‌زنده‌دار، خدا را عبادت کرده باشد. آنچه از این روایت برمیاید این است که مؤمنان در عین اهتمام به اعتکاف، نباید از تلاش‌های اجتماعی و کوشش برای برآوردن نیازهای همگان دریغ ورزند. پس دین اسلام، دین تلاش اجتماعی و کوشش فردی است.

احکام شرعی: رفتن به سرویس‌های بهداشتی متعلق به مسجد که در خارج از مسجد است، در موارد زیر چه حکمی دارد؟ (الف) برای حمام کردن (ب) برای غسل مستحب (ج) برای اینکه با وضو باشد (د) وضو گرفتن برای خواندن قرآن یا نماز مستحبی

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): خارج شدن از مسجد به دلایل مذکور اشکال ندارد ولی باید به قدر حاجت اکتفا کند و طول ندهد.

گلستان پندها: آثار اجتماعی: عمل نمودن به وظایف و فعالیت‌های اجتماعی بدون پشتوانه معنوی، سبب سقوط انسان از جایگاه حقیقی خود و مانع از رسیدن انسان به کمال مطلوب می‌گردد. این مسئله از دیدگاه خاص اسلام نسبت به انسان کامل سرچشمه می‌گیرد، از این رو ادیان آسمانی و به خصوص اسلام با همه دستوراتی که درباره اجتماع دارند، هیچ گاه از تقویت پشتوانه معنوی انسان فروگذار نکرده‌اند. کار بدون پشتوانه معنوی در عرصه اجتماعی علاوه بر اینکه عمل‌گرایی را در انسان تقویت می‌کند، ممکن است انسان را از درون تهی کند. اعتکاف که نوعی درون‌گرایی است انسان را از آفت خدافراموشی و خودفرااموشی نجات می‌دهد. افزایش روحیه تعاون و همکاری و توجه به اجتماع مسلمین از جمله آثار اجتماعی اعتکاف است. در دنیای امروز که بشر با بحران‌های زیاد مادی و معنوی روبرو است و همه چیز به گونه‌ای ساخته و کنار هم چیده شده است که بشر را هر چه بیشتر به یک ماشین مکانیکی تبدیل کرده و همه چیز برای او از قبل تعیین شده و این اشتغالات و پیشرفت‌ها نیز از سویی باعث تشدید بحران معنوی و تنزل کیفی زندگی افراد شده و می‌شود، مراسم‌های دینی از قبیل اعتکاف می‌تواند جلوی این افراط و تفریط‌ها را بگیرد. از دیگر آثار مهم اعتکاف در سطح جامعه رویارویی این مراسم عبادی و معنوی با نفوذ فرهنگ بیگانه است. جوانی که در مراسم اعتکاف طعم شیرین ایمان و انس به خداوند را چشیده است، لذت‌های مادی و شهوانی در دیدگاهش حقیر و بی‌ارزش شده و به آسانی در گرداب فساد و تباهی گرفتار نمی‌شود. از سوی دیگر چنین مراسمی خود پیامی عملی و درسی عبرت‌آمیز برای مردم است. حضور جمعی از مؤمنان در مسجد برای عبادت در حقیقت نوعی الگوسازی و الگودهی برای اقشار جامعه مخصوصاً نوجوانان و جوانان می‌باشد که تشنه این قبیل مراسم‌های معنوی هستند و همچنین نوعی دعوت به خداپرستی و دین‌مداری است و آثار سازنده‌ای بر جامعه خواهد داشت. از همین رو در رویارویی با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام نباید نقش مؤثر سنت‌هایی که در باور عموم مردم ریشه‌های عمیق دارند، نادیده گرفت. به عقیده جرم‌شناسان اجتماعی، بسط و گسترش مسائل معنوی، باعث کم شدن جرم و فساد در جوامع می‌گردد. اعتکاف در این میان می‌تواند نقش مهمی ایفا کند؛ زیرا مشتمل بر چند عبادت است و آثار معنوی ویژه‌ای حتی بر افراد غیر معتکف برجای می‌گذارد.

منبر سی و دوم: مراسم‌های جمعی حین برگزاری اعتکاف بسیار مهم است: پرسش و پاسخ به صورت شفاهی و کتبی با حضور کارشناسان حوزه‌های مختلف از جمله مذهبی، سیاسی، اجتماعی و...

آیه: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا...» (بقره: ۱۸۷)؛ و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید. این احکام، حدود دین خداست، زنهار در آن راه مخالفت مپوید!

حدیث: الإمام الصادق علیه السلام: «لَا عِتْكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ غَدَلِي بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ»؛ امام صادق علیه السلام: اعتکاف کردن فقط باید در مسجد جامع باشد که در آن پیشنمازی عادل به جماعت نماز خواند.

دانستنی‌های اعتکاف: اعتکاف و توجه به جایگاه محوری مسجد: در صدر اسلام و حتی قرون بعد از آن، مسجد جایگاه خاصی داشته است: محل ار سال پیام‌های حکومتی و اعلان‌های مختلف، محل تصمیم‌گیری‌های مهم در شهر، محل دادخواهی افراد، محکمه‌ی قضات، محل خواندن صیغه‌های ازدواج و طلاق، محل برگزاری نماز جمعه و ... از این رو معتکف در مسجد (به‌ویژه اینکه این اعتکاف در مسجد جامع شهر بوده) از اخبار و اطلاعات غافل نمی‌شده و از زندگی اجتماعی دور نبوده است؛ به خلاف گوشه‌گیری‌های صوفیانه که گاه در خانقاه (و به دور از مردمان) انجام می‌گرفته است.

اخلاق: اعتکاف، راه آشتی من با خدا: چه جور به اعتکاف راه پیدا کردم؟ اولش به جورایی خیلی خنده‌دار بود و بامزه، اما بعداً خیلی بامعنی شد. با بچه‌ها دور هم می‌نشستیم و تخمه می‌شکستیم و تا نیمه شب جوک می‌گفتم؛ فوتبال می‌دیدیم، یا می‌رفتیم سراغ برنامه‌های اونور آب. همچنین بگی وقتی تلف می‌کردیم. درس هم میون ما به قدری جا داشت به اندازه نمره قبولی و رها شدن از سرکوفت این و آن، به ویژه پدر و مادر محترم ... ذیکی از شب‌ها نمیدونم چه طور شد که یکی از بچه‌ها گفت: ما که اونور آب، همه جورش رو رفتیم، بیاید به بار هم شده اینور آب رو هم بریم! پیشنهاد کرد بریم اعتکاف... اول خندیدیم اما بعداً به این نتیجه رسیدیم که به امتحانش می‌ارزه. رفتیم پیش امام جماعت محل. ما را نمی‌شناخت، حق هم داشت! اما تحویلمان گرفت. در مورد اعتکاف پرسیدیم، تعجب کرد، شایدم خیال کرد می‌خواهیم دستش ببندازیم... حق با او بود. قبل از اینکه پیشش بریم باید به ذره سر و وضع مون رو دستکاری می‌کردیم. راهنمایی‌هاش مفید بود، اما من می‌خواستم بیشتر بدونم. سلام، کتاب‌های غبار گرفته بابا، فرهنگ لغت فارسی، واژه اعتکاف. ای دل غافل! این قدر خواندم و دست و پا شکسته نمره گرفتم، اما بهش فکر نکردم که «عاکفان کعبه جمالش...» یعنی چی، حالا می‌خواستم بشوم از عاکفان کعبه جمالش... کتاب «المراقبات» هم خیلی به دردم خورد. آداب ماه رجب، آداب اعتکاف. راستش این کتاب برام خیلی غریبه بود هم متنش رو خیلی نمی‌فهمیدم و حجمش برام وحشتناک بود! بالاخره من و اینجور کتاب‌ها؟! دست امام جماعت محل درد نکنه. مادرم مرا بدرقه کرد، پدرم لبخند معنی‌داری تحویل داد برادرم گفت: مستجاب الدعوه که شدی ما را هم دعا کن... موعد اعتکاف رسیده بود. خداحافظ دنیا! حداقل برای سه روز. سلام، خدا سلام، انسان واقعی سلام، نیمه گم شده من در سال‌های غفلت! اعتکاف، خلوت سه روزه، التماس و تضرع، محاکمه کردن خود، آشتی با خدا، آشتی با انسان، خلوت در جمع، حضور، مسجد جامع، تلاوت قرآن، روزه، ذکر، دعا، تمرین خلوص، قبول استعجاب، ... اعتکاف را نمی‌توانم تو صیف کنم. بلد نبودم در ست قرآن را از رو بخوانم. بلد نبودم دعا کنم. چند تا نماز قضا خوندم. چند تا دعای تکراری که از بچگی شنیده بودم. کم‌کم داشت حوصله‌ام سر میرفت. کاش میشد دور هم نشست و در مورد خدا حرف زد. الان بیرون چه خبره؟ عادت به روزه گرفتن ندارم، ماه رمضان نیست که مجبور باشم گرسنگی بکشم. خوش به حال داداشم! الان سر سفره ناهار چه میکنه؟ چرا موقع قرآن و قنوت، یاد جوک‌هایی میافتم که شنیدم؟! لعنت بر این شیطان که نمیداره تو حال خودم باشم؟! خدایا به دادم برس! راستی خدا حرفای منو پذیرفته؟ این دعا‌های تکراری منو قبول کرده؟! اعتکاف به من فهموند که چه قدر از خودم و خدای خودم دورم. بیچاره! هنوز بلد نیستی با خدای خودت حرف بزنی! همه این مشکلات برای روز اول بود. به هر سختی، هرچی بود گذشت. اینقدر از نور معنویت شنیده بودم، فکر می‌کردم هر لحظه قراره از اون سقف مسجد به نوری بیاد پایین و همه ما رو پر از نور سفید و نارنجی کنه؛ درست مثل تصویرایی که تو فیلم‌های تلویزیون دیده بودم. نگاهم به سقف بود می‌خواستم نور رو ببینیم! گاهی هم نیم‌نگاهی به بروبچه‌ها می‌کردم روم نمیشد از اونا بیرسم اما از تو چشم‌ماشون به‌جورایی می‌خوندم که اونا مثل منن، غیر از همیشه شونن، تو حال خود شونن. پرآرزو، پر سؤال، پیرانتظار، مته به دریایی به ظاهر آرام که تمام وجود شون قراره طوفانی بشه،

راستی ما همون بچه‌های شلوغ قدیمیم؟! تا یکی دو ماه بعد از اعتکاف، توی یه وضع دیگه‌ای بودیم. من و همه بچه‌ها اگه دروغی می‌شنیدیم چند شمون میشد مثل موبایلی می‌شدیم که رو ویبره باشه. تموم درونمون به هم میریخت. اگه یکی بی‌خیال، بدگویی و غیبت کسی می‌کرد، احساس نفرت می‌کردم می‌خواستم بالا بیارم! اعتکاف، کار خود شو کرد، اما حیف که من... وقتی اومدم خونه، مادرم گفت: سراپا نور شدی، یاد سؤال افتادم و گمشده‌ام. اون نوری که باید از سقف مسجد می‌دیدم و ندیدم. حرف مادر رو خیلی جدی نگرفتم. شنیدم که گفت: روخونه تأثیر گذاشته. همه چیزی جلوش نمی‌گیم؛ یعنی احتیاط می‌کردند! می‌گفت: دعاش در حق مادرش مستجاب شد. امسال قراره همه بیان اعتکاف. پدرم، مادرم، حتی برادرم. امسال می‌خوام بعد از ماه رجب. قدر رمضان رو هم بیشتر بدونم. قدر روزها و روزه‌هاشو. شب‌های قدرش رو. من و دوستانم حالا مطمئنیم اینور آب خبرهایی بوده و تا حالا غافل بودیم.

«وَ إِذَا سَأَلْتَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره: ۱۸۶)؛ و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند). این آیه بیانگر وعده حتمی استجاب دعاست و آن، خواستن خود خدا و درخواست بهره‌مندی معرفت و ایمان از اوست که چنین درخواستی به طور قطعی مستجاب می‌شود؛ زیرا در هر زمان و در هر حالی، حکمت خدا و مصلحت همه بندگان در آن است؛ اما درباره دیگر درخواست‌ها، چه بسا به جهت تراحم با مصلحت دیگر بندگان، اجابت آن سزاوار نباشد و یا تأخیر آن شایسته‌تر باشد. درباره درخواست دیگر نعمت‌ها نیز از سوی خداوند وعده داده شده است که حداقل قسمتی از تمام آنچه را درخواست کرده‌اید، به شما عطا خواهد شد. «وَ آتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ...» (ابراهیم: ۳۴)؛ و از هر چه از او خواستید، به شما عطا کرد. باید به راستی دعا کنیم؛ نه فقط دعا بخوانیم؛ از این رو، دعا و درخواست واقعی، هنگامی است که با توجه و حضور قلب باشد و به راستی از خود خدا بخواهیم.^۱

احکام شرعی: آیا پشت بام مسجد تابع مسجد است یا بستگی به وقف کننده دارد؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): پشت بام مسجد به حکم مسجد است مگر اینکه احراز شود که هنگام وقف مسجد، پشت بام آن از وقف خارج شده است.

گلستان پندها: اعتکاف، خاستگاه شرعی دارد نه سلیقه‌ای: اعتکاف از داخل شرع و شریعت سر برمی‌آورد و خاستگاه درون دینی دارد؛ یعنی بر طبق موازین شرعی و برآمده از آن است، به خلاف عزلت‌های صوفیانه که در بسیاری از مواقع برآمده از نفس افراد و سلیقه‌ها و برداشتهای آنان است تا آنجا که گاه، آنان خود اعتراف می‌کنند که راه آن‌ها از شریعت جداست و به طریقت نزدیک است! و آشکار است که بین فعلی که منشأ آن، فرمان پروردگار باشد و فعلی که منشأ آن خواهش‌های نفسانی باشد، تفاوت بسیار وجود دارد.

عنایت خداوند: مرحوم مقدس اردبیلی رحمه الله: یکی از اولیای الهی بود. وجود و سخاوتی مثال زدنی داشت؛ حتی خوراک منزل خود را بین فقرا تقسیم می‌کرد و برای خود سهمی مثل آن‌ها برمی‌داشت. در یک سال که چنین کرد، همسرش به او اعتراض کرد و با تندی به او گفت: تو اولاد فقیر خود را فقیر می‌گذاری تا ناچار شوند از دیگران کمک بخواهند! ولی آن مرحوم چیزی نفرمود و برای اعتکاف به مسجد کوفه رفت و به دعا و مناجات پرداخت. روز دوم اعتکاف بود شخصی مقداری گندم اعلا و مقداری آرد نرم به خانه آن مرحوم آورد و گفت صاحب منزل این‌ها را برای شما فرستاده و خودش در مسجد کوفه معتکف است. مرحوم بعد از اعتکاف به خانه آمد همسرش گفت: آذوقه‌ای که به وسیله آن مرد عرب برای ما فرستاده بودی بسیار عالی بود! مرحوم مقدس اردبیلی که چیزی نفرستاده بود متوجه شد که این عنایتی از خداوند متعال و از اثر اعتکاف در مسجد کوفه و اعمال آن بوده است... پس حمد و ثنای الهی را به جای آورد و خداوند را از این لطف و عنایتش سپاسگزاری کرد.^۲

^۱ تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۳-۲۹

^۲ اعتکاف ابرار، به نقل از فوائد الرضویه شیخ عباس قمی، ص ۲۳

منبر سی و سوم: مراسم‌های جمعی حین برگزاری اعتکاف بسیار مهم است. طراحی و اجرای مسابقات اعتقادی، احکام، تاریخ، اخلاق، خاطره‌نویسی، مقاله، شعر، نقاشی، قرآن، نهج‌البلاغه و ...

آیه: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ...» (توبه: ۷۱)؛ مردان و زنان با ایمان، ولی (ویار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند ...

حدیث: امام صادق علیه السلام: «أَلَا أُحَدِّثُكَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؟ الصَّفْحُ عَنِ النَّاسِ وَ مُوَاسَاةُ الرَّجُلِ أَخَاهُ فِي مَالِهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا»؛ آیا به شما بگویم که مکارم اخلاق چیست؟ گذشت کردن از مردم، کمک مالی به برادر (دینی) خود و بسیار به یاد خدا بودن.

دانستنی‌های اعتکاف: اعتکاف؛ متفاوت با عزلت‌های صوفیانه: هدف از اعتکاف، جدایی چند روزه از تلاش‌های دنیوی و معیشتی، برای به یاد آوردن معاد و هدف آفرینش و سپس جدی کردن عزم برای تلاش خالصانه برای خدا و خدمت به خلق اوست؛ یعنی اعتکاف نوعی آمادگی برای تلاش و کوشش اجتماعی (البته در مسیر رضایت الهی) است، در حالی که عزلت‌های صوفیانه چنین اهدافی ندارد؛ از این رو گاه حالت دائمی پیدا می‌کند و هدف متعالی در آن منظور نمی‌شود.

اخلاق: «إِنَّهُ لَفَرَزٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ * تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ (واقع: ۷۷ تا ۷۹) که این [پیام] قطعاً قرآنی است کریم [احسانگر و ارجمند]؛ در کتابی نهفته که جز پاکان بر آن دست نزنند؛ فرود آمده از جانب پروردگار جهانیان. در این آیات قرآن مجید، چهار ویژگی برشمرده شده که عبارتند از:

۱. «لَفَرَزٌ كَرِيمٌ»؛ صفت کرامت به معنای احسانگری و ارجمندی، ویژگی همه حقایق ملکوتی و ملکوتیان است و هر کس با قرآن مأنوس باشد، از کرامت قرآن بهره می‌برد و خود نیز به تناسب، کریم می‌گردد؛ به طوری که هم خود به معرفت و نورانیت می‌رسد و هم دیگران از معرفت و نورانیت او بهره می‌برند.

۲. «فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ»؛ قرآن، ظاهری است از يك حقیقت باطنی و این ویژگی همه حقایق ملکوتی است که ظاهر آنان نماد و نمودی از باطن ژرف آنان است. رمز و راز نفوذ کلمات و تأثیرگذاری در مخاطبان، همان عمق باطن و ژرفای غیبی این کلمات است که چه بسا پایان‌ناپذیر نیز باشد.

۳. «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ جز پاک شدگان به آن دست نزنند و یا جز پاکان به آن دست نمی‌یابند. بنا بر آنچه در ادبیات آمده، جمله خبری، می‌تواند به معنای «نهی» باشد و مفاد آیه آن باشد که بدون وضو و طهارت ظاهری، نباید به قرآن دست زد و می‌تواند به معنای «نفی» باشد و مفادش آن است که بدون پاکی و طهارت باطنی، کسی نمی‌تواند به معارف و لطایف قرآن دست یابد و به هر مقدار، پاکی بیشتر باشد، بهره‌مندی بیشتر است تا به مصداق کامل پاکان، پیامبر و ائمه طاهر علیهم السلام برسد که مخاطبان اصلی قرآن‌اند.

۴. «تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ ویژگی صفت پروردگاری، آن است که حقایق ملکوتی را فرو می‌فرستد تا جهانیان با چنگ زدن به آن رشد کنند و خویششان را بالا کشند و این ویژگی، امتیاز ریسمان الهی است که يك سر آن به سوی زمینیان فرو فرستاده شده و سر دیگر آن در عالم ملکوت و مکنون، ثابت و استوار است.

همان گونه که قرآن صامت، دارای این چهار ویژگی است، قرآن ناطق نیز که در وجود مقدس پیامبر و امامان علیهم‌السلام متجلی است، دارای این چهار ویژگی هست و نقطه اوج بهره‌مندی از قرآن صامت و قرآن ناطق، در شب قدر می‌باشد که نقطه عطف این حقایق ملکوتی است.^۲

گشایش در روزی: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها

^۱ معانی الأخبار، ص ۱۹۱، ح ۲

^۲ المیزان، ج ۱۹؛ تفسیر نمونه، ج ۲۳

می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. یکی از حقایق نظام هستی و واقعیات زندگی بشری آن است که تغییر و تحولات زمینی و آسمانی، مانند باد، باران، سرما و گرما، در وضعیت زندگی روزانه انسان‌ها تأثیرگذار است. از این آیه نیز به روشنی استفاده می‌شود که چگونگی زندگی ما نیز در گشایش روزی‌ها از زمین و آسمان تأثیرگذار است. در این باره مردم سه گروهند؛

۱. برخی با فساد، اسراف، زیاده‌خواهی و تجاوزگری در خشکی و دریا، تخریب و آلودگی از خود به جا می‌گذارند.

۲. برخی با استفاده صحیح از طبیعت و به کارگیری روش‌های سنتی و پیشرفت‌های دانش بشری، به مقدار تلاش و دقت خود و به طور طبیعی و عادی، از امکانات خشکی و دریا بهره‌مند می‌شوند.

۳. برخی علاوه بر دوری از فساد و استفاده از طبیعت، دارای ایمان قلبی به خدا و رعایت تقوا نسبت به آفریدگان خدا هستند. برای چنین مردمانی، علاوه بر بهره‌مندی عادی از مواهب طبیعت و قوانین حاکم بر زمین و آسمان، از گشایش درهای رحمت و برکت، به طور ویژه نیز بهره‌مند می‌شوند.

برکت به معنای فایده ثابت، همراه با رشد و نمو، ویژه مردمانی است که همگی دارای ایمان و تقوی باشند و گرایش به معنویت را در کنار تلاش و فعالیت، بر خود هموار کنند.

ماه رجب و همچنین ماه مبارک رمضان، فرصت بسیار مناسبی برای افراد است تا با حرکتی عمومی و معنوی، فضای جامعه را عطرآگین از ایمان و تقوا سازند و شایستگی بهره‌مندی از برکات زمین و آسمان را برای همگان به ارمغان آورند.

احکام شرعی: آیا برای رفتن به تشییع جنازه در هنگام اعتکاف، وقت مشخصی است؟ اگر معتکف یکی از دوستانش را دید، آیا می‌تواند چند دقیقه را با او سپری کند؟ حکم رفتن زیر سایه در این هنگام (چه در ماشین و یا غیر آن) چیست؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): وقت مشخصی ندارد و رفتن به تشییع جنازه اگر آنقدر طولانی نشود که باعث محو صورت اعتکاف شود، اشکال ندارد و در صورت امکان واجب است که زیر سایه ننشیند و احتیاط مستحب این است که زیر سایه حرکت نکند.

گلستان پندها: اعتکاف: اعتکاف، دوره فشرده خودسازی و خودشناسی است. اعتکاف، در خانه دل با حق سخن گفتن و از غیر، لب فرو بستن و به خدا پیوستن است. اعتکاف، پشت پا زدن به تعلقات نفس است. معتکف می‌کوشد از فرش زمین نفس، به عرش آسمان دل، پرواز کند و در آشیانه دوست منزل گزیند. اعتکاف، به حساب خود رسیدن است، پیش از آنکه به حساب آدمی برسند. از فضیلت‌های اعتکاف همین بس که معادل طواف خانه خداست. اعتکاف، راهی برای انس با خداست. اعتکاف، در حقیقت معجونی از چندین عبادت است: حضور در خانه خدا، انس با قرآن، روزه‌دار بودن و دعا و نماز شب. اعتکاف، رهایی از هیاهوها، تعلقات و آزادی است. اعتکاف، نه گفتن به هوس‌ها و آرزو و طمع‌هاست و آری گفتن به همه فضیلت‌ها و زیبایی‌ها. سمیه عزیزی

منبر سی و چهارم: فراهم نمودن امکان انتقاد و پیشنهاد برای معتکفان به صورت شفاهی و کتبی و در صورت امکان تلاش برای رفع معایب از موارد مهم در برگزاری بهتر اعتکاف است.

آیه: «الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...» (حج: ۴۱)؛ همان کسانی که در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

حدیث: امام سجاد علیه السلام: "قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ الْحَقِّ وَ الْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ"؛ به امام سجاد علیه السلام عرض کردم: مرا از تمام دستورهای دین آگاه کنید، امام علیه السلام فرمودند: حق‌گویی، قضاوت عادلانه و وفای به عهد.

دانشتنی‌های اعتکاف: اعمال اُم داوود: روزه روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ رجب* غسل* نماز ظهر و عصر (در حالی که رکوع و سجود را نیکو بجا آورده و در مکان خلوتی باشد که چیزی او را مشغول نکند و انسانی با او تکلم ننماید)* خواندن حمد (صد مرتبه)، اخلاص (صد مرتبه)، آیه الکرسی (ده مرتبه)، انعام، بنی اسرائیل (اسراء)، کهف، لقمان، یس، صافات، حم سجده (فصلت)، حمعسق (شوری)، حم دخان (دخان)، فتح، واقعه، ملک، ن (قلم)، اذا السماء انشقت (ان شقاق) تا آخر قرآن کریم قرائت دعای وارده در مفاتیح الجنان در حالت رو به قبله

اخلاق: اعتکاف؛ فرصتی برای تفکر؛ از اهداف اعتکاف، تفکر بوده است. زندگی روزمره و اشتغال به آن، گاه فرد را دچار غفلت می‌کند و اعتکاف، فرصت خوبی برای تفکر است تا اینکه انسان از حالت غفلت خارج شود و هوشیارانه به زندگی خود ادامه دهد، این عنصر در رهبانیت مسیحی و زندگی صوفیانه کمتر لحاظ می‌شود. آری، اعتکاف سنت حسنه‌ای است که فرد را از غفلت خارج می‌سازد و عزم او را در حیات اجتماعی جدی‌تر می‌نماید و شخص در صدد جبران گذشته برمی‌آید. اعتکاف، فرصت خوبی برای اعتراف است. چنان که نظامی گنجه‌ای گفته است:

زین دامگه، اعتکاف بگشای **** بر عجز خود اعتراف بنمای

برنامه‌ای یکساله برای جوانان: برای اینکه از همین ماه رجب تا ماه رجب آینده، بنایشان را بگذارند بر اینکه تمرین کنند و به مدد برکات این ماه‌های عزیز، بتوانند این برنامه را انجام بدهند. نماز اول وقت است. نماز را اول وقت بخوانید و اگر توانستید، به جماعت بخوانید و اگر هم نشد، همان اول وقت بخوانید. شاید جوان، به خصوص در زمان‌هایی که شب‌ها کوتاه است و اذان صبح خیلی زود اتفاق می‌افتد و وقت ادای نماز کم است، شکست بخورد؛ عیبی ندارد؛ برای فردا شب نقشه بکشد؛ برای پس فردا شب؛ برای هزار شب دیگر. باید برنامه بریزیم که نمازمان را اول وقت بخوانیم؛ اما باید در نظر بگیریم که یکی از نمازهایمان نماز صبح است که خیلی هم اول وقت خواندنش مهم است؛ بنابراین، برای آن هم باید نقشه داشته باشیم؛ تا حتماً در طرحمان آن را هم به اول وقت برسانیم که مشکلی خیلی بیشتر از ظهر و عصر و مغرب و عشاء است؛ مثلاً ممکن است که دانشجویی وقت نماز ظهر و عصرش در کلاس مشغول باشد. ما نمی‌گوییم که از کلاس بیرون بیاید؛ اما هر وقت کلاس تمام شد، بلافاصله بروید نمازش را بخواند؛ تا از اول وقتش خیلی دیر نشود و بعد هم اگر گرسنه بودید، ناهار بخورید و نماز عصر را بلافاصله بخوانید. این نماز اول وقت را برایش بکشیم. در روایت می‌فرماید: شیطان از کسی که نمازش را اول وقت می‌خواند و بر آن مراقبت می‌کند، همیشه ترسان است. این نکته را هم به نماز اول وقت اضافه کنیم که نماز صحیح بخوانید؛ بنابراین، برای اینکه نماز صحیح باشد، من ناگزیرم که رکوع صحیح بیاموزم؛ غسل صحیح بیاموزم؛ یک حمد و سوره صحیح بیاموزم و مسائل دیگر نماز را بیاموزم که اگر کفش را جمع کنی، ممکن است در سه چهار ساعت بشود به هم‌ه‌اش پرداخت. اگر می‌خواهید همیشه سالم و محفوظ بمانید، نماز اول وقت بخوانید. نماز اول وقت، ایجاد کننده ترس از خداست. بعضی جوان‌ها دو دقیقه نماز می‌خوانند؛ نه دو دقیقه و نه نیم ساعت. ما که یک ذره بیشتر کش می‌دهیم -که آنهم از روی عادت است و قیمت ندارد- می‌شود پنج دقیقه. «سبحان ربی العظیم و بحمده» را صحیح بگو؛ یک بار بگو؛ اما صحیح و با آرامش بدن. صحیح خواندن نماز، مثل این است که انسان به دیوار مستحکمی تکیه کرده باشد. این امر را اگر شما به دست بیاورید،

حتی با نیروی خیلی زیاد هم این زمین نمی‌خورد. شاید تکان بخورد؛ اما زمین نمی‌خورد. ممکن است حوادث مهمی هم برای انسان پیش بیاید، اما آن حوادث، با نماز اول وقت و صحیح، او را به زمین نمی‌زند^۱.

احکام شرعی: اگر مکان‌هایی برای وضو و شستن دست‌ها و دندان‌ها در خارج از مسجد فراهم شده باشد، آیا واجب است مکان خاصی در داخل مسجد تهیه شود تا معتکف از مسجد خارج نشود؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): صرف نیاز به خروج از مسجد برای طهارت و نظافت برای جواز خروج کافی است و تهیه مکانی در داخل مسجد واجب نیست.

گلستان پندها: سقف آبی مسجد و زمین، حرم امن خدا بود، ولی من بنده خوب خدا نبودم. من که زندگی‌ام سرشار از شادی است، آن را احساس نمی‌کنم. احساس خسران و پوچی از درونم شعله می‌کشد. نمی‌توانم آنچه را می‌بینم باور کنم: من گم شده‌ام یا خدا؟! من فرار می‌کنم یا دنیا؟! من ریزترین ماهی و تو آبی‌ترین دریا. من ستاره‌ای در کور سوی کهکشانم و تو آسمان بیکرانی. گریه، ناله، اشک... و ناگهان امید در دلم جوانه زد. خاک‌های لباسم را می‌تکانم، غم‌هایم را پشت در مسجد چال می‌کنم. من معتکف می‌شوم. مثل یونس در دل نهنگ. من در دل دنیا معتکف شده‌ام. خدایی جز تو نیست و من بنده ستمکار تو هستم. روز اول سخت و آسان؛ امروز سیزدهم رجب است. امروز روز آشنایی است، مرا به یاد می‌آوری خدا؟! نماز می‌خوانم، توبه می‌کنم. از فکرهای بد، از کارهای ناشایست. از فراموشی مبهم زندگی. من تو را فراموش نکرده‌ام، ای دوست. روز دوم فرا رسید؛ نه گرسنه‌ام، نه تشنه. نه بیدارم، نه خواب. میدانم امروز چهاردهم رجب است. خورشید زیباست، آسمان آبی پیدا است؛ اما من این‌ها را بر سقف آبی مسجد می‌بینم. هنوز هم معتکفم. از بیرون بی‌خبرم، اما درونم را می‌بینم، خودم را تماشا می‌کنم. در صورت مردم، در آیات قرآن؛ و آفتاب غروب می‌کند در روز دوم. سجاده‌ام را باز کرده‌ام، امروز روز سوم است. ظهر روز سوم، لقمان، یا سین، انعام، بنی اسرائیل و کهف؛ همه را به شهادت می‌گیرم. شما آیات قرآن می‌دانید که من عاشقانه خدا را دوست دارم. توبه کرده‌ام، پشیمانم. شاید بدون یاد خدا زنده باشم، ولی زندگی نمی‌کنم. از نعمت‌های خدا بهره نمی‌برم. من آلودگی‌ها را پاک کرده‌ام. حالا دیگر پاک پاکم. دیگر می‌توانم به شادی سرم را بالا ببرم، من خودم و تو را تصویر می‌کنم؛ و دریایی اشک که گناهانم را پاک کرد. دعایم برآورده شد، دو سنیام پذیرفته شد، من قبول شده‌ام. محدثه جلیلود

اعتکاف به معنای ماندن در جایی یا همراه بودن با چیزی است. در شرع مقدس اسلام، اعتکاف به عمل خاصی گفته می‌شود که در آن انسان به انگیزه نزدیکی جستن به خداوند متعال، دست کم سه روز در مساجد معینی مانند مسجدالحرام و مسجدالنبی و مسجد جامع هر شهر اقامت کند. به کسی که این عمل نیکو و عبادت خالصانه را انجام دهد، مُعْتَكِف می‌گویند. اعتکاف را می‌توان آمیزه‌ای از چند عبادت یا فضیلت به حساب آورد. روزه یکی از شرایط اعتکاف است و نماز یکی از آداب آن و حضور در مسجد به هنگام اعتکاف، خود عبادتی دیگر است. اعتکاف انگاره‌ای از حج است؛ به ویژه محرمات اعتکاف که طبق نظر برخی از فقها، همان محرمات هنگام احرام در حج است؛ بنابراین، این سنت نیکوی محمدی می‌تواند نقش مهمی در برآورده ساختن نیازهای روحی و تکامل معنوی انسان داشته باشد. اعتکاف از عبادت‌های مخصوص به دین اسلام نیست و در ادیان گذشته هم مرسوم بوده است. در حقیقت اسلام استمراردهنده این عمل نیک است. خلوت و تنهایی اعتکاف برای یک مسلمان، فرصت خوبی است تا به فراخور توان خود، برای مدتی از مردم و جامعه جدا شود و به درون خود روی آورد. این خلوت کردن با خود و اندیشه در نقطه‌های ضعف و قوت خود، رهاورد بسیار خوبی برای انسان است. معتکف در فضای روحانی مسجد و خلوت خود، فرصت می‌یابد با معبود خویش انس بیشتری یابد و زمینه مناسبی برای کاوش در انگیزه‌ها و توانایی‌های روحی و معنوی خود پیدا کند و بال و پری برای اوج گرفتن به سوی معنویات به دست آورد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) علاوه بر مشارکت عملی در اعتکاف، با بیان ثواب و فضیلت آن، مسلمانان را به مراسم اعتکاف تشویق می‌نمود. حضرت می‌فرمایند: «اعتکاف از روی ایمان و اخلاص باعث آموزش گناهان گذشته می‌شود». اعتکاف از نظر زمانی محدودیت خاصی ندارد. در هر زمانی می‌توان معتکف شد؛ ولی در بعضی از روزها فضیلت بیشتری دارد. در دهه آخر ماه رمضان بسیار مناسب است که انسان اعتکاف کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همه ساله، این دهه را اعتکاف می‌نمودند و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) نیز با او همراه بودند. یکی دیگر از زمان‌هایی

^۱ از بیانات آیت‌الله جوادان

که در روایات بر اعتکاف در آن سفارش شده است، روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ رجب است که در روز پانزدهم با به جا آوردن عمل امّ داوود پایان می‌پذیرد و معتکف با خواندن چندین سوره از قرآن و نمازهای مخصوص این روز، روح و روان خود را صفا می‌دهد. امام علی (علیه السلام) در باب آداب اعتکاف می‌فرمایند: «معتکف باید در طول اعتکاف مسجد را ترک نکند؛ پیوسته به ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز مشغول باشد؛ درباره مسائل دنیوی سخن نگوید؛ سخنان زشت بر زبانش جاری نشود؛ جدال و خودنمایی نکند و هر اندازه بتواند از سخن گفتن لب فرو بندد، بهتر است». یکی از چیزهایی که معتکف باید مراقبت نماید، توجه به این است که در چه مکان با عظمتی حضور یافته است. او در خانه‌ای مأوی گزیده است که خداوند آن را بزرگ داشته و به دیگران فرمان داده است تا بزرگی آن را پاس دارند. مسجد مکان مقدسی است که مردان وارسته الهی در آن به ذکر خدا مشغول می‌شوند؛ بنابراین حضور در آن، آداب مخصوص به خود را می‌طلبد. بلند سخن گفتن، غیبت کردن، گفت‌وگو درباره امور دنیوی و سخنان بی‌جا به زبان آوردن هرگز با مسجد سازگار نیست.

منبر سی و پنجم: "اعتکاف" فصلی است برای گریستن، برای ریزش باران رحمت، برای شستن آلودگی‌های گناه، برای تطهیر صحیفه اعمال، برای نورانی ساختن دل و صفا بخشیدن به روح.

آیه: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَاسْلُمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ...» (نور: ۶۱)؛ هرگاه وارد خانه‌هایی شدید به خودتان سلام کنید آن تحیتی است مبارك و پاکیزه از جانب خدا.

حدیث: پیامبر صلی الله علیه و آله: "أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ أَحَا سُنُّكُمْ أَخْلَاقًا لُمُوطًا تُؤْنُونَ أَكْنَافًا، أَلَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ؟! آيا شما را از بهترين افرادتان خبر ندهم؟ عرض کردند: بله، ای رسول خدا. حضرت فرمودند: خوش اخلاق‌ترین شما، آنانند که نرم‌خو و بی‌آزارند، با دیگران انس می‌گیرند و از دیگران انس و الفت می‌پذیرند.

دانستنی‌های اعتکاف: اعمال ایام البیض: (۱۳، ۱۴، ۱۵ رجب) به روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه ایام البیض گویند که برایش اعمالی روایت شده است: شب سیزدهم: مستحب است در هر يك از ماه رجب و شعبان و رمضان، در شب سیزدهم دو رکعت نماز اقامه شود که در هر رکعت حمد يك مرتبه و یس و تَبَارَكَ الْمَلِكُ و توحید خوانده شود و در شب چهاردهم چهار رکعت یعنی دو نماز دو رکعتی به همان کیفیت و در شب پانزدهم شش رکعت به سه سلام به همان کیفیت. از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر کس این اعمال را انجام دهد همه فضایل این سه ماه را دریابد و همه گناهانش غیر از شرك آمرزیده شود. روز سیزدهم: اول روز از ایام البیض است و ثواب بسیاری برای روزه این روز و دو روز بعد وارد شده و اگر کسی قصد انجام اعمال اُم داؤد در روز سوم را دارد باید این روز را روزه بگیرد و در این روز بنا بر قول مشهور بعد از سی سال از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در میان کعبه مُعَظَّمَة واقع شده است.

اخلاق: غسل شفاعت: می‌دونی غسل اصل، از کجا به دست می‌آد؟ از شهد گل. پس قرآن، مثل غسل می‌مونه؛ چون اونم از شهد گل به دست اومده، گلی که اسمش خداس. هیچ می‌دونی اگه غسل هزار سال بلکه بیشتر هم بمونه، فاسد نمی‌شه؟ همان طوری که الان غسل‌هایی مال زمان فرعون، توی موزه‌ها نگه‌داری می‌شه و سالم سالمه و این دُرُست مثل قرآنه که بالای هزار سال ازش می‌گذره و هنوز که هنوزه، تغییری و تحریفی پیدا نکرده. می‌دونی اگه دستت پر از میکروب باشه و با همون میکروبا، به ظرف غسل فرو کنی، اصلاً آلوده نمی‌شه، بلکه میکروب‌ها رو هم از بین می‌بره؟ دُرُست مثل قرآن که وقتی آدمای آلوده می‌رن سراغش، آلوده که نمی‌شه هیچ، بلکه اونا رو هم پاک پاک می‌کنه. می‌دونی قرآن درباره غسل چی می‌گه؟ می‌گه: «فیه شفاء للناس»؛ یعنی غسل برا مردم حکم دارو داره و دردهای اونا رو درمون می‌کنه و این همون حرفیه که خدا درباره قرآن زده و می‌گه: «و نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ» یعنی قرآن برا مردم داروس و دردهای روحی و روانی اونا رو درمون می‌کنه. می‌دونی غسل حاصل وحی خداس؛ چون خود خدا تو قرآنش می‌گه: «وَ أَوْحِي رَبِّكَ إِلَيَّ النُّحْلُ»؛ یعنی خدا به زبور وحی کرد که مثلاً کجا برو؛ چی کار بکن که محصولت بشه غسل؛ همان طوری که قرآن وحی خداس، چون خودش می‌گه: «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»؛ یعنی قرآن وحی خداس به پیغمبرش. می‌دونی غسل اصل، اولش تو کوه به دس می‌اومد؟ دُرُست مثل قرآن که اولش تو کوه نازل شد؛ کوهی که الان جبل النور، (کوه نور) بهش می‌گن. می‌دونی چرا بهش می‌گن کوه نور؟ چون قرآن دَرش نازل شد و قرآن نور هس و یکی از اسماش هم نوره. خوش به حال اونایی که به این نور رو می‌کنن. این جور آدمای اصلاً خودبین نمی‌شن؛ اصلاً خود بزرگ بین نمی‌شن؛ اصلاً خودخواه و خودپسند نمی‌شن. خودخواهی، خودپسندی، اصلاً خودبینی و خودبزرگی بینی؛ مال اونایی هس که به این نور پشت می‌کنن. برا این که منظورم بهتر متوجه بشی، همین امشب توی حیاط خونت حیاط داشته باشه و جناب باد هم بگذاره، یه شمع روشن کن و مقابلش بایست؛ در این صورت، جز نور نمی‌بینی؛ اما اگه پشت به اون شمع کنی، خودت رو می‌بینی؛ یعنی سایه خودت رو، اونم بزرگ‌تر از اونی که هستی! آره، هر که پشت به نور بکنه، خودش رو می‌بینه، خیلی هم بزرگ! پس همین برات یه ملاک باشه که هرگاه خودت رو دیدی، بدون که پشت به نور کردی و پشت به نور قرآن! بگذریم؛ باز از غسل بگیم؛ غسلی که خیلی شیرینه؛ البته نه برا همه؛ بلکه برای کسانی شیرینه که ذائقه داشته باشن؛ همان طوری که قرآن شیرینه؛ ولی نه برا همه؛ بلکه برا کسانی که یه ذوقی داشته باشن. هر که ذوق داشته باشه، قرآن براش شیرینه؛ مثل غسل و ماه رمضان که ماه قرآنه، براش می‌شه ماه غسل و من حیث می‌آد که همین جا یه سرانگشت از این غسل نچشیم؛ ببین! من آیشو می‌خونم و تو معنانش کن و آیه‌ای می‌خونم که همیشه تو نمازات می‌خونی؛ پس

باید برات خیلی معلوم باشه و باید خیلی باهاش مأنوس باشی و آیه اینه: «قل هو الله احد». حالا می شه برام معنا کنی؟ معنایش برا همه روشنه؛ یعنی «بگو خدا یکیه؛ یعنی دو تا نیس؛ ده تا نیس؛ صد تا نیس». خیلی معذرت می خوام این که خدا ده تا یا صد تا نباشه، چه هدایتی و چه درسی می تونه برامون داشته باشه؟ آخه این حرفیه که من و تو باید روزانه چن بار اونم تو نماز امون تکرارش کنیم؟ نه رفیق! معنای آیه اینی که گفتی، نمی تونه باشه. پس معنایش چیه؟ «قل هو الله احد» یعنی چی؟ خیلی معنایش دقیقه؛ خیلی معنایش آموزنده س. به خدا اگه به معنایش دقت می کردیم، یه دنیا معنویت می شدیم و اگه مطابقش عمل می کردیم، دنیا گلستون می شد. حیف و صد حیف که ما به معنای حرفایی که تو نماز امون می زنیم، هیچ توجه نمی کنیم. نماز، نقشه اش، نقشه زندگیه و زندگی کردن رو می آموزه. حالا این آیه چی می خواد بگه و اصلاً معنایش چیه؟ این آیه می گه که خدا یکیه؛ یعنی يك رو و يك رنگه و ظاهر و باطنش یکیه و با بنده هاش یکیه و حرف اولش و آخرش یکیه. این جور نیس که در ظاهر باهات خوب باشه و جلوت تمام قد بایسته؛ اما پشت سر خنجر باشه. این جور نیس که با یکی مهربون باشه و با یکی دشمنی داشته باشه. این جور نیس که امروز یه چیز بگه و فردا چیز دیگه؛ امروز بگه من شما رو می بخشم و فردا بزنه زیرش. حالا حسابش کن که اگه آدم روزی چن بار این آیه رو تو نماز بخونه و به معنایش توجه داشته باشه و هی به خودش بگه: فلانی! خدا یکیه؛ تو چی و با همه یکیه؛ تو چی و ظاهر و باطنش یکیه؛ تو چی و حرف اول و آخرش یکیه؛ تو چی؟ فکر می کنی اثر نمی کنه؟

احکام شرعی: اگر معتکف بعد از اعتکاف نیاز به کالایی داشته باشد آیا جایز است که در هنگام اعتکاف آن را تقاضا کند و گرفتن کالا بعد از اعتکاف باشد؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی): اگر باعث خارج شدن از مسجد نشود، صرف قرار گذاشتن بدون عقد خرید، اشکال ندارد.

گلستان پندها: گلبرگ نیاز: تو همیشه با منی، اما چشم من گرفتار رنگوارنگ دنیا و دلم دربند نیاز و خواهش نفس است. درونم دلتنگ است از دوری تو. دلم سخت بهانه تو را می گیرد. چند روزی می خواهم تنها با تو باشم، تنها تو را حس کنم و تنها تو را ببابم؛ تو را که سرچشمه وجود منی، روزی ده من، حافظ من، یار و یاور من، برطرف کننده نیازهایم و برآورنده حاجاتم، تویی که همه امید منی. کدام اندوه، کدام سختی و کدام گره کور دلم را خواهد آزد وقتی من در این چند روزه اعتکاف تو را ببابم و دریابم که تو خدای بزرگ و مهربان من همیشه با منی؟ از آن روز که نهال کوچک و ناتوان وجودم را در عالم خاک کاشتی و به مهربانی آبیاری کردی تا امروز که اندکی پا گرفته ام و جوانه ای زده ام، همیشه و هر لحظه تنها تکیه گاهم به تو بوده است. چه بسیار لحظه ها که این تکیه گاه محکم را از یاد برده ام و دلم از سختی های خاک لرزیده و فرو ریخته است، اما امروز آمده ام تا این تکیه گاه محکم و استوار را بیشتر باور کنم و با نزدیک تر شدن به تو، وجود ضعیف خود را به محور پایدار و استوار وجود تو بیش از پیش تکیه دهم، بدان امید که هرگز فرو نیفتم. پس ای عزیز! لحظه ای مرا به خود وامگذار. ریشه های تازه در خاک دوانده ام و جوانه های تازه ام را رو به خورشید وجودت گرفته ام؛ اما دور از تو در خاک بودن سخت است. آفت بسیار است و نهال وجود من نازک و نحیف. طوفان ها می وزند و من بی تو، بی تکیه گاهم. محتاج دمی خلوت با تو هستم تا برویم تا استوارتر شوم تا پا بگیرم. می خواهم امروز حصار بی بسازم، بین خودم و هر چه غیر توست. بین خودم و همه باده ها، طوفان ها و آفت ها. می خواهم که در حصار کوچکم، تو باشی و من، من باشم و تو، تو بتابی و من رشد کنم. من تو را بخوانم و تو نگاهم کنی تا فردا که گاه ثمر دادن فرامی رسد، میوه وجودم بوی خوب تو بدهد. دل جوان مرا بنگر. هنوز آنقدر زمان بر من نگذشته که دلم رنگ و بوی دنیا بگیرد. هنوز دلم آبی است و چشمم بوی آسمان می دهد. آه که غبار دنیا چه زود و چه سخت دل ها را کدر می کند. ای مهربان پاک من! سه روز مرا به سوی خود بخوان و در خانه ات مهمان کن تا آبخار رحمت، همان اندک گرد و غبار دنیایی را هم که بر دل جوان من نشسته است، پاک کند و از بین ببرد. نمی خواهم با گذر جوانی، رنگ آبی دلم خاکستری شود. پس سه روز مرا به سوی خود بخوان و پاک تر و تازه تر از پیشم کن. جوانی سرشار از شور و نشاطم. شور و شوق سفر به سوی تو زنده تر می دارد. سفری سخت و دشوار، عبور کردن از خود، از نیاز خود، از خواسته های خود تا خدا تا هستی محض تا معبودی بی همتا. صبح تا شب لب از خوردن و آشامیدن بستن و شب تا صبح لب به ذکر و نیایش با تو گشودن، همه خواسته های نفس را رها کردن و تنها تو را طلبیدن. رفتن به سفری که هر کس را نشاید و هر دلی آن را نتواند؛ و من امروز در این سفر سخت به خودم، به فرشتگان تو و به عالم هستی میاورانم که این بنده حقیر تو، به راستی تو را می طلبد و تو را بندگی می کند، آنچنان باوری که هرگز از میان نرود. ای معبود مهربان من! مرا دریاب و رهایم مکن. گفתי مهمان را عزیز بدارید که مهمان، حبیب

خداست. امروز من به مهمانی تو آمده‌ام. ای عزیز! مهمانت را دریاب و سبد احتیاج مرا از لطف و مهربانی پر کن. دلنشین‌تر از مهمانی تو چیست که در هر مهمانی، صاحبخانه خود مهمان سفره توست. این یگانه سفره‌ای است که در آن صاحبخانه، به راستی صاحبخانه است و دستش در عطا و بخشش گشوده است. ای مهربان! بر تهیدستی‌ام راضی مشو که به هزاران امید به مهمانی تو آمده‌ام. منیره زارعان

منبر سی و ششم: مراسم‌های جمعی حین برگزاری اعتکاف بسیار مهم است اجرای برنامه شبی با قرآن با دعوت از قریان ممتاز کشوری

آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور: ۲۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست، وارد نشوید، مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید. این به نفع شماست، شاید پند گیرید.

حدیث: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «فِي التَّوَرَةِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمْلَأُ قَلْبَكَ غِنًى وَلَا آكِلَكَ إِلَى طَلَبِكَ وَعَلَى أَنْ أَشَدَّ فَاقَتَكَ»؛ در تورات نوشته شده است: ای فرزند آدم! برای انجام عبادت من فراغت بیار تا من دل تو را از بی‌نیازی سرشار سازم و بدون اینکه تو طلب کنی، حاجتت را برآورده کنم و من خود را ملتزم می‌دانم که حوائج تو را برطرف نمایم؛ و نیز آن حضرت نقل نموده که پیامبر اکرم فرمودند: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحَبَّهَا بِجَسَدِهِ وَتَفَرَّغَ لَهَا»؛ با فضیلت‌ترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و با اشتیاق تمام عبادت را به آغوش بکشد و با جسمش آن را دوست بدارد و برای آن فراغت بیارود.

دانشتني‌های اعتکاف: فضیلت اعتکاف: انسان در گریز از هوای نفس و فرار از اشتغالات زندگی، در طریقت انس با معبود همواره نیازمند خلوتی است تا در انزوای وجود خویش در آثار صنع پروردگارش با دیده عبرت بیندیشد و با سوز دل و اشک دیده، باطن خود را از زنگار گناهان بشوید و خانه دل را مصفای حضور خالق هستی بخش سازد و اعتکاف زمینه چنین خلوتی را فراهم می‌کند و فرصت و مجالی می‌دهد برای پرداختن به امور نفس خویش و جلوه‌گری نور محبت خدا در اعماق سرای وجود انسان تا انسان بدون دلواپسی از کارهای انجام نشده و وابستگی‌های روزمره، خود را در سرای معبود خویش نظاره‌گر باشد.

مساجد همواره به عنوان پایگاه اعتکاف، مرکز خلوت و انس عابدان با معبود خویش محسوب می‌گردند و اعتکاف روزهایی در خلوت خویش با خود بودن و به یاد خدا زیستن است. اعتکاف گشت و گذاری است در کوچه پس‌کوچه‌های درون و گشتن در دنیای تو در توی دل و شناختن خود و مجاهده با نفس و انس با معبود. اعتکاف بریدن از غیر و پیوستن به دوست برای دوباره برگشتن به جامعه است، منتهی با ره تو شه درون سازی. اعتکاف هجرتی درونی برای سیر در دنیای باطن است و مروری بر نفسانیات خویش است تا گام تهذیب برداریم و گام بندگی بگیریم. اعتکاف تمرینی است سه روزه، با «قیام» و شب زنده‌داری و «صیام» و روزه‌داری تا يك عمر در معبد نیاز و سجده‌گاه راز و نیاز، معتكف حريم بندگی با شيم. اعتکاف اهل عبادت را «عید حضور» است و اهل غفلت را روزنه‌ای به سوی نور. خواندن و شنیدن کجا و دیدن و چشیدن کجا.

اخلاق: تمرین حضور: هوای این روزها چقدر سنگین است! خواهش‌های دلم سر ریز کرده‌اند. چقدر بوی خاک گرفته‌ام. دلم لحظه‌ای حضور می‌خواهد. ماه رجب فرامی‌رسد؛ ایام البیض ماه رجب، اقراری است که هر سال تکرار می‌شود. سجاده‌ام بی‌تابی می‌کند. قرآن، مفاتیح، چادر نماز... کوله بار سفر را مهیا می‌کنم. با چشم‌هایم قرار گذاشته‌ام آرام ننشینیم. به دست‌هایم قول داده‌ام شکوفه خواهند کرد. «حیّ علی خیر العمل» دو رکعت عشق به جا می‌آورم؛ قربة الی الله الله اکبر. باید حضور را تمرین کنم. جامه‌ام را به رنگ عدم درآورم، واژه‌هایم را تطهیر می‌کنم. باید برای خواهش‌های دلم حکم تخلیه صادر کنم. شیطان را به اسارت اراده‌ام درمی‌آورم و نفس را زیر گام‌های استوار یقین، لگدکوب خواهم کرد. اینجا هیچ کس شبیه هیچ چیز نیست. گرفتاران نا سوت، از بند هوا رها شده‌اند. عطر ملکوت، در تمام رکعت‌ها موج می‌زند. شیطان، اسیر انسان می‌شود و انسان، حقیقتی که در خلوت این روزها خودش را مرور می‌کند. تعلقات رنگ می‌بازد و سهم هر کس به اندازه وسعت سجاده‌اش می‌شود. مسجد، غرق در بوی خداست... عاطفه خرمی

احکام شرعی: استفاده از صابون و خمیردندان عطری چه حکمی دارد؟ آیا استفاده از بوی خوش بر آن صدق می‌کند؟ آیا همان حکم احرام حج و عمره را دارد؟ اگر در لباس‌ها و بدن معتكف عطر باشد، بدون آنکه معتكف آن را استشمام کند آیا جایز است؟ اگر آن را استشمام کند ولی لباس دیگری نداشته باشد حکم چیست؟ خوردن غذاهایی که بوی خوش دارد چه بوی طبیعی یا مصنوعی، چه حکمی دارد؟

^۱ الکافی، ج ۲، ص ۸۳

^۲ الکافی، ج ۲، ص ۸۳

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): قبلاً گذشت که برای شناخت محرمات اعتکاف به تحریر الو سیله امام خمینی مراجعه شود.

گلستان پندها: اعمال شب نیمه ماه رجب: شب نیمه ماه رجب، شب شریفی است و در آن انجام چند عمل ذکر شده است: ۱- غسل ۲- احیاء آن شب به عبادت. ۳- زیارت امام حسین علیه السلام (اگر از نزدیک میسر نشد از دور زیارت شود). ۴- شش رکعت نماز که در شب سیزدهم ذکر شد. ۵- اقامه سی رکعت نماز که در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره توحید قرائت شود. این نماز را سید بن طاووس از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فضیلت بسیار دارد. ۶- دوازده رکعت نماز که هر دو رکعت به یک سلام ختم می‌شود که در هر رکعت هر یک از سوره‌های حمد، توحید، فلق، ناس، آیه الکرسی و قَدر چهار مرتبه قرائت شود؛ و بعد از سلام چهار مرتبه گفته شود: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا»؛ و پس از اتمام نماز، اقامه کننده آن، هر حاجتی که دارد را از خداوند متعال درخواست کند. این نماز را سید بن طاووس از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. ولکن شیخ در مصباح ذکر کرده که داود بن سرحان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ایشان فرمود: در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز اقامه کنید که در هر رکعت حمد و سوره یکبار تلاوت شود و پس از اتمام نماز، سوره‌های حمد و معوذتین و سوره اخلاص و آیه الکرسی را چهار مرتبه تلاوت می‌کنید و سپس ذکر «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه گفته شود. پس از آن ذکر «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» گفته شود. انجام این عمل برای شب بیست و هفتم رجب نیز توصیه شده است. اعمال روز نیمه رجب: این روز، روز مبارکی است و برای آن روز انجام چند عمل توصیه شده است: ۱- غسل ۲- زیارت حضرت امام حسین علیه السلام. از ابن ابی بصیر نقل شده است که گفت از امام رضا علیه السلام پرسیدم که در چه ماهی امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟ حضرت فرمودند: در نیمه رجب و نیمه شعبان ۳- اقامه نماز سلمان ۴- اقامه چهار رکعت نماز که دو تا دو رکعتی خوانده شود.

و بعد از سلام دست خود را بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ؛ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُغَيِّبِي الْمَذَاهِبَ؛ وَأَنْتَ بَارِي خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَ أَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالذُّصْرِ عَلَى أَغْدَائِي وَ لَوْ لَا ذُصْرُكَ لَيَأَيُّ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ يَا مُزِيلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ مُدْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَنْعَزُّوْنَ وَ يَا مَنْ وَصَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَغْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِكَيْتُوبِيَّتِكَ الَّتِي اسْتَفَقْتُهَا مِنْ كِبَرِيَّاتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِكِبَرِيَّاتِكَ الَّتِي اسْتَفَقْتُهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُدْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ».

منبر سی و هفتم: برنامه‌ریزی جهت جذب کمک مالی خیران برای بهتر اجرا شدن برنامه‌ها می‌تواند کمک شایانی جهت برگزاری برنامه‌های متنوع نماید.

آیه: «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ» (نور: ۲۸)؛ اگر درخانه کسی را نیافتید تا اجازه دریافت نکرده‌اید، وارد نشوید.

حدیث: امام صادق علیه السلام: «وَقَدْ سُئِلَ عَنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ: أَلْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ صَلَٰهُ مَنْ قَطَعَكَوْ إِعْطَاءُ مَنْ حَزَمَكَ وَ قَوْلُ الْحَقِّ وَ لَوْ عَلَىٰ نَفْسِكَ»؛ درباره مکارم اخلاق سؤال شد، فرمودند: گذشت از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه با کسی که با تو قطع رابطه کرده، عطا به آن کس که از تو دریغ داشته است و گفتن حق اگرچه بر ضد خودت باشد.

دانشتنی‌های اعتکاف: اهمیت و فضیلت اعتکاف: اعتکاف در لغت به معنای حبس و توقف و رو کردن به چیزی است با تعظیم و تکریم؛ و در اصطلاح، به معنای توقف و ماندن سه روز و بیشتر از آن در مسجد جامع می‌باشد. قرآن کریم در آیاتی به مسئله اعتکاف اشاره کرده است؛ از جمله به حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام فرمان می‌دهد که خانه خدا را برای طواف کنندگان و معتکفان و نماز گذاران آماده سازید، آنجا که فرمود: «إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵)؛ و [به خاطر بیاورید] هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن برای مردم قرار دادیم و (برای تجدید خاطره) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید.

این آیه شریفه به صراحت از اعتکاف در مسجدالحرام سخن به میان آورده است، ولی از آنجا که همه مساجد خانه‌های خداوند در روی زمین هستند، اعتکاف در هر یک از آن‌ها در صورت جامع بودن مورد توجه خداوند است و دارای پاداش فراوان؛ البته با حفظ مراتب و درجات مساجد.

اخلاق: سخن دل: اعتکاف هم‌نشینی با قدسیان و فرشته خویان است. اعتکاف سنت اسلام است، سنت اسلام ناب محمدی. معتکف روزه‌اش، نمازش، حضورش در مسجد و دیگر اعمالش مایه تقرب است. اعتکاف عهد موّدت و میثاق مجدد با پروردگار است. اعتکاف تمرین انقطاع از غیر الله است. اعتکاف فرصتی برای پیرایش دل از زنگار گناه است. اعتکاف، همراه با مراعات آداب و شرایط آن، در حقیقت ورود به عرصه‌ی «جهاد اکبر» و مبارزه با نفس است. ماه رجب ارزشمند است، ماه سلوک و زدودن زنگارهای شیطانی از آیین دل است؛ ماه ولایت و برافروختن چراغ معرفت در شبستان وجود است؛ ماه رجب گاه اعتکاف است.

احکام شرعی: آیا اجرای دیگر عقود و ایقاعات در هنگام اعتکاف جایز است؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مانعی ندارد.

گلستان پندها: خلوتی برای رسیدن: کنج کوچک این مسجد، چه وسعت فراخی در خویش نهفته دارد! اینک منم که تنها نشسته‌ام در گوشه‌ای که جز تو کسی را نمی‌بینم و جز تو نمی‌خواهم. اینک منم! که یک سال عصیان و سرکشی و گناه خویش را به آب چشمه عبادت تو، از پیکر آلوده خویش فرو می‌ریزم. من نیازمندم، به فرصتی دوباره برای نفس کشیدن و زنده بودن به فرصتی دوباره و به وسعتی بی‌کران‌تر برای پرواز، برای رسیدن و نزدیک‌تر شدن تمام غربت و بی‌کسی خود را از تک‌تک کوچه‌ها و خیابان‌های ظلم زده وحشی، به دوش گرفته‌ام تا کُنْجی بیابم و سفره دردهایم را در محضر تو بگشایم. این سنت سالیانه همه آنانی است که چونان من، نیاز و راز خویش را جز به درگاه تو نخواهند که آشکار کنند. باید حضور تو را پررنگ‌تر به خویش بنمایانم. نخواهم گذاشت یاد تو، در ازدحام این همه غیر تو، در ازدحام این همه ولوله در هم پیچیده که در هیچ کدام، نام تو را نمی‌توان شنید، از یاد ببرم. آری! نخواهم گذاشت. جهان، لبریز از ابلیس‌های کوچکی است که هر لحظه، و سوسه‌ای در گوش جانم می‌افکنند که مباد زمزمه‌های آسمانی، در بصیرت من بنشیند! باید کُنْجی یافت، خلوت و آرام، خالی از همه ولوله‌ها و ابلیس‌ها، کُنْجی برای آنکه به یاد آورد و تکرار کرد، نامی را که هر لحظه، تمامی کهکشان‌ها فریاد می‌کنند. باید دانست که در ورای غفلت همه مردمان در خواب فرو رفته، کسی هست که از

روح خویش در ما دمیده است، در من و تو و این، همان چیزی است که هرگز فراموش نباید کرد. وَه که چه شب‌های سرشاری! چه روزهای لبریزی! اینک سه شب است و سه روز که تنها به تو اندیشیده‌ام. تنها تو را خوانده‌ام. حس می‌کنم که سبکبارتر، برمی‌خیزم. حس می‌کنم که رنگِ زلال‌تری به خویش گرفته‌اند، همه دیوارها و پنجره‌ها، همه آدم‌ها، همه ابرها و پرندگان و آب‌ها، حس می‌کنم که مهربان‌تر شده‌ام، حس می‌کنم که ابلیس‌ها از من می‌گریزند و ابلیس زدگان، با شرم از کنارم عبور می‌کنند. آری! حس می‌کنم که را ضی‌ام...وَه که چه شب‌های روشنی! چه روزهای شفاف‌ی! این خلا سه عظیم بگویند چیست که این گونه مرا به خویش در ربوده است؟ این چه سحری است که این چنین مرا از گوشه کوچک یک مسجد، به اعماق و وسیع‌ترین افاق‌ها می‌کشاند؟ این چه نیرویی است که هر لحظه در من زاده می‌شود و تکرار می‌شود؟ هر لحظه سنگین‌تر می‌شوم و اما این وزن، چه سبکبارم کرده است! و تا یک سال دیگر، قدرتی در خویش می‌بینم که یک سال، مرا به پیش خواهد برد. یک سال مرا زنده نگاه خواهد داشت و یک سال، همواره در گوشم زمزمه خواهد شد، همان نامی که همیشه مشتاق شنیدن آن بوده‌ام. مهدی میچانی فراهانی

منبر سی و هشتم: حمایت دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی از نیروهای تحت پوشش خود برای شرکت در این برنامه معنوی باید به صورت جدی انجام گیرد.

آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما واجب شده همانطور که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید.

حدیث: امام حسین علیه السلام: "لا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فَيَكَاذًا تَوَارَيْتَ عَنْهُ"؛ وقتی که برادر دینی‌ات از تو جدا شد، سخنی پشت سر او نگو، مگر اینکه دوستداری او در پشت سر تو آن را بگوید.

دانستنی‌های اعتکاف: در چه مواردی خروج از مسجد مبطل اعتکاف است؟ و در چه مواردی مبطل نیست؟ آیت الله صافی: اگر عمداً و اختیاراً بدون ضرورت عقلی یا شرعی یا عادی خارج شود، اعتکاف باطل می‌شود و اگر برای اموری که ذکر شد بیرون رود یا او را اکراه بر بیرون رفتن نمایند باطل نمی‌شود، ولی اگر نسیاناً از راه فراموشی بیرون رفت اگر اتمام آن واجب شده باشد، تمام کند و اگر اعاده واجب باشد اعاده نماید. آیت الله بهجت: خروج از مسجد با عمد و اختیار مبطل است. آیت الله مکارم: عمداً و اختیاراً نباید از مسجد خارج شود ولی در مواردی که ضرورت شرعی یا عرفی داشته باشد مانعی ندارد، مانند بیرون رفتن برای قضای حاجت و غسل جنابت و مانند آن یا امثال تشییع جنازه نزدیکانی که اگر در آن شرکت نکند امر شایسته‌ای نیست.

در مواردی که می‌توان از مسجد خارج شد آیا می‌توان نشست یا در سایه رفت یا در جماعت حاضر شد؟ آیت الله صافی: جواز بیرون رفتن برای جماعت مورد اشکال است.

خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟ الف: برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن. ب: جهت تلفن زدن به خانواده در موارد غیرضروری و امور متعارف. ج: جهت دیدار با خانواده در بیرون و در حیاط.

آیت الله خامنه‌ای: الف-جایز است اما زیاد معطل نشود. ب-در موارد ضروری اشکالی ندارد و در موارد غیرضروری اگر امور مستحبی را در برگیرد و طول هم نکشد اشکالی ندارد. ج-در بعضی موارد اشکالی ندارد، مثل رسیدگی امور خانواده و دیدن فرزندان که عدم دیدار باعث مفسده و اشکالاتی می‌شود.

آیت الله بهجت: ضابطه کلی در موارد جواز خروج نیست، هر کاری که خروج برای آن عقلاً یا شرعاً یا عادتاً لازم است از امور واجبه باشد یا راجحه چه متعلق به امور دنیا باشد یا امور آخرت ولی باید اقرب طرق را مراعات نماید و اقتصار کند بر مقدار حاجت و ضرورت، البته خروج هم به قدری طول نکشد که محو صورت اعتکاف شود.

آیت الله سیستانی: به احتیاط واجب جایز نیست، مگر در مورد حاجت ضروری باشد. آیت الله تبریزی: خارج شدن معتکف از مسجد در موارد مذکور جایز نیست. آیت الله فاضل: مانعی ندارد، ولی تلاش کنند این امور با سرعت انجام شده و هر چه سریع‌تر به مسجد برگردند. آیت الله مکارم: الف-برای وضو و غسل مستحبی اشکالی ندارد و برای مسواک که مقدمه آن باشد نیز اشکالی ندارد. ب-اشکال ندارد. ج-اشکال دارد.

اخلاق: مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی رحمه الله: این مرد بزرگ از شاگردان شیخ انصاری رحمه الله و از رهبران جنبش مشروطه است. درباره او چنین نقل کرده‌اند: «ایشان اخلاقی نیکو و نفّسی کریم و دستی باز و محضری خوش و شمایی زیبا داشت و با متانت و وقار و در عین حال متواضع و لطیفه‌گو بود و در انجام وظایف مسجد کوفه و سهله و دیگر عبادات کوتاهی نمی‌ورزید. در همه سال‌ها دهه آخر ماه رمضان را در مسجد کوفه معتکف بود و در بین الطلوعین زیارت عاشورا از او ترک نمی‌شد و در اغلب زیارات مخصوصه از نجف تا کربلا را پیاده می‌آمد»^۱.

احکام شرعی: آیا معتکف می‌تواند خودش اقدام به خرید کند، چه ضروری و چه غیر ضروری؟

^۱ بحارالأنوار، ج ۲۸، ص ۱۲۷

^۲ اعتکاف ابرار، ص ۵۳

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اگر برای خرید نیازمندی‌های اعتکاف باشد فی نفسه مانعی ندارد ولی در صورتی که باعث خارج شدن از مسجد می‌شود مشروط به این است که در حال اعتکاف به آن نیاز داشته باشد و جایز نیست معتکف خودش اقدام به خرید و فروش کند مگر در مواردی که در حال اعتکاف به آن‌ها نیاز دارد.

گلستان پندها: چه چیزی می‌تواند انسان را در راه تقوا نگه دارد؟ کسی که به آن ترس و ایمان رسید، خود ایمان به او می‌گوید که راهت را ادامه بده. خستگی در دوران قبلی وجود داشت که من هیچ دلیلی جز دلیل عقلی نداشتم و مجبور بودم با خستگی خودم بجنگم. فرض کنید من برای يك ساعت می‌خواهم بیدار باشم؛ جان می‌کنم تا بلند می‌شوم. دلیل عقلی به من می‌گوید که بلند شو؛ چاره‌ای نداری و من به دلیل عقلی برمی‌خیزم. اگر آن را ادامه دادم و مقاومت کردم - که این مداومت شرط اصلی است - به آن احساس می‌توانم برسم. اگر احساس است، پس احساس، مرا وادار می‌کند که مداومت کنم. اینجا باز هم نباید دلیل عقلم را از دست بدهم؛ چون گاهی ممکن است يك وقت احساسم، چون اوائلش است، کم بیاورد. وقتی من از احساس کم آوردم، دلیل عقلی هست. در جاهایی هم این احساس است که به عقل کمک می‌کند. این احساس که عرض می‌کنیم، يك حس ایمانی و حس ترس از خدا است. حالا مسئله مهم دیگر که در کنار همین‌ها و پشتوانه است، چیزی است که در این آیه شریفه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵)؛ ابتغاء و وسیله، یعنی باید دست به سوی و سائل تقرب دراز کرد؛ یعنی ائمه علیهم السلام. این حرف بسیار بسیار مهمی است که باز در تعلیمات امروز ما متأسفانه وجود ندارد و فراموش شده است. ما ائمه را وسیله تقرب میدانیم. ابتغاء وسیله که گفته شد، یعنی به دست آوردن وسیله برای تقرب. ما به انواعی از توسل‌اتی که معتقد هستیم، دست به دامن می‌شویم؛ مثلاً تضرع می‌کنیم به در خانه امام زمانمان و در روضه حضرت اباعبدالله گریه می‌کنیم و با اخلاص، سینه می‌زنیم. گریه - اگر گریه باشد - به طور طبیعی، اخلاص می‌آورد و گرنه، فقط آب است. اگر همین گریه نباشد، چه؟ اگر نباشد که هیچ؛ اصلاً دل نمی‌سوزد. وقتی هم دل نمی‌سوزد، ممکن است من اشکم را مصرف مردم کنم و گرنه؛ اصلاً شکستن دل، جای دخالت مردم نیست. این را ما پشتوانه می‌دانیم. برای تمام آنچه که عرض شد، شما اگر دست به دامن باشید، زودتر به این احساس ایمانی می‌رسید. اگر دست به دامن باشید، زودتر به ترس می‌رسید و امکان مداومت بر اعمال دارید. همانگونه که اگر مداومت کنید، به احساس می‌توانید برسید و اگر متوسل باشید، امکان ادامه عمل و مداومت بر عمل، بیشتر است و امکان لغزش، کم می‌شود.^۱

^۱ از بیانات آیت الله جوادان

منبر سی و نهم: «یا ذا الجلال و الاکرام!» امروز را عید تطهیر من قرار بده، ای والاترین نگهبان من پس از سه روز دل کندن از خاک و دل سپردن به افلاک! تویی که می‌توانی پیراهنم را از غبار راه بتکانی. دست‌هایم را بر شاخه‌های بلند ابدیت آویخته‌ام، از همه چیز و همه کس بریده‌ام، سرنوشت‌م را به تو سپرده‌ام.

آیه: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴)؛ و کسانی که می‌گویند خدای ما، ما را از همسرانمان نور چشمان بخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان.

حدیث: امام صادق علیه السلام: "إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عَلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ وَ لِسَانٌ لَطِيفٌ وَ قَلْبٌ رَحِيمٌ وَ يَدٌ مُعْطِيَةٌ"؛ بهشتی‌ها چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده.

دانش‌تنی‌های اعتکاف: حدود مسجد: پشت‌بام و سرداب و محراب مسجد و هر چه به سبب تو سعه مسجد آن افزوده شده جزء مسجد به حساب می‌آید، مگر آنکه بدانیم، جزء مسجد نیست. به جز این سه مکان، جایی را که انسان نداند جزء مسجد است یا از متعلقات آن، (مثل حیاط مسجد) حکم مسجد را ندارد و اعتکاف در آنجا صحیح نیست.

مسجدی که علاوه بر شبستان، دارای حیاط و صحن و راهرو است و در عرف همه آن‌ها را مسجد می‌خوانند، آیا احکام مسجد بر آن‌ها جاری است یا نه و در صورتی که قصد بانی معلوم نباشد، ساختن مستراح و امثال آن در یک طرف آن صحن چه صورت دارد، دلیل و قرینه بر عدم مسجدیت لازم است یا نه؟ آیت الله گلپایگانی: با شك در آنکه صحن را جزء مسجد قرار داده، اگر اماره‌ای (علامت، نشانه‌ای) بر مسجد بودن نباشد، محکوم به مسجدیت نیست و اماره بر عدم، لازم نیست.

اعتکاف در دو مسجد: يك اعتکاف باید در يك مسجد باشد، پس اعتکاف در دو مسجد که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند صحیح نیست، خواه آن دو مسجد، متصل به هم باشند یا جدای از هم، آری اگر به گونه‌ای وصل به یکدیگر باشد، که يك مسجد شمرده شود، صحیح است. اگر در مسجد معتکف شود ولی مانعی از ادامه ماندن در آن مسجد پیش آید، اعتکاف باطل است و چنانچه آن اعتکاف، واجب باشد، باید در مسجدی دیگر و اگر مانع برطرف شد، در همان مسجد، بار دیگر معتکف شود، یا قضا کند. اعتکافی را که به سبب پیش آمدن مانع به هم خورده است، نمی‌توان پس از آنکه مانع برطرف شد، ادامه دهد. چه در آن مسجد یا مسجد دیگر؛ بنابراین اگر پس از يك روز اعتکاف در مسجد، مانع پیش آمد، نمی‌تواند به مسجد دیگری برود و بقیه ایام را در آن مسجد بماند، یا بعد از آنکه مانع برطرف شد، برگردد و بقیه را در همان مسجد بماند.

اخلاق: پاداش بسیار: خداوند برای برخی اعمال دو برابر پاداش قرار داده و برای برخی ده برابر و برای انفاق در راه خدا هفتصد برابر و برای جهاد در راه خدا، پاداش بی حد و مرز قرار داده است. یکی از اعمالی که چنین پاداشی دارد، اعتکاف است. در حدیثی آمده است که معتکف گناهان را متوقف نموده (و از بین می‌برد) و اجری بسان اجر انجام دهنده تمام نیکی‌ها دریافت می‌دارد؛ و این پاداش آنگاه دو چندان خواهد شد که در کنار اعتکاف، روزه ماه رجب را هم اضافه کنیم و آنگاه معنای «أَيُّنَ الرَّجَبِيَّوْنَ» روشن می‌شود. آنچه از ثواب‌ها و پاداش‌ها بیان شد، مربوط به مطلق اعتکاف بود و اشاره شد که این پاداش‌ها در ماه رجب افزایش می‌یابد؛ و در ماه مبارک رمضان -مخصوصاً دهه آخر- چندین برابر افزایش می‌یابد؛ زیرا اعتکاف همراه با زمانی می‌شود که در آن نَفَس‌های انسان تسبیح است و خوابش عبادت و طاعاتش پذیرفته شده و خواندن يك آیه برابر با يك ختم قرآن.

مرحوم آیت الله سید علی قاضی طباطبایی رحمه الله: «ایشان در مسجد کوفه و سهله حجره داشت و بعضی از شب‌ها را به تنهایی در آن بیتوته می‌کرد و به شاگردان خود نیز توصیه می‌فرمود که بعضی از شب‌ها را به عبادت در مسجد کوفه و یا مسجد سهله به سر برند؛ و دستور داده بودند که چنانچه در بین نماز و یا قرائت قرآن و یا در حال ذکر و فکر برای شما پیش آمدی کرد؛ و صورت زیبایی را دیدید و یا بعضی از جهات عالم غیب را مشاهده کردید توجه ننمایید و به دنبال خود باشید».^۲

احکام شرعی: آیا جایز است که معتکف کسی را برای خرید چه ضروری و چه غیرضروری وکیل کند؟

^۱ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۹۱

^۲ مهر تابان، ص ۳۰

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اگر برای خرید نیازمندی‌های هنگام اعتکاف باشد، اشکال ندارد، اما در غیر آن موارد، اگر وکیل کردن در هنگام اعتکاف باشد اشکال دارد.

گلستان پندها: اعتکاف؛ میثاقی دوباره: اعتکاف، میثاقی است دوباره، عهدی است صداره و نگاهی است یک‌باره به عمق ناپیدای عشق. سه روز خود را برای او مخلص کردن، عشق را در سحر معنا کردن و روزه را آغاز وصال دانستن. اعتکاف، حج کوچکی است در دل، عمره بزرگی است در نفس، قربانگاه زیبایی است در قلب. در مساجد جامع شهر محرم شدن، سه روز خود را کنار کوه «جبل الزحمة» دیدن. در کلاس عرفات، مقدمات را چیدن و ذکر «مَنْ لِي غَيْرُكَ» را سرمشق گرفتن و چون مجنون، نام لیلی را گفتن. سه شب بیداری از سوز عشق و بیزاری از دنیا و خود را در زمزم معرفت شستشو دادن. بین صفا و مروه راه رفتن، میان از خود گذشتن و به خدا رسیدن و از آتش عشق هروله کردن. دوباره بر گرد نامش طواف کردن، پشت مقام ابراهیم، زمزمه دعا کردن، بر سجاده نیاز، سفره دل گشودن و در روز آخر تا منی رفتن و عرفات را پشت سر گذاشتن و منیت را قربانی کردن. در «اعمال امّ داوود» صحبت عاشقانه کردن و در سجده آخر، خوشه استجابت را درو کردن. فاطمه شریف زاده

منبر چهل: من قربانی طغیان خویشم؛ نخواه تا این‌گونه مکدر که آمده‌ام، با دست‌هایی برآمده از هیچ بازگردم. از پشت تمام پنجره‌ها، بندگی‌ام را بنگر و رهایم کن از بند تعلقات! صدایم کن و رهایی‌ام بخش! «اللّٰهُمَّ إِنِّي أُبْرَأُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِي هَذَا»

آیه: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ از نشانه‌های او این است که از خود شما جفت‌هایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت.

حدیث: امام سجاد علیه السلام: "اللّٰهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتُهَا وَلَا عَائِبَةً أُؤْتَبُ بِهَا إِلَّا خَسَّنْتُهَا وَلَا أَكْرَمَةً فِيَّ نَاقِصَةٌ إِلَّا أَتَسَمَّيْتُهَا"؛ خدایا هیچ صفتی که بر من عیب شمرده شود وامگذار مگر آن که اصلاحش فرمایی و هیچ صفت نکوهیده‌ای را به جای مگذار مگر آن که آن را نکوسازی و مرا در هیچ خصلت پسندیده ناتمامی فرو مگذار مگر آن که کاملش گردانی.

دانستنی‌های اعتکاف: آداب اعتکاف: اعتکاف علاوه بر شرایط فقهی دارای آداب و ملزوماتی است که با رعایت آن‌ها اعتکاف دارای بار معنوی افزون‌تر و اثرات گسترده‌تر و عمیق‌تری می‌شود و در روح و جان آدمی نقش بهتری ایفا می‌نماید. که از آن جمله است: دوری از خانه و خانواده. امساک از لذایذ گوناگون، همچون خوردن و نوشیدن و لذت جنسی اعم از جماع، لمس، بوسیدن به قصد لذت و... حتی در شب. قناعت و اکتفا به کمترین امکانات مسجد. یافتن فرصت بیشتر و مناسب‌تری برای اندیشیدن و تلاوت قرآن و تدبّر و تعمق در آیات آن. خواندن نمازهای نافله، به ویژه تهجد و شب‌زنده‌داری و نماز شب. تمرکز و تفکر پیرامون اوضاع و احوال خویش. کنترل نفس اماره و تسلط بر خویشستن. عاقبت‌اندیشی و فرجام‌نگری نسبت به اعمال و رفتار خود. نظر کردن به زاد و تو شه آخرت خود که تاکنون چه پیش فرستاده است. به دنیا رو نکردن و به ما فيها توجه نمودن و به جاذبه‌های آن دل نبستن، جز در حدّ لزوم و اکتفا به قدر ضرورت. فرصت بیشتر برای مطالعه و کسب معرفت و فراگیری معارف الهی.

اخلاق: لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم! از بی‌حوصلگی و بداخلاقی و بی‌تابی دوری کن که هیچ دوستی تحمل این خصلت‌ها را ندارد. در کارهایت آرام و بردبار، در تحمل زحمات برادران صبور و با همه مردم خوش اخلاق باش.

احکام شرعی: مورد ضروری که خرید و فروش در آن‌ها برای معتکف جایز است، چیست؟

- مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مواردی که در هنگام اعتکاف برای خودش یا هزینه‌های خودش و نفقه‌ی خانواده‌اش به آن نیاز دارد.

گلستان پندها: عمل امّ داود: روایت شده است که هر کسی که غمی دارد اگر این دعا را بخواند خداوند او را از اندوه و غم آسایش بخشد. عمل امّ داود که عمده اعمال این روز است و برای برآمدن حاجات و برطرف شدن غصه‌ها و دفع ظلم ظالمان مؤثر است و کیفیت آن بنا بر آنچه در مصباح شیخ است آن است که وقتی که فردی بخواهد این عمل را بجا آورد، روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بگیرد؛ و در روز پانزدهم نزدیک ظهر غسل کند و وقت زوال ظهر، نماز ظهر و عصر را بجا آورد در حالتی که رکوع و سجود شان را نیکو انجام دهد و در مکانی خلوت قرار بگیرد که چیزی او را مشغول نسازد و کسی با او سخن ننماید. وقتی نماز به اتمام رسید رو به قبله بنشیند کند و صد مرتبه سوره حمد، صد مرتبه سوره اخلاص و ده مرتبه آیه الکرسی را قرائت کند. سپس سوره‌های انعام، بنی‌اسرائیل، کهف، لقمان، یس، صافات، حم سجده، حم معشق، حم دخان، فتح، واقعه، ملک، ن و إذا السماء انشقت و تا آخر قرآن را قرائت کند و پس از اتمام در حالی که رو به قبله است دعای ذیل را نجوا کند.

صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولَا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. وَ بَلَّغْتَ رُسُلَهُ الْكِرَامَ وَ أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَجْدُ وَ لَكَ الْعِزُّ وَ لَكَ الْفَخْرُ وَ لَكَ الْقَهْرُ وَ لَكَ النِّعْمَةُ وَ لَكَ الْعِظَمَةُ وَ لَكَ الرَّحْمَةُ وَ لَكَ الْمَهَابَةُ وَ لَكَ السُّلْطَانُ وَ لَكَ الْبَهَاءُ وَ لَكَ الْأَمْتِنَانُ وَ لَكَ التَّسْبِيحُ وَ لَكَ التَّقْدِيسُ وَ لَكَ التَّكْبِيرُ وَ لَكَ مَا يُرَى وَ لَكَ مَا لَا يُرَى وَ لَكَ مَا فَوْقَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى وَ لَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ لَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى وَ لَكَ الْأَخِرَةُ وَالْأُولَى وَ لَكَ مَا تَرَضَى بِهِ مِنْ

الثَّنَاءُ وَالْحَمْدُ وَالشُّكْرُ وَالنُّعْمَاءُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى جَبْرِئِيلَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَالْقُوَى عَلَى أَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِي سَمَوَاتِكَ وَ مَحَالِّ كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لَأَنْبِيَائِكَ الْمُذْمَرِّ لِأَعْدَائِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ميكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَ صَاحِبِ الصُّورِ الْمُتَنَبِّئِ لِأَمْرِكَ الْوَجَلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى خَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْجِنِّ اِنْ وَ حَزَنَةِ النِّيرَانِ وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَالْأَعْوَانِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى أَبِينَا آدَمَ بَدِيعِ فَطْرَتِكَ الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَبَحْتَهُ جَنَّتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمْنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ الْمُصْقَاتِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفْضَلَةِ مِنَ الْأَنْسِ الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْفُؤُسِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَ شِيثَ وَ إِدْرِيسَ وَ نُوحَ وَ هُودَ وَ صَالِحَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوشَعَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ لُوطَ وَ شُعَيْبَ وَ أَيُّوبَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ يُوشَعَ وَ مِيشَا وَ الْخَضِرَ وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ يُونُسَ وَ إِيَّاسَ وَ النَّبِيَّ وَ ذِي الْكِفْلِ وَ طَالُوتَ وَ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ زَكَرِيَّا وَ شُعْبَةَ وَ يَحْيَى وَ نُورَخَ وَ مَتَّى وَ إِزْمِيَا وَ حَيْثُوقَ وَ دَانِيَالَ وَ عَزْرِيَّ وَ عِيسَى وَ سَمْعُونَ وَ جَزَجِيْسَ وَ الْخَوَارِجِيْنَ وَ الْأَتْبَاعَ وَ خَالِدَ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ رَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالشُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَ أَيْمَةَ الْهُدَى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ وَالشَّيَاحِ وَالْعَبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَادِ وَ أَهْلَ الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ وَاحْضُضْ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ أَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ مَتَى تَجِيئُهُ وَ سَلَامًا وَرِزْدَةً فَضْلًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا حَتَّى تُبَلِّغَهُ أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَفْاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتَهُ وَ مَنْ لَمْ أَسْمَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ أَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَ إِلَى أَزْوَاجِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَ أَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَ بِكَرَمِكَ إِلَى كَرَمِكَ وَ بِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَ بِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَزْدُودَةٍ وَ بِمَا دَعَوْتُ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا اَللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ يَا مُقِيلُ يَا مُجِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مُنِيعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا بَرَّ يَا طَهْرُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيطُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيبُ يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ يَا مُجِيدُ يَا مُبْدِيُ يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْسِلُ يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِي يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُزْنَّاحُ يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مُفْتَاحٍ يَا نَفَّاحُ يَا رُؤْفُ يَا غَطُوفُ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي يَا مُكَافِي يَا وَفِيُّ يَا مُهَيِّمُنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا فَزْدُ يَا وَتَرُ يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرُ يَا مُونِسُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا عَالِمُ يَا حَاكِمُ يَا بَادِي يَا مُتَعَالَى يَا مُصَوِّرُ يَا مُسَلِّمُ يَا مُتَحَبِّبُ يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا جَوَادُ يَا بَارِيُّ يَا بَازُّ يَا سَازُّ يَا غَذَلُ يَا فَاصِلُ يَا دَيَّانُ يَا حَتَّانُ يَا مَنَانُ يَا سَمِيعُ يَا بَدِيعُ يَا حَفِيزُ يَا مُعِينُ يَا نَاشِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا مُسَهِّلُ يَا مُيَسِّرُ يَا مُمِيتُ يَا مُخْيِي يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَبِّبُ يَا مُغِيثُ يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ يَا جَابِزُ يَا حَافِظُ يَا كَسِيدُ يَا غِيَاثُ يَا عَائِدُ يَا قَابِضُ يَا مَنْ عَلا فَاسْتَعْلَى فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرُبَ قَدْنَا وَ بَعْدَ فَنَائِي وَ غَلَمَ السَّرُّ وَ أَخْفَى يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَ لَهُ الْمَقَادِيرُ وَ يَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرُ يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرُ يَا مُرْسِلُ الرِّيحِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَزْوَاجِ بِأَذَا الْجُودِ وَالسَّمَاحِ يَا رَادُّ مَا قَدْ فَاتَ يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ يَا جَامِعَ السُّنَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ يَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا حَيُّ يَا مُخْيِي الْمَوْتَى يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ رَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَارْحَمْ ذُلِّي وَ وَاقَتِي وَ فَقْرِي وَانْفِرَادِي وَ وَحْدَتِي وَ خُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ الْخَاشِعِ الْخَائِفِ الْمُشْفِقِ الْبَائِسِ الْمَهِينِ الْخَفِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ الْعَائِذِ الْمُسْتَجِيرِ الْمُقَرَّبِ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرُ مِنْهُ الْمُسْتَكَينِ لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمْتُهُ ثِقَتُهُ وَ رَفَضْتُهُ أَجِبْتُهُ وَ عَظُمْتَ فَجَبِعْتُهُ دُعَاءَ حَرِيقِ حَزِينٍ ضَعِيفٍ مَهِينٍ بَائِسٍ مُسْتَكَينٍ بِكَ مُسْتَجِيرٍ اَللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَ أَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ وَ أَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ الْمَشَاعِرِ الْعَظَامِ وَ بِحَقْنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامِ يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا وَ لِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ يَا رَادُّ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ وَ زَائِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ وَ يَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَ لَزَكَرِيَّا يَحْيَى وَ لِمَرْيَمَ عِيسَى يَا حَافِظَ بَنَاتِ شُعَيْبٍ وَ يَا كَافِلَ وَلَدِ أُمِّ مُوسَى أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَ تُحْيِرَنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ تُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَ أَمَانَكَ وَ إِحْسَانَكَ وَ غُفْرَانَكَ وَ جَنَّاتِكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُنْكَلَ عَنِّي كُلَّ خَلْقَةٍ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي وَ تَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَ تَلِينَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَ تُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَ تُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِسَرٍّ وَ تَكْفَ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَ تَكْتِبَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَ حَاسِدٍ وَ تَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَ تَكْتَفِينِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَاجَتِي وَ يُحَاوِلُ أَنْ يَفَرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ طَاعَتِكَ وَ يُبْطِئَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ

الْمُتَمَرِّدِينَ وَ قَهَرُ غَنَاةِ الشَّيَاطِينِ وَ أَذَلُّ رِقَابِ الْمُتَجَبِّرِينَ وَ رَدُّ كَيْدِ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُشْتَغَفِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ تَشْهِيكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ.

پس از نجوا نمودن این دعا، فرد به سجده رود و دو طرف صورت خود را بر روی زمین و خاک بگذارد و بگوید: اَللّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ اَمْنْتُ فَأَرْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي وَ تَضَرُّعِي وَ مَسْكَنَتِي وَ فَقْرِي اِلَيْكَ يَا رَبِّ. توصیه شده است که در سجده اشک ریخته شود ولو به اندازه سر سوزنی که این علامت استجابت دعا می‌باشد. ان شاء الله

در دنیایی که سعی می‌کنند تا لذت طلبی را به سمت مادیات و شهوات ببرند، جای بهت است که این همه جوان و نوجوان از روزها قبل خوشحال‌اند که اعتکاف و مهمانی خدا نزدیک است. این مسئله در دنیا نظیر ندارد، این عنایت خداست. جوانی که با گریه و زاری از مسجد بیرون می‌رود در جهان خریدار دارد.

سلسله منابر اهل بیت (علیهم السلام)

جلد اول: چهل منبر محمدی	جلد بیست و یکم: چهل منبر سیاسی
جلد دوم: چهل منبر علوی	جلد بیست و دوم: چهل منبر اعتکافی
جلد سوم: چهل منبر فاطمی	جلد بیست و سوم: چهل منبر جهادی
جلد چهارم: چهل منبر حسینی	جلد بیست و چهارم: چهل منبر دوستی و دشمنی
جلد پنجم: چهل منبر حسینی	جلد بیست و پنجم: چهل منبر قرآنی
جلد ششم: چهل منبر سجادی	جلد بیست و ششم: چهل منبر معروفی
جلد هفتم: چهل منبر باقری	جلد بیست و هفتم: چهل منبر دعایی
جلد هشتم: چهل منبر صادقی	جلد بیست و هشتم: چهل منبر اخلاقی
جلد نهم: چهل منبر موسوی	جلد بیست و نهم: چهل منبر اربعینی
جلد دهم: چهل منبر رضوی	جلد سی‌ام: چهل منبر قدری
جلد یازدهم: چهل منبر تقوی	جلد سی و یکم: چهل منبر رضائی
جلد دوازدهم: چهل منبر نقوی	جلد سی و دوم: چهل منبر فطری
جلد سیزدهم: چهل منبر عسکری	جلد سی و سوم: چهل منبر قدسی
جلد چهاردهم: چهل منبر مهدوی	جلد سی و چهارم: چهل منبر قربانی
جلد پانزدهم: چهل منبر زینبی	جلد سی و پنجم: چهل منبر غدیری
جلد شانزدهم: چهل منبر ابوالفضلی	جلد سی و ششم: چهل منبر دفاعی
جلد هفدهم: چهل منبر معصومی	جلد سی و هفتم: چهل منبر بسیجی
جلد هیجدهم: چهل منبر علی اکبری	جلد سی و هشتم: چهل منبر بصیرتی
جلد نوزدهم: چهل منبر علی اصغری	جلد سی و نهم: چهل منبر انقلابی
جلد بیستم: چهل منبر نمازی	جلد چهلم: چهل منبر شخصی

منابع و مأخذ:

- اعتکاف ابرار، به نقل از فوائد الرضویه شیخ عباس قمی، گروه پژوهشگران، خلق، قم، ۱۳۸۶ش
- إرشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، ترجمه رضایی، تهران، ۱۳۷۷ش
- إقبال الأعمال (ط - القدیمة)، علی بن موسی ابن طاووس، تهران، ۱۴۰۹ ق
- الأمالی (للاصدوق)، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، ۱۳۷۶ش

- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
- بیانات آیت الله جوادان
- تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، قم، ۱۴۰۴ ق
- ترجمه تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبائی، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ش
- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، ۱۳۶۶ش
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ش
- تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، محمد بن الحسن طوسی، تهران، ۱۴۰۷ ق
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی ابن بابویه، قم، ۱۴۰۶ ق
- جامع الأخبار (للشعیری)، محمد بن محمد شعیری، نجف، بی تا
- حکمت عبادات، آیت الله جوادى آملی، اسراء، ۱۳۹۱ش
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، قم، ۱۳۶۲ ش
- زندگانی حضرت جواد و عسکریین علیهم السلام، موسی خسروی، انتشارات اسلامیة
- سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، علامه محمدحسین طباطبائی، موسسه النشر الاسلامی
- الصحيفة السجادية، علی بن الحسین، قم، ۱۳۷۶ ش
- فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، أحمد بن عبد الرزاق الدویش، دار المؤید، ۱۴۲۴ ق
- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق
- کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، متقی هندی، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ ق
- مجمع الزوائد، أبو الحسن نور الدین علي بن أبي بكر بن سليمان الهيتمي، مكتبة القدسي، القاهرة، ۱۴۱۴ق
- مجموعه ای از بیانات رهبری
- مجموعه وژام، مسعود بن عیسی ورام بن أبی فراس، قم، ۱۴۱۰ ق
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، ۱۳۷۱ ق
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق
- معانی الأخبار، محمد بن علی ابن بابویه، قم، ۱۴۰۳ ق
- مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، ۱۴۱۲ ق
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق
- مهر تابان، سید محمد حسین حسینی تهرانی، باقر العلوم (علیه السلام)، قم
- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، درالحديث، قم، ۱۳۸۴
- نهج البلاغة (للصبحي صالح)، محمد بن حسین شریف الرضی، قم، ۱۴۱۴ ق
- نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ابو القاسم پاینده، تهران، ۱۳۸۲ش
- وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، آل البيت، قم، ۱۴۱۴ ق